

**آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی
انتخابات مجلس در ایران
۱. دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران**

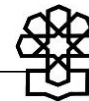
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۷۱۳۰
تیرماه ۱۳۹۹

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۳
۱. سیر تحول نظام حوزه‌بندی انتخاباتی در دوره مشروطه	۶
۱-۱. نظام‌نامه انتخابات صنفی	۶
۱-۲. نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای	۷
۱-۳. قانون انتخابات عمومی یک درجه‌ای (۱۲۹۰ هـ.ش.)	۱۰
۱-۴. تغییرات قانون انتخابات ۱۲۹۰ هـ.ش.	۱۵
۲. تحلیل	۲۶
۲-۱. نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه	۲۶
۲-۲. علت (یا علل) اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه	۲۹
۲-۳. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه	۲۹
۲-۴. مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه	۴۱
نتیجه‌گیری	۴۱
پیوست‌ها	۴۳
منابع و مأخذ	۶۵



آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۱. دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران

چکیده

یکی از پیش‌نیازهای اصلی برگزاری انتخابات، تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای مشخص و مبتنی بر قوانین انتخاباتی است. فرایند ترسیم این مرزها که از آن با عنوان فرایند تحدید مرزهای حوزه‌های انتخابیه هم یاد می‌شود، عبارت است از ترسیم تعدادی خط روی نقشه با هدف تقسیم یک منطقه به چندین حوزه انتخابیه مجزا که از هریک از آنها یک یا چند نماینده انتخاب می‌شوند. ساختار رسمی و مجموعه قوانین مرتبط با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، باید به چهار مسئله بپردازد: نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه؛ علت/علل اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه؛ معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه.

نظام حوزه‌بندی انتخاباتی در ایران از منظر موارد فوق همواره ایرادهای اساسی داشته که اصلاح آن ضروری است. از آنجاکه ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور می‌تواند تأثیر عمیقی بر نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه آن کشور بگذارد، برای طراحی نظام حوزه‌بندی انتخاباتی بهینه در ایران ضروری است ابتدا یک آسیب‌شناسی از نظام حوزه‌بندی انتخاباتی کشور و تغییرات آن طی زمان ارائه شود. با توجه به اینکه نظام حوزه‌بندی کنونی ریشه در اولین قانون اساسی ایران و قوانین انتخاباتی عصر مشروطه دارد، گزارش حاضر از طریق استخراج مباحث مرتبط با فرایند تدوین قوانین مرتبط با حوزه‌بندی انتخاباتی از مشروح مذاکرات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی و نیز قوانین مصوب آن دوره، به آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخاباتی و روند تغییرات حوزه‌های انتخاباتی از زمان تدوین نخستین نظام‌نامه انتخابات در عصر مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده موارد ذیل است:

۱. نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه: نهاد مسئول ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌های انتخاباتی از دوره اول تا چهاردهم مجلس شورای ملی (به‌استثنای نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای و دوره نهم مجلس شورای ملی)، کمیسیون‌هایی شکل گرفته از نمایندگان مجلس بوده است. از مجلس شانزدهم ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌بندی انتخاباتی را دولت برعهده گرفت. همچنین در عصر مشروطه وظیفه تصویب نهایی جدول حوزه‌بندی انتخاباتی (به‌استثنای نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای) همواره

برعهده مجلس شورای ملی بوده است. در ادواری که ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده مجلس شورای ملی بوده است، در کنار نبود آمارهای رسمی از جمعیت نقاط مختلف کشور، در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی، اعمال نفوذ و قدرت نمایندگان سبب شد حوزه‌بندی انجام شده از ایرادهای اساسی برخوردار باشد. در ادواری که ترسیم طرح اولیه حوزه‌بندی انتخاباتی را دولت در قالب لایحه انجام داد نیز اغلب به شیوه‌های مختلف تلاش شد نظرات نمایندگان مجلس شورای ملی درباره چگونگی ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه اخذ و اعمال شود. با توجه به بی‌طرف نبودن نمایندگان مجلس شورای ملی و مسئله تعارض منافع، نتیجه این رویه تأثیرگذاری جغرافیای «قدرت» در امر حوزه‌بندی انتخاباتی بوده است که پیامد آن نواقصی مانند در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی در امر حوزه‌بندی، عدم تأمین برابری قدرت رأی‌دهی، عدم پیوستگی جغرافیایی نقاط درون برخی حوزه‌ها و عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای اداری بوده است.

۲. علت اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه: در عصر مشروطه تا سال ۱۳۳۶ زمان معینی برای تجدیدنظر در حوزه‌بندی انتخاباتی وجود نداشت و در هر دوره که شرایط برای طرح موضوع اصلاح حوزه‌بندی انتخاباتی فراهم بود، با پیشنهاد نمایندگان فرایند بازنگری جریان می‌یافت. مهم‌ترین علت تلاش برای تغییر حوزه‌بندی انتخاباتی در عصر مشروطه، ایرادهای مطرح نسبت به حوزه‌بندی موجود (به‌ویژه از جانب نمایندگان مجلس) و افزایش جمعیت بود. از سال ۱۳۳۶ و با اصلاح ماده (۴) قانون اساسی مشروطه، یک دوره زمانی ۱۰ ساله (در صورت ازدیاد جمعیت کشور در هر حوزه انتخابیه) برای تجدیدنظر در تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی تعیین شد که لزوماً به‌معنای تجدیدنظر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه نبود.

۳. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه: در دوره مشروطه (به‌استثنای نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای) معیار اصلی برای حوزه‌بندی عامل جمعیت بود.

در نظام‌نامه انتخابات صنفی (مصوب ۱۲۸۵ ه.ش.) عامل «جمعیت» به‌عنوان معیاری برای تعیین تعداد نمایندگان هر حوزه تعیین شد؛ اما در قانون، مقیاس دقیقی برای حداقل جمعیت یک حوزه و میزان انحراف از حدمجاز تعیین نشد. نبود آمارهای رسمی از جمعیت ایالات و ولایات و تکیه بر حدس و گمان و تخمین در این باره، اختصاص ۱۲ یا ۶ نماینده به ایالات و ولایات فارغ از تفاوت‌های آنها از نظر تعداد جمعیت، در کنار دلایل سیاسی و مصلحت‌گرانه موجب شد حوزه‌بندی از معیار جمعیت تبعیت نکند.

در نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای (۱۲۸۸ ه.ش.)، «جمعیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی» معیاری برای حوزه‌بندی بود. در نظر گرفتن عامل اهمیت محلی در کنار جمعیت تخمینی ولایات به‌عنوان معیاری برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، راه را برای اعمال نفوذ و قدرت و تخطی بیشتر از اصل برابری جمعیت باز کرد و سبب نابرابری‌هایی در تخصیص نمایندگان به ولایات شد.

در نظام‌نامه انتخابات یک‌درجه‌ای (۱۲۹۰ ه.ش.)، «جمعیت تخمینی ولایات» به‌عنوان معیاری برای تقسیم نمایندگان تعیین شد. اما مقیاس دقیقی برای حداقل جمعیت و میزان انحراف از حدمجاز



در قانون تعیین نشد. در کنار مسئله نبود اطلاعات آماری دقیق و رسمی از تعداد جمعیت مناطق مختلف که سبب اختلاف نظرهای متعدد در فرایند تصویب نظام‌نامه شد، برخی نمایندگان با استناد به اهمیت سیاسی، تجاری و ... حوزه‌های خود و اعمال نفوذ، خواستار افزایش تعداد نمایندگان بودند و اغلب در این راستا موفق نیز بودند.

با اصلاح ماده (۴) قانون اساسی مشروطه در سال ۱۳۳۶ هـ.ش، مقیاس عددی «یکصد هزار نفر» برای داشتن یک نماینده تعیین شد اما در دو قانون، جدول حوزه‌های انتخابیه که پس از این تاریخ به تصویب رسید (۱۳۳۹ و ۱۳۵۰ هـ.ش) نیز به معیار «یکصد هزار نفر» به صورت کامل عمل نشد و برخی حوزه‌ها در این دو قانون انحراف بیش از ۵۰ درصد از معیار مذکور داشتند. در واقع در حالی که تا مجلس نوزدهم، یکی از دلایل اصلی عدم برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه، نبود آمارهای رسمی از جمعیت کشور و نبود مقیاسی دقیق برای حداقل جمعیت جهت داشتن یک نماینده بود. از این دوره به بعد نیز به دلیل عدم تعیین میزان مجاز انحراف از مقیاس صد هزار نفر، برابری حقوق رأی‌دهی در حوزه‌بندی تأمین نشد.

۴. مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه: در دوره مشروطه سازوکاری

برای دخالت مستقیم مردم در فرایند ترسیم حوزه‌های انتخابیه شکل نگرفت.

مقدمه

یکی از پیش‌نیازهای اصلی برگزاری انتخابات، تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخاباتی با مرزهای مشخص و مبتنی بر قوانین انتخاباتی است. حوزه‌های انتخاباتی به‌عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان مردم، هم کل فرایند انتخابات و هم نتایج آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از آنجاکه انتخابات در چارچوب حوزه‌های انتخابیه برگزار می‌شود، نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به‌طور اساسی بر ماهیت نمایندگی سیاسی تأثیر می‌گذارد. به‌دلیل همین تأثیرگذاری و اهمیت است که مسئله ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه اغلب تبدیل به مسئله‌ای منازعه‌برانگیز می‌شود. اگر چارچوب حقوقی مشخصی برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود نداشته باشد، فرایند ترسیم ممکن است با پیامدهای منفی روبه‌رو شود. البته چنانچه نظام انتخاباتی کشوری به‌گونه‌ای باشد که به اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در فواصل زمانی منظم نیازی نباشد، اگر قوانینی در این خصوص تدوین نشود، چندان مشکلی ایجاد نخواهد شد؛ اما اگر نظام انتخاباتی یک کشور به‌گونه‌ای است که اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در فواصل زمانی منظم ضروری است، به‌ویژه اگر نظام انتخاباتی مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده باشد، ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و تغییر و اصلاح این مرزها در فواصل زمانی معین، فرایندی مهم، حساس، پیچیده و نیازمند ساختار رسمی و مجموعه‌ای از قوانین برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است.

فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه که از آن با عنوان فرایند تحدید مرزهای حوزه‌های انتخابیه هم یاد می‌شود، عبارت است از ترسیم تعدادی خط روی نقشه با هدف تقسیم یک منطقه به چندین حوزه انتخابیه مجزا که از هر یک از آنها یک یا چند نماینده انتخاب می‌شوند. در ساختار رسمی و مجموعه قوانینی که در خصوص ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه ایجاد می‌شود، بایستی به مسائل زیر پرداخته شود:

- **نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** در اینجا پرسش‌هایی وجود دارد که چه کسی مسئول ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه است؟ تصویب نهایی طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده چه نهادی است؟ آیا مجلس قانونگذاری باید در ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه نقش داشته باشد؟ اگر پاسخ به این سؤال منفی است، آخرین مقامی که باید طرح ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را تأیید و به تصویب نهایی برساند کیست؟ آیا دستگاه قضایی نقشی در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه دارد؟ آیا امکان شکایت از نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (مثلاً در دادگاه‌ها) وجود دارد؟

- **علت (یا علل) اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** پرسشی که مطرح است این است که چه عاملی باعث می‌شود مرزهای حوزه‌های انتخابیه اصلاح شوند؟ آیا این فرایند باید پس از یک مدت زمان معین (مثلاً هر ۱۰ سال یکبار)، یا پس از هر سرشماری جمعیتی، یا پیش از هر دوره انتخابات مجلس قانونگذاری صورت گیرد؟

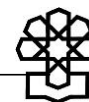
- **تعیین معیارها برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** مهم‌ترین پرسش در اینجا این است که نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه این کار را باید براساس چه معیارهایی انجام دهد؟

- **مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** سؤالی که در این خصوص وجود دارد این است که آیا باید سازوکاری برای مداخله مستقیم مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود داشته باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، این سازوکار باید به چه شکل باشد؟ (هندلی و گروفنم، ۱۳۹۵: ۴۹۷-۵۱۹).

با توجه به پرسش‌های فوق، قوانین و مقررات مرتبط با چگونگی ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه بایستی دربرگیرنده شاخص‌ها و معیارهای زیر باشند:

- **مستقل و بی‌طرف بودن مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** چارچوب حقوقی که برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه تدوین می‌شود باید بر این مسئله تأکید داشته باشد که فرد یا نهادی که مسئولیت ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را برعهده دارد، مستقل، غیرحزبی و بی‌طرف باشد.

- **برابری قدرت رأی‌دهی:** ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به‌گونه‌ای باشد که برابری حقوق رأی‌دهی حفظ شود، برای این کار لازم است مرزهای حوزه‌های انتخابیه به‌گونه‌ای ترسیم شوند که نسبت رأی‌دهندگان به نمایندگان در همه حوزه‌های انتخابیه تقریباً با هم برابر باشد. در مورد حوزه‌های انتخابیه



تک‌نماینده مرزهای حوزه‌های انتخابیه حتماً باید به‌شکلی ترسیم شوند که جمعیت آنها تقریباً با هم برابر باشد. این کار باید بر مبنای آمارهای به‌دست آمده از سرشماری‌های جمعیتی یا آمار مربوط به ثبت‌نام از رأی‌دهندگان صورت گیرد. همچنین به‌هنگام ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید به معیارهای دیگری از جمله جغرافیا، تراکم جمعیت و مرزهای اداری موجود نیز توجه شود.

- **مداخله مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه:** در قانون انتخابات بایستی سازوکارهایی مشخص برای مشارکت و مداخله مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه پیش‌بینی شود. مشارکت مردم در این فرایند، حتی اگر به شکل محدود باشد، باعث شفافیت خواهد شد و وجهه دموکراتیک این فرایند را تقویت خواهد کرد.

ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخاباتی در ایران، همواره مسئله‌ای چالش‌برانگیز بوده است و نظام حوزه‌بندی انتخاباتی از منظر موارد فوق همواره از ایرادهای اساسی برخوردار بوده است. با وجود همه تغییراتی که در حوزه‌های انتخاباتی به‌وجود آمده است، اهدافی مانند برابری حق رأی‌دهی تأمین نشده است. از این‌رو اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخاباتی کنونی ضروری به‌نظر می‌رسد. اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخاباتی باید به‌گونه‌ای باشد که با توجه به الزامات ساختار رسمی و مجموعه قوانین مرتبط با حوزه‌بندی انتخاباتی، سازوکاری دقیق برای حوزه‌بندی انتخاباتی و تغییر آن طی زمان ارائه دهد. از این‌رو در قالب سه گزارش، تلاش خواهد شد پیشنهادهایی برای چگونگی این ساختار رسمی ارائه شود.

از آنجاکه ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور می‌تواند تأثیری عمیق بر نحوه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در آن کشور بگذارد، برای طراحی یک نظام حوزه‌بندی انتخاباتی بهینه در ایران ضروری است ابتدا آسیب‌شناسی از نظام حوزه‌بندی انتخاباتی کشور و تغییرات آن طی زمان ارائه شود. با توجه به اینکه نظام حوزه‌بندی کنونی ریشه در اولین قانون اساسی ایران و قوانین انتخاباتی عصر مشروطه دارد، گزارش نخست از طریق استخراج مباحث مرتبط با فرایند تدوین قوانین مرتبط با حوزه‌بندی انتخاباتی از مشروح مذاکرات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی و نیز قوانین مصوب آن دوره، به آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی و روند تغییرات مرزهای حوزه‌های انتخاباتی از زمان تدوین نخستین نظام‌نامه انتخابات در عصر مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. در گزارش دوم به آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخاباتی از زمان انقلاب اسلامی ایران تاکنون پرداخته خواهد شد و در نهایت در گزارش سوم تلاش خواهد شد پیشنهادهای قانونی برای اصلاح نظام حوزه‌بندی انتخاباتی و ساختاری رسمی ارائه شود.

۱. سیر تحول نظام حوزه‌بندی انتخاباتی در دوره مشروطه

۱-۱. نظام‌نامه انتخابات صنفی

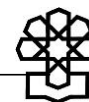
پس از صدور فرمان دوم مشروطیت توسط مظفرالدین‌شاه و تشکیل «مجلس موقت»، این مجلس وظیفه تدوین نظام‌نامه انتخابات که حوزه‌بندی انتخاباتی نیز بخشی از آن بود را برعهده گرفت. مجلس مزبور «کمیته‌ای» را مأمور تدوین نظام‌نامه انتخابات کرد که در واقع اولین قانون مدون ایران و نخستین تجربه ایرانیان در قانونگذاری بود. طبق برخی منابع هیئتی مرکب از ۳۰۰ نفر و طبق برخی منابع دیگر ۵۰۰ نفر از شاهزادگان قاجار، روحانیان، بازرگانان و کاسبان بازار برای تنظیم قانون انتخابات برگزیده شده بودند. گفتنی است گروه‌های بانفوذ مانند دولتی‌ها، علما، تجار و ... به‌طور مستقل به تدوین نظام‌نامه مشغول بودند و با یکدیگر طی جلساتی در مورد مواد نظام‌نامه به بحث و گفتگو می‌پرداختند. بنابراین چندین نظام‌نامه نوشته شد و از مجموع آنها نظام‌نامه بهتری تدوین شد و در ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین‌شاه رسید^۱ (سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸: ۳۹-۳۶).

ماده (۸) این نظام‌نامه بیان می‌داشت «عده انتخاب‌شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه ایران بیش از ۲۰۰ نفر نمی‌تواند باشد».^۲ شایان ذکر است ماده (۴) قانون اساسی مشروطه که در ۸ دی ۱۲۸۵ به امضای مظفرالدین‌شاه رسید نیز بیان می‌داشت «عده‌ی انتخاب‌شوندگان به‌موجب انتخاب‌نامه‌ی علی‌حده از برای تهران و ایلات فعلاً ۱۶۲ نفر معین شده است و برحسب ضرورت عده‌ی مزبور تزیاید تواند یافت الی ۲۰۰ نفر».

ماده (۶) نظام‌نامه انتخابات صنفی بیان می‌داشت، «عده انتخاب‌شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر ... باید انتخاب شود مگر تهران» که در این میان مستثنا بود و شمار نمایندگان آن ۶۰ نفر بود. با وجود اینکه ماده (۶) عامل «جمعیت» را به‌عنوان معیاری برای تعیین تعداد نمایندگان هر حوزه تعیین کرده بود، اما به‌استثنای تهران، سایر حوزه‌ها همه یا

۱. در برخی از کتب تاریخی نیز آمده است که نظام‌نامه انتخابات به‌دست یک هیئت پنج نفری تهیه و تدوین شد و سپس به توشیح شاه رسید. لازم به ذکر است قانون انتخاباتی که به‌وسیله هیئت مذکور تهیه شد، نهایی و قطعی نبود، بلکه آن را می‌توان پیش‌نویس قانون انتخابات دانست. پس از اینکه پیش‌نویس نظام‌نامه انتخابات توسط هیئت پنج نفره تنظیم و در مجلس موقت قرائت شد، اعضای مجلس موقتی به برخی از مفاد پیش‌نویس مذکور به‌شدت اعتراض کردند که درنهایت دولت (هیئت پنج نفره) کار تدوین نظام‌نامه را به‌عهده اعضای غیردولتی مجلس موقت گذاشت. اعضا نیز از میان خود برخی از روحانیان و سران تجار را برای تدوین قانون انتخابات برگزیدند. در این میان، روحانیان و علما بیشترین نقش را در تدوین نظام‌نامه داشتند. آنها با کمک برخی از آشنایان به غرب، آن قسمت‌هایی که باید از نظام‌نامه‌های خارجی بگیرند را گرفته و قسمت‌های دینی و وطنی آن را هم به‌طوری که با مقاصد آنها وفق دهد، تنظیم کرده، به تأیید و امضا دولت رساندند (سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸: ۳۹-۳۶).

۲. براساس همین ماده انتخاب در تهران یک‌درجه‌ای و در سایر ایالات و ولایات به‌صورت دودرجه‌ای برگزار می‌شد. بدین ترتیب که «در شهرهای جزء هر ایالتی هر طبقه علی‌حده جمع شده یک نفر را انتخاب نموده به کرسی ایالت می‌فرستند ... انتخاب‌شدگان در شهرهای جزء ایالات در کرسی ایالت جمع شده به عده‌ای که ... برای هر ایالتی معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضا انتخاب می‌کنند...». همچنین طبق ماده (۱۵) «انتخاب اشخاص مقرر به قرعه و اکثریت آرا خواهد بود».



۱۲ یا ۶ نماینده را برمی‌گزیدند (پیوست ۱). با توجه به اینکه طبیعتاً ایالات و ولایات از جمعیت یکسانی برخوردار نبودند، چنین حوزه‌بندی قطعاً نمی‌توانست برابری قدرت رأی‌دهی را تأمین کند.

گوستاو دمرنی، معلم فرانسوی حقوق اداری مدرسه سیاسی، در نقد قانون انتخابات گفته بود: «فقط در قانون انتخابات فهرست حوزه‌های انتخاب معین شده و آن‌هم بدون هیچ‌گونه ترتیب اداری زیرا عده نمایندگان به نسبت جمعیت و اهمیت ولایات معین نشده و تنها برای آنکه اهالی فلان ولایت بیشتر در انقلاب شرکت کرده‌اند، عده نمایندگان آن ولایت بیشتر معین شده است» (سلطانی، ۱۳۹۵: ۸۸).

نمایندگان به این شیوه تخصیص کرسی‌ها به حوزه‌ها به‌ویژه در مورد تهران اعتراض‌هایی داشتند که بیشترین تعداد نماینده (۶۰ نفر) به آن اختصاص داده شده بود.^۱ واقعیت این بود که تعداد زیاد نمایندگان تهران، دلیل سیاسی مصلحت‌گرانه داشت و برای دفاع از مشروطیت و استقرار آن بود. حکام محلی رغبتی به برگزاری انتخابات نداشتند. سیاستمداران و تنظیم‌کنندگان نظام‌نامه از این موضوع واهمه داشتند که حداقل شرایط برای تشکیل مجلس فراهم نشود. از این‌رو برای خنثی کردن کارشکنی‌های احتمالی و اطمینان از تشکیل مجلس و قانونی بودن تصمیم‌های آن، برای تهران تعداد ۶۰ نماینده تعیین و حداقل تعداد نمایندگان برای تشکیل مجلس ۶۱ نفر تعیین شد (ویژه و قهوه‌چیان، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

گذشته از مبحث تعداد نمایندگان حوزه‌ها، نظام‌نامه انتخابات صنفی از ایرادهای دیگری نیز برخوردار بود. وضع طبقاتی و اجتماعی جامعه، تأثیرات عوامل مرتبط به هیئت حاکمه و قوانین انتخاباتی کشورهای دیگر به‌خصوص فرهنگ کشورهای غربی باعث شد که طبق این نظام‌نامه، اصناف و طبقات خاصی از جامعه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشته باشند.^۲ به همین دلیل آن را «نظام‌نامه انتخابات صنفی» نامیده‌اند. در این نظام‌نامه حق انتخاب کردن و انتخاب شدن اقلیت‌های دینی را مسکوت گذاشتند. عملاً در دوره اول غیر از زرتشتیان، سایر اقلیت‌های دینی از داشتن نماینده محروم ماندند (سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸: ۱۴۴-۱۱۹).

دیگر شهرنشینان، روستاییان و همچنین زنان، نظامیان و ورشکستگان حق انتخاب نداشتند. بنابراین بخش اندکی از جامعه می‌توانست در انتخابات شرکت کند (اطاعت، ۱۳۸۵: ۲۸۲-۲۸۰).

۲-۱. نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای

پس از به توپ بستن مجلس در تیر ۱۲۸۷ هـ.ش، محمدعلی شاه به‌علت فشارهای داخلی و بین‌المللی تصمیم گرفت مجلس جدیدی افتتاح کند. گشایش مجلس منوط به انتخابات بود و برگزاری آن نیز به

۱. برای مثال امام جمعه خوی استدلال می‌کرد که «نسبت به جمعیت ایران تخمیناً هر صد هزار نفر حق یک نفر وکیل دارند به این قاعده به جمعیت تهران سه نفر می‌رسد اگر به ملاحظه صنف نمایم ۶ نفر می‌رسد به مضاعف هم حساب کنیم به ملاحظه پایتخت بودن دوازده نفر می‌شود چطور است که از برای طهران شصت نفر ... و مثلاً از برای آذربایجان که تقریباً سه کرور جمعیت دارد دوازده نفر معین شده است» (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۱، جلسه ۲۱۱، ۲ ذیحجه ۱۳۲۵).

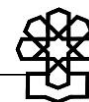
۲. براساس ماده (۱) این نظام‌نامه، رأی‌دهندگان به ۶ گروه تقسیم می‌شدند: شاهزادگان و قاجار، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، ملاکین و فلاحین، و اصناف که هر طبقه نمایندگانی برمی‌گزید.

قانون انتخابات بستگی داشت. نظام‌نامه صنفی که ایرادهای بسیاری داشت جوابگوی نیازها و تقاضاهایی نبود که انقلابیون آزادی‌خواه و مشروطه‌خواه مطرح می‌کردند و باید قانون جدیدی تدوین شود. دومین نظام‌نامه در نبود مجلس و به‌دست غیرمجلسی‌ها تنظیم شد. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تکوین محتوای آن «کمیسیون ویژه تدوین نظام‌نامه» بوده است. کمیسیون مذکور متشکل از ۱۶ نفر از دولتی‌ها و ملیون با گرایش‌های فکری مختلف و متفاوت از عقاید تدوین‌کنندگان نظام‌نامه صنفی بود.^۱ در کنار این کمیسیون افراد و انجمن‌های مختلف دیگری در تدوین نظام‌نامه انتخابات ایفای نقش می‌کردند. آنها کوشیدند نظرات خود را از راه همفکران خویش در کمیسیون پیگیری کنند. در واقع نقش انجمن‌ها در تکوین محتوای نظام‌نامه غیرمستقیم و باواسطه بود. به‌این ترتیب که انجمن ایالتی آذربایجان (انجمن تبریز) از طرف آنها وکالت داشت که در تدوین نظام‌نامه فعالیت داشته باشد. انجمن تبریز با تماس با کمیسیون تدوین در کار آن دخالت می‌کرد. مستشارالدوله که خود آذربایجانی و از اعضای کمیسیون بود نظرات انجمن را به اطلاع کمیسیون می‌رساند. بدین صورت که انجمن تبریز نظر و رأی مشورتی خود را طرح و موافقت و مخالفت خود را با مواد تدوین شده اعلام می‌کرد. سرانجام پس از اختلاف‌هایی که در مورد این قانون وجود داشت، قانون انتخابات در ۳ تیر ۱۲۸۸ به توشیح محمدعلی‌شاه رسید و در ۱۰ تیر منتشر شد. با تدوین دومین نظام‌نامه، قانون اول ملغی شد. این نظام‌نامه نیز مانند نظام‌نامه پیشین با عجله تدوین شد و موقتی بود تا اینکه قانونی در دسترس باشد و براساس آن انتخابات سریعاً انجام گیرد و مجلس افتتاح شود. بر این اساس قرار بود بعد از افتتاح دوره دوم مجلس، این قانون یا مورد تصویب نمایندگان قرار گیرد یا قانون دیگری تهیه و تنظیم شود (سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸: ۱۷۴-۱۵۲، ۲۰۱).

براساس ماده (۱۵) این نظام‌نامه، انتخاب در کلیه ممالک ایران به طرز دو درجه بود.^۲ طبق ماده (۱۶) «انتخاب درجه اول و ثانی کلیه به طرز انتخاب جمعی خواهد بود مگر در محل‌هایی که موافق تقسیم نظام‌نامه بیش از یک نفر حق انتخاب ندارند در این صورت به انتخاب فردی عمل می‌شود». نکته جالب اینکه طبق ماده (۲۷)، در درجه اول انتخاب‌کنندگان مجبور نبودند که حتماً از ساکنان محل خود انتخاب کنند که باعث مسائلی از جمله انتخاب علی‌اکبر دهخدا هم از حوزه کرمان و هم از حوزه تهران شد.

۱. در مورد اعضا و تعداد، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. تعداد اعضای کمیسیون در منابع مختلف از جمله ۱۲، ۱۶، ۲۰ و ۲۱ ذکر شده است. با این حال، در انتهای نظام‌نامه نهایی امضای ۱۶ نفر از اعضای کمیسیون تدوین نظام‌نامه انتخابات آمده است.

۲. ذیل این ماده این‌گونه توضیح داده شده بود: (توضیح اول) - مراد از انتخاب دو درجه آن است که ابتدا در محله‌های یک‌شهر یا در شهرهای یک حوزه انتخابیه عدد معینی را انتخاب می‌نمایند که منتخب نامیده می‌شوند و بعد این انتخاب‌شدگان درجه اول در مرکز حوزه انتخاب جمع شده از میان خود عده مطلوبه را ثانیاً انتخاب می‌کنند و این انتخاب‌شدگان درجه ثانی نماینده خوانده می‌شوند. (توضیح دوم) - مراد از حوزه انتخابیه آن قسمتی از مملکت است که موافق تقسیم نظام‌نامه یک یا چند نفر را مشترکاً انتخاب کرده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستد اعم از اینکه آن قسمت در تحت یک یا چند حکومت باشد مرکز حوزه آن نقطه‌ای است که انتخاب درجه ثانی حوزه در آنجا واقع می‌شود. همچنین ماده (۳) بیان می‌داشت «چون به‌واسطه فقدان اسباب لازمه محل انتخابات فقط در شهرهای بزرگ و کوچک خواهد بود لهذا از غالب بلوکات و ایالات که حاکم‌نشین آنها شهریت ندارد در این نظام‌نامه اسم برده نشده لکن اهالی بلوک و ایالات هر ولایت با داشتن شرایط مقرر می‌توانند در یکی از شهرهای آن ولایت حاضر شده به انتخابات شراکت نمایند».



طبق ماده (۱) «عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در ممالک ایران ۱۲۰ نفر تعیین می‌شود». براساس ماده (۲) نیز «تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی» بود. بنابراین تعداد وکلا از ۱۵۶ نفر (مطابق نظام‌نامه صنفی) که تا ۲۰۰ نفر هم قابل افزایش بود به ۱۲۰ نفر کاهش یافت (پیوست ۲). دلیل این امر عمدتاً آن بود که تدوین‌کنندگان تصور می‌کردند کل جمعیت ایران ۱۲ میلیون نفر است و به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر یک وکیل در نظر گرفته بودند. اما به دلیل نبود اطلاعات درست و دقیق از جمعیت شهرها، ایالات و ولایات مجبور بودند براساس حدس و گمان و تخمین، برای نقاط مختلف نمایندگان را تخصیص دهند. تعیین اهمیت محلی به‌عنوان معیاری برای تخصیص نماینده راه را برای اعمال نفوذ و قدرت باز کرد. ایفای نقش انجمن تبریز که به نمایندگی از سایر ایالات در چگونگی تدوین نظام‌نامه و حوزه‌بندی انتخاباتی به‌عنوان بخشی از آن مداخله می‌کرد، به دلیل تعارض منافع نمی‌توانست به ایجاد یک حوزه‌بندی عادلانه کمک کند و برابری قدرت رأی‌دهی را در کل کشور و همه حوزه‌ها به ارمغان آورد. این عوامل باعث نابرابری‌هایی در تخصیص نمایندگان شد. نمایندگان دوره دوم مجلس شورای ملی بر این ضعف نظام‌نامه واقف بودند.

یکی از تفاوت‌های بسیار مهم این قانون با قانون قبلی، کاهش عده نمایندگان تهران از ۶۰ نفر به ۱۵ نفر و افزایش تعداد نمایندگان آذربایجان از ۱۲ نفر به ۱۹ نفر بود. علت این مسئله می‌تواند این باشد که ایالت آذربایجان اهمیت محلی داشت و مطابق ماده (۲)، اهمیت محلی یکی از ملاک‌های تخصیص نماینده بود. همچنین آذربایجان در تحولات سیاسی دوره مشروطیت به‌خصوص بعد از انحلال مجلس، قدرت، اهمیت و نفوذ بسیاری یافته بود، لذا انجمن ایالتی آذربایجان نیز از قدرت، اهمیت و نفوذ سیاسی چشمگیری برخوردار شده بود که آنکه این انجمن در تدوین نظام‌نامه و حوزه‌بندی به‌عنوان بخشی از آن دخیل بود (سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸ : ۱۸۷-۱۸۶).

در مقایسه با نظام‌نامه انتخابات صنفی تفاوت دیگر این بود که به اقلیت‌های دینی و ملل متنوع (ارامنه، کلدانی، زرتشتی و کلیمی) حق رأی و داشتن یک نماینده داده شد. همچنین درحالی‌که تنبیه (تبصره) اول ماده (۱) نظام‌نامه انتخابات صنفی بیان می‌داشت «ایلات هر ایالتی جزء آن ایالت محسوب و با شرایط مقرر حق انتخاب دارند»، طبق ماده (۲۴) نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای «پنج ایل عمده شاهسون آذربایجان، بختیاری، قشقایی، ایلات خمسه فارس و ترکمان موافق تقسیم نظام‌نامه هر کدام یک نماینده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستند». بنابراین در این قانون به منافع جمعیت‌ها و گروه‌های محلی اهمیت داده شد. با این‌وجود این نظام‌نامه نیز همچنان نقایص جدی داشت که از مهم‌ترین آنها مستقیم انتخاب نشدن نمایندگان از سوی مردم و عدم رعایت عدالت در حوزه‌بندی‌ها بود.

۳-۱. قانون انتخابات عمومی یک‌درجه‌ای (۱۳۹۰ ه.ش).

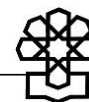
از جلسات ابتدایی مجلس دوم نسبت به نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای انتقادهایی مطرح می‌شد. به‌ویژه در مورد اصلاح تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخاباتی بحث‌هایی وجود داشت.^۱ در این راستا نمایندگان مجلس در قالب دو طرح خواستار اصلاح نظام‌نامه انتخابات شدند. درنهایت تصویب شد که ۱۲ نفر از شعب تحت عنوان «کمیسیون اصلاح نظام‌نامه انتخابات» انتخاب و مأمور رسیدگی به اصلاح نظام‌نامه انتخابات شوند (مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، جلسه ۱۸۸ و ۱۸۹، ۱۲ و ۱۴ ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۸). به‌این ترتیب، نقش و نفوذ دربار سلطنت در تدوین قانون انتخابات حذف شد و مجلس نقش اصلی را در تدوین طرح اولیه حوزه‌بندی انتخاباتی به‌عهده گرفت. کمیسیون مذکور طی شش ماه جلسات مداوم، پیش‌نویس قانون جدید انتخابات را تنظیم و آماده کرد. در این پیش‌نویس در خصوص حوزه‌بندی‌ها، تغییراتی نسبت به نظام‌نامه پیشین صورت گرفت و تعداد حوزه‌ها و نمایندگان افزایش یافت (رپورت کمیسیون اصلاح نظام‌نامه انتخابات، مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، جلسه ۲۶۷، ۴ رجب ۱۳۲۹). پیش‌نویس قانون انتخابات طی دو شور در صحن مجلس مورد بررسی و سپس تصویب قرار گرفت.^۲ چگونگی حوزه‌بندی و توزیع کرسی‌ها در میان حوزه‌ها مسئله‌ای بود که اختلاف‌نظر زیادی درباره آن وجود داشت و در دو شور بررسی پیش‌نویس قانون انتخابات در مجلس دوم بیشترین وقت به آن اختصاص داده شد. در این زمینه سه مسئله اصلی وجود داشت:

۱-۳-۱. حق نماینده داشتن ایلات

درباره مسئله اختصاص نماینده به ایلات دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشت. برخی استدلال می‌کردند هنوز زمان آن فرا نرسیده که ایلات جزء سایر مردم رأی دهند و بهتر است هرکدام یک نماینده داشته باشند. عده‌ای از نمایندگان نیز معتقد بودند که باید به آن دسته از ایلات که معروفیت دارند یک نماینده اختصاص داد. عده‌ای دیگر نیز با بیان اینکه اختصاص نماینده به برخی از ایلات و اهمیت ندادن به سایر ایلات خود باعث می‌شود حقوق جمع کثیری از آنها ضایع شود، استدلال می‌کردند که باید حدودی که ایلات هستند تبدیل به یک حوزه شود در نتیجه افرادی که انتخاب می‌شوند نمایندگان ایلات خواهند

۱. ریاست مجلس بر این مسئله اذعان کرد که در دوره اول مجلس «شکایات زیاد از ولایات رسیده بود که چرا تهران که دارای مثلاً چهارصد هزار جمعیت است باید دارای شصت نفر وکیل باشد و آذربایجان که دارای سه کرور جمعیت است دوازده نفر وکیل باید داشته باشد ... و در آن موقع که قرار تجدید انتخابات شد چون در اغلب ممالک اغتشاش بود یا گرفتاری‌های دیگر داشتند نمی‌توانستند در این باب متفقاً رأی بدهند این بود که از تمام ولایات در این باب وکالت مطلقه به انجمن ایالتی آذربایجان داده شد که با مرکز و هیئتی که در آنجا مشغول مذاکره بودند مذاکرات نمایند و هر قسم قرار دادند معمول شود. انجمن ایالتی آذربایجان هم در اینجا مذاکرات زیادی با مرکز کرد و قرار داد که در آن وقت غیر از آن ترتیب ممکن نبود. حالا لازم است که آن قرارداد و مواد به مجلس بیاید و در این باب اخذ رأی بشود و چون در همان موقع هم قرار شد هر چه قرار دادند و عمل کردند موقتی باشد تا افتتاح مجلس» (مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، جلسه ۸، ۱۳ ذیقعدة ۱۳۲۷).

۲. طبق ماده (۱۳) این قانون «انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی در کلیه مملکت ایران به‌طور یک‌درجه و مستقیم است» و طبق ماده (۱۵) «انتخاب نمایندگان به اکثریت نسبی است».



بود، بدون اینکه تجزیه و تفکیک صورت گیرد. برخی نیز بیان می‌کردند که ایلات را باید به خاکی که در تابستان آنجا سکنی می‌کنند ملحق کرد (مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، جلسه ۲۸۱، ۱۰ شعبان ۱۳۲۹). در نهایت به هرکدام از پنج ایل عمده کشور یک نفر نماینده اختصاص داده شد. ماده (۱۷) این نظام‌نامه بیان می‌دارد: «ایلات عمده موافق حوزه‌بندی انتخابات هرکدام یک نماینده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشده جزء هر حوزه که هستند رأی خواهند داد».

۲-۳-۱. انتخاب فردی و جمعی

مسئله دیگر در ارتباط مستقیم با حوزه‌بندی انتخاباتی، فردی یا جمعی بودن انتخاب بود که در واقع با «وسعت» حوزه‌های انتخابیه ارتباط مستقیم داشت. طبق ماده (۱۴) «در محل‌هایی که موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب یک نفر نماینده دارند انتخاب فردی عمل می‌شود و در محل‌هایی که بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب نمایند انتخاب جمعی خواهد بود». وسیع بودن حوزه‌ها مشکلاتی مانند عدم رعایت قرب و بعد نقاط حوزه‌های انتخابیه، سهل‌الوصول نبودن همه نقاط حوزه انتخابیه و عدم رعایت مرزهای اداری را سبب می‌شد.

مخالفان حوزه‌های بزرگ استدلال‌های مختلفی بیان می‌کردند از جمله اینکه انتخاب جمعی سبب ایجاد مسئله «محرومیت» عده‌ای در انتخابات می‌شود و حوزه‌بندی باید به گونه‌ای باشد که همه مردم بتوانند رأی دهند. مثلاً در حوزه‌های بزرگ افراد باید مسافت زیادی برای رأی دادن طی کنند و این مسئله سبب می‌شود برخی در انتخابات شرکت نکنند. بدین ترتیب نمایندگانی وارد مجلس می‌شوند که از طرف اکثریت ملت انتخاب نشده‌اند، چون ترتیبی داده شده که آنها نمی‌توانند در انتخابات شرکت کنند.^۱ برخی از مخالفان حوزه‌های وسیع نیز معتقد بودند که لزوم تشکیل حوزه‌های کوچک نه نظر به محرومیت بلکه نظر به این است که نمایندگان از اطراف انتخاب شوند. چون در انتخاب جمعی و در حوزه‌های بزرگ، اسباب اتفاق و اتحاد، برای شهرهای بزرگ فراهم است و مردمی که باید از اطراف بیایند و رأی دهند، آرای مختلف می‌دهند و در واقع حق و کیل از آنها سلب می‌شود.

۱. بهجت استدلال می‌کرد «فرضاً اگر تمام تهران را یک حوزه انتخابیه یا مرکز انتخاب قرار بدهیم بدیهی است که تمام وکلا از مرکز انتخاب خواهند شد. آن وقت مسئله اقلیت و اکثریت پیش خواهد آمد. ... اگر یک نقطه باشد که قابل یک نماینده باشد البته معلوم است که نمی‌شود آن نماینده را بیست قسمت کرده به هر یک نقطه یک قسمت داد اما می‌توان ۱۰ نقطه که حق سه نفر نماینده دارد آن ۱۰ نقطه را سه قسمت کرد و به هر قسمت حق یک نماینده داد». دکتر رضاخان اعتراض داشت که «هشترود که خودش قابل است که یک نماینده بدهد برای چه جزء تبریز شده است و گناش چیست جز اینکه بگوییم تقدیرش این است که همسایه یک شهری مثل تبریز شده است». دکتر سعیدالاطباء بیان کرد که هرکدام از محل‌هایی که تابع تبریز نوشته شده است یقیناً صد هزار نفر جمعیت دارد و مشخص نیست که چرا باید رأی خودشان را بفرستند به تبریز در صورتی که ممکن است خودشان رأی‌شان را در همان محل خودشان بدهند که همانجا نماینده‌شان معین شود».

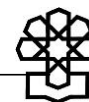
در مقابل موافقان حوزه‌های بزرگ و انتخاب جمعی استدلال می‌کردند که با توجه به وسعت خاک کشور، اگر حوزه‌بندی‌ها خیلی کوچک شود به طوری که رأی‌دهندگان در یک نقطه واقع شوند آن وقت تعداد نمایندگان به ششصد، هفتصد نفر خواهد رسید که این امر ممکن نیست. در مورد مسئله محرومیت، موافقان حوزه‌های وسیع معتقد بودند که انتخاب جمعی باعث محرومیت نمی‌شود بلکه عواملی که با انتخابات توأم شده است مثلاً بعد مسافت نقاط مختلف یک حوزه انتخابیه سبب محرومیت است و این محرومیت اختیاری است نه اجباری. از سوی دیگر در کوچک‌ترین حوزه‌های فردی نیز مسئله بعد مسافت وجود دارد. همچنین آنها به شرایط جامعه و سهولت تشکیل مجلس اشاره و استدلال می‌کردند که انتخاب جمعی نمایندگان یگانه وسیله‌ای است که زودتر نمایندگان را در مرکز حاضر می‌کند و مجلس شورای ملی را منعقد می‌کنند (همان، جلسه ۳۰۵ و ۳۰۶، ۱۸ و ۲۰ شوال ۱۳۲۹).

۳-۳-۱. توزیع کرسی‌ها میان حوزه‌ها

بغرنج‌ترین مسئله در شور اول و دوم بررسی پیش‌نویس قانون انتخابات که بیشترین وقت مجلس را به خود اختصاص داد، نحوه «حوزه‌بندی و توزیع کرسی‌ها میان حوزه‌ها» بود. طبق ماده (۲) این قانون، تقسیم نمایندگان ملت براساس «جمعیت تخمینی ولایات» است. از یک سو، به دلیل گرایشات محلی قوی که وجود داشت، نمایندگان هر ایالت با اتکا به استدلال‌های مبتنی بر واقعیت‌های محلی تلاش داشتند تعداد نمایندگان حوزه خود را افزایش دهند و از سوی دیگر با توجه به اینکه تخمین زده می‌شد جمعیت کشور ۱۲ میلیون نفر است، مجلس تلاش داشت تعداد نمایندگان از ۱۲۰ نفر (برای هر صد هزار نفر، یک نماینده) بیشتر نشود. با این حال در نهایت ۱۶ نفر دیگر نیز اضافه شد. ماده (۱) قانون انتخابات مصوب ۱۲۹۰ هـ.ش. بیان می‌دارد «عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است» (پیوست ۳).

جدل و اختلاف‌هایی که در مورد تعداد نمایندگان هر حوزه وجود داشت ناشی از دو مسئله بود: اول مسئله نبود اطلاعات آماری دقیق و رسمی از تعداد جمعیت مناطق مختلف بود که سبب می‌شد نمایندگان در استدلال‌های خود بیشتر به منابع و کتب جغرافیایی استناد کنند که آمارهای مختلفی ارائه می‌داد. دوم در مقابل نمایندگانی که معتقد بودند توزیع کرسی‌ها باید طبق ماده (۲) فقط براساس تعداد جمعیت باشد برخی نمایندگان به اهمیت سیاسی، تجاری و ... حوزه‌های خود استناد کرده و خواستار افزایش تعداد نمایندگان بودند. از سوی دیگر در این قانون «مقیاس عددی مشخصی» برای جمعیت یک حوزه در نظر گرفته نشده بود.

در شور اول بررسی پیش‌نویس قانون برخی نمایندگان معتقد بودند قبل از ورود به بحث حوزه‌بندی‌ها ابتدا باید مشخص شود حوزه‌بندی طبق تعداد نفوس است یا نظر به اهمیت موقعیت سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی و اگر طبق مقیاس جمعیت است باید یک ماده وجود داشته باشد که در آن قید شود که برای



مثال هر صد هزار نفر حق یک نفر نماینده دارد^۱ (همان، جلسه ۲۸۴، ۲۰ شعبان ۱۳۲۹). نکته مهم دیگری که در زمان بررسی حوزه‌ها برخی نمایندگان به آن اشاره داشتند، «میزان انحراف» جمعیت بود. برخی معتقد بودند که به نقاط پرجمعیت اما کمتر از صد هزار نفر باید یک نماینده اختصاص داده شود.^۲ در مقابل عده‌ای نیز استدلال می‌کردند که راهکار اساسی برای این معضل این است که در چنین مواردی حوزه‌ها را وسیع‌تر کرد، به گونه‌ای که به هر صد هزار نفر یک نماینده تعلق گیرد.

در زمان بررسی حوزه‌بندی‌ها و تعداد نمایندگان، طولانی‌ترین و شدیدترین بحث‌ها مربوط به آذربایجان بود. در شور اول برای آذربایجان ۲۵ نماینده در نظر گرفته شد که هفت نفر آنها به تبریز و اطراف آن اختصاص داشت. مخالفان با استناد به منابع مختلف جغرافیایی استدلال می‌کردند که تعداد تعیین شده نسبت به جمعیت تبریز زیاد است^۳ و اگر از حیث اهمیت محلی، این تعداد مشخص شده که اکثر نقاط اهمیت دارند. در مقابل موافقان اذعان داشتند که فقط عده نفوس منظور نبوده بلکه اهمیت نیز دخیل بوده است و با لحاظ عامل اهمیت، هفت نفر برای تبریز و اطرافش زیاد نیست (همان، جلسه ۲۸۵، ۲۲ شعبان ۱۳۲۹). در شور دوم، تعداد نمایندگان آذربایجان ۱۹ نفر (غیر از نماینده ایلات شاهسون و ملل متنوعه) و برای تبریز و اطراف آن ۹ نفر تعیین شد. برخی نمایندگان آذربایجان معتقد بودند که

۱. بهجت استدلال می‌کرد «اگر تعداد نمایندگان از روی یک مقیاس است آن مقیاس باید به‌موجب یک ماده مشخص شود. در این صورت دیگر نیازی نیست که حوزه‌بندی‌ها را در دو مجلس بگذرانیم، یک نظام‌نامه داخلی است. ... این مطلب که مثلاً شیراز سیصد هزار نفر جمعیت دارد، حتی فرضاً هم که مبنی بر احصائیه صحیحی باشد اصلاً مطلب قابل رأی نیست. یک ماده را اینجا ابتدا باید رأی بدهیم که هر صد هزار نفری یا پنجاه هزار نفری یک نفر نماینده بفرستند به پارلمان و آن اساس انتخابات ما خواهد بود ... آن وقت مطابق این ماده یک نظام‌نامه داخلی ترتیب داده خواهد شد حالا اگر وزارت داخله برایش اشکالی پیدا شود ممکن است آن نظام‌نامه داخلی را یک کمیسیونی از مجلس معین بشود که آن را ترتیب دهد و الاً اگر به این تقسیم ترتیب بدهیم یقیناً باب شکایات از اطراف باز می‌شود». در مقابل ذکاءالملک مخبر کمیسیون اصلاح نظام‌نامه انتخابات استدلال می‌کرد «کمیسیون مأخذ عده نمایندگان را تعداد جمعیت قرار داده منتهی چون احصائیه صحیحی نداریم از روی تخمین عمل کرده‌ایم و ممکن است در خیلی موارد هم اشتباه کرده باشیم اما چاره نیست. نمی‌توان حوزه‌بندی را به نظام‌نامه داخلی واگذار کرد ... ترتیب انتخابات و عده نمایندگان ... از روی قانون باید باشد و قانون باید از مجلس شورای ملی بگذرد ... مجلس حق همه قسم تصرف دارد ... به‌رحال یا احصائیه شده باشد یا نشده باشد و از روی تخمین شده باشد ما رأی می‌دهیم که فارس این قدر نماینده داشته باشد ... ممکن است اشتباهاتی کرده باشیم اما عده نمایندگان هر مملکت و تقسیم آنها به هر ایالت و ولایتی باید مطابق قانون باشد و قانون باید از مجلس شورای ملی بگذرد قانون هم لایتغیر نیست» (مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، جلسه ۲۸۴، ۲۰ شعبان ۱۳۲۹).

۲. شیخ محمد خیابانی استدلال می‌کرد که «برخی نقاط هست که شصت، هفتاد هزار جمعیت دارد. مطابق میزان هر صد هزار نفر یک نفر، نمی‌توان به آنها یک وکیل داد، یک نصفه وکیل هم که نمی‌توان به آنها داد. به‌این ترتیب هفتاد هزار نفر حقیقتاً از بین می‌رود و محروم می‌شود. انصاف حکم نمی‌کند که جایی که کاملاً صد هزار جمعیت نداشته باشد از انتخاب محروم بماند. این لحاظ را هم خوب در نظر داشته باشیم که چه قدر بلوک و قراء و قصابات است که نمی‌توانند به‌واسطه بعد مساحت در انتخاب نقطه دیگر شرکت بکنند. ... بنابراین در نقاطی که مثلاً هفتاد هزار جمعیت دارد و در آن نزدیکی‌ها نقطه‌ای هم نیست که اینها با آنها شرکت در انتخابات نمایند ... چاره نیست جز اینکه قدری غمض عین و صرف نظر کنیم و به آنها هم حق یک نماینده بدهیم».

۳. یکی از نمایندگان مخالف بیان کرد: «این تعداد اگر براساس جمعیت بوده، زیاد است، حداکثر جمعیتی که بشود برای تبریز تخمین زد سیصد هزار نفر است و اطراف آن هم صد هزار نفر و اگر از حیث اهمیت این تعداد را مشخص کرده‌اند که اکثر نقاط اهمیت دارند». یکی دیگر از نمایندگان بیان کرد: «اگر مأخذ را صد هزار نفر قرار بدهیم ... هیچ مأخذ جغرافیایی جمعیت آذربایجان را بیش از چهار کرور تخمین زده است. چیزی که ما در دست داریم بیش از ۱۷ نفر برای ما نمی‌گوید. در هیچ کدام از جغرافیاهایی که در دست داریم نوشته که تبریز و اطرافش هفتصد هزار نفر جمعیت داشته باشد».

تعدی فوق‌العاده‌ای به آذربایجان شده است و از حقوق ملی آنها کم کرده‌اند و «در پاداش خدمات آذربایجانی‌ها نباید از حقوق نمایندگی آنها کاست». در مقابل برخی مخالفان استدلال می‌کردند که در ایران هنوز احصائیه جمعیت نشده است، و کمیسیون به عقیده شخصی خود تعداد نمایندگان را اختصاص داده است. در این میان مخبر کمیسیون اذعان داشت برای دلخور نشدن آذربایجانی‌ها یک نفر به تعداد نمایندگان آنها اضافه شده است^۱ (همان، جلسه ۳۰۵، ۱۸ شوال ۱۳۲۹).

نمایندگان سایر ایالات نیز برای پیشبرد استدلال‌های خود اغلب به حوزه‌بندی آذربایجان استناد می‌کردند. برای مثال، برخی نمایندگان فارس معتقد بودند که برای ایالات و ولایات، باید جمعیت و مالیات آنها را با جمعیت و مالیات آذربایجان سنجید و چنین مقایسه‌ای حاکی از عدم عدالت در تخصیص نماینده به فارس است^۲ (همان، جلسه ۲۸۶، ۲۴ شعبان ۱۳۲۹). گفتنی است برای ایالت فارس در شور اول ۱۴ نماینده و در شور دوم ۱۲ نماینده تعیین و در نهایت ۱۳ نفر مورد تصویب قرار گرفت. نمایندگان اصفهان و توابع آن که در شور دوم پنج نفر اختصاص داده شده بود استدلال می‌کردند که جمعیت اصفهان کمتر از تبریز نیست و به لحاظ اهمیت محلی، تمدن و شهرت، شهر دوم ایران است (همان، جلسه ۳۰۶، ۲۰ شوال ۱۳۲۹).

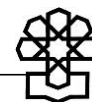
نمایندگان تهران در شور دوم، که ۱۰ نفر برای آن در نظر گرفته شده بود، با این استدلال‌ها از جمله اینکه اشخاص لایق در تهران بیشتر پیدا می‌شوند تا در سایر نقاط ایران، و در اروپا رسم بر این است که تعداد نمایندگان پایتخت را بیشتر از سایر ایالات قرار می‌دهند و همچنین با اشاره به اینکه اهالی تهران ترکیبی از جمعیت همه ایران است که برای حوائج مختلف به تهران آمده‌اند؛ معتقد بودند که برای سهولت امر انتخابات و اینکه مجلس شورای ملی زود انعقاد پیدا کند باید تعداد نمایندگان تهران را زیاده‌تر قرار داد. مخالفان با استناد به جمعیت تهران معتقد بودند که تعداد تخصیص یافته زیاد است^۳ (همان، جلسه ۳۰۷، ۲۱ شوال ۱۳۲۹).

نمایندگان گیلان که در شور اول ۶ نفر و در شور دوم چهار نفر برای آن تعیین شده بود با

۱. معززالملک اذعان داشت که «کمیسیون انتخابات وقتی که قانون انتخابات را می‌نوشت همچون نظری نداشت که به‌واسطه خدمت حق وکیل به آنها بدهند، بلکه ملاحظه نفوس آنجا را باید کرد ... چون درست عدد نفوس در دست نیست و سندی در دست نداریم که بتوانیم به‌طور تحقیق جمعیت آنجا را معین بکنیم علی‌ای حال با نظریات و اطلاعات اشخاصی که از طرف دولت بصیر بودند و اطلاعات محلی داشتند برای مملکت آذربایجان ۱۸ نفر نماینده معین کرده‌اند و یک نفر هم اضافه شده است، که شده است ۱۹ نفر که چندان اسباب دلخوری نباشد و وقت مجلس هم زیاده‌تر از این ضایع نشود».

۲. حاج شیخ اسدالله استدلال می‌کرد «از برای فارس ۱۲ نماینده و برای آذربایجان ۱۹ نفر معین کرده‌اند؛ در صورتی که مالیات آذربایجان نقدی و جنسی هشتصد و چیزی است مالیات فارس هفتصد و چیزی است و یکصد هزار تومان فرق دارد پس به‌واسطه یکصد هزار تومان تفاوت مالیات ممکن است که هر آن نفوسش هم به‌دست بیاید، بنابراین اگر بنا باشد که برای آذربایجان ۱۹ نفر وکیل زیاده‌تر معین کنند باید از تمام ایالات و ولایات وکیل زیاد کنند، حالا می‌فرمایند آذربایجان کم است پس برای فارس هم کم است در حالی که ۱۹ نفر برای آذربایجان کافی است و به این اصرار می‌خواهند عده وکلای آذربایجان را زیاد کنند و در جاهای دیگر بگویند که نسبت اعتدال واقع شده است» (مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، جلسه ۳۰۵، ۱۸ شوال ۱۳۲۹).

۳. حاج شیخعلی استدلال می‌کرد «اگر بخواهیم از روی جمعیت به تهران حق وکیل بدهیم ... بیشتر از هفت نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود به چهارصد هزار نفر نمی‌رسد و حق نماینده تهران چهار نفر نمی‌رسد ... مثل شهرهای دیگر که صدوده هزار نفر یک وکیل داده‌اند ... اگر به این تناسب حق وکیل بدهید به تهران و اطراف که یک میلیون جمعیت باشد ... ۹ نفر خواهد رسید ... در اینجا باز کمیسیون یک نفر اضافه کرده است ... راپورت کمیسیون هیئت دولت هم نوشته‌اند ۱۰ نفر باز آقایان می‌فرمایند ۱۵ نفر این خیلی اسباب تعجب است».



استدلال‌هایی از جمله آباد بودن رشت، داشتن چند شهر بزرگ، اهمیت تجاری، فداکاری برای انقلاب مشروطه، آشنا بودن اهالی گیلان با اصول مشروطه و ... معترض تعداد تعیین شده بودند.^۱ در نهایت برای گیلان تعداد ۶ نماینده تصویب شد. نمایندگان مازندران که در شور دوم برای آن چهار نفر تعیین شده بود، استدلال می‌کردند که اگر نظر به جمعیت است مازندران بیش از گیلان جمعیت دارد و وسعت خاک آن زیاد است. در نهایت با استدلال‌های مشابهی که سایر نمایندگان داشتند تعداد نمایندگان مازندران نیز پنج نفر تعیین شد (همان، جلسه ۲۸۵ و ۳۰۸، ۲۲ شعبان و ۲۳ شوال ۱۳۲۹).

بنابراین، با وجود اینکه یکی از دلایل تجدیدنظر در قانون پیشین بی‌عدالتی در حوزه‌بندی انتخاباتی و تعداد نمایندگان تخصیص‌یافته به حوزه‌ها بود، و درحالی‌که طبق ماده (۲)، معیار حوزه‌بندی انتخاباتی «جمعیت تخمینی» نقاط بود اما به دلیل نبود آمار رسمی از جمعیت و با توجه به تعارض منافع نمایندگان که سبب می‌شد در امر حوزه‌بندی بی‌طرف عمل نکنند؛ در کنار عامل جمعیت تخمینی که توافقی در مورد آن وجود نداشت، سایر استدلال‌های مبتنی بر ملاحظات محلی، ازسوی نمایندگان مطرح و اغلب مورد پذیرش و مؤثر واقع شد. از این رو حوزه‌بندی انجام شده همچنان نمی‌توانست برابر حق رأی‌دهی را تضمین کند.

۴-۱. تغییرات قانون انتخابات ۱۲۹۰ ه.ش.

«قانون انتخابات عمومی یک درجه‌ای» مصوب دومین دوره مجلس شورای ملی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانون حاکم بر انتخابات بود و انتخابات مجلس طبق این قانون و تغییرات و اصلاحاتی که در آن به وجود آمد، انجام شد. لازم به ذکر است که این قانون ۱۹ بار اصلاح شد، اما ماهیت اصلی آن حفظ شد. در ادامه به تغییرات این قانون از منظر حوزه‌بندی انتخاباتی پرداخته می‌شود:

۴-۱-۱. تلاش برای اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخاباتی مصوب ۱۲۹۰ ه.ش. طی مجلس سوم

تا نوزدهم شورای ملی

در دوره سوم مجلس شورای ملی، تغییری در حوزه‌بندی انتخاباتی به وجود نیامد. در جلسات ابتدایی چهارمین مجلس شورای ملی، کمیسیونی مرکب از ۹ نفر برای تجدیدنظر در قانون انتخابات از طرف

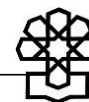
۱. برای مثال آقا میرزا احمد استدلال می‌کرد که «هیچ‌جا مثل گیلان بی‌ترتیب نشده است گیلان را مثل کرمانشاهان و کردستان دارای چهارصد هزار نفر جمعیت فرض کرده‌اند و چهار نفر داده‌اند در صورتی که در نظام‌نامه انتخابات سابق پنج نفر بود و در آن راپورت اولی ۶ نفر نوشته بودند و تقاضای هفت نفر شده بود. اگر از روی میزان جمعیت است گیلان دارای شش، هفت شهر بزرگ است از قبیل لاهیجان و لنگرود و غیره ... گذشته از این مسئله اهمیت تجاری و اقتصادی و سرحدی که آقایان خودشان اطلاع دارند ... به گیلان یک بی‌اعتدالی شده است». بهجت استدلال کرد که «گیلان از هر جهت قابل توجه و قابل نظر است یکی از حیث سرحدی یکی از حیث آزادی خواهی و یکی از حیث تجارت. ... به‌رحال رشت یکی از شهرهای معظم این مملکت است ... یقیناً جمعیت گیلان از ششصد هزار و هفتصد هزار نفر کمتر نیست». ناصرالاسلام استدلال کرد که «گیلان افتخاری که دارد این است که اول و کیلی که به مجلس آمد و کیل گیلان بوده ... در این مدت که اسم مشروطه در ایران پیدا شد آنها همه قسم فداکاری و جانفشانی کردند و امتحانات خودشان را داده‌اند ... کمتر مملکتی است که دهات و قراء و اطراف او با اصول مشروطیت و حفظ حقوق انسانیت آگاه باشند ... و از نقطه نظر جمعیت و عده هم اگر نظر بخواهیم بکنیم گیلان ... دارای هفتصد هزار نفر جمعیت است» (جلسه، ۲۸۵ و ۳۰۸، ۲۲ شعبان و ۲۳ شوال ۱۳۲۹).

مجلس انتخاب شد با هدف اینکه گزارش اصلاحات لازمه در قانون انتخابات را پس از مطالعه به مجلس پیشنهاد کند. به‌ویژه یکی از مواردی که نمایندگان معتقد بودند باید اصلاح شود، حوزه‌بندی انتخاباتی و رفع مسائلی مانند عدم رعایت بعد و قرب نقاط حوزه‌ها و لزوم سهل‌الوصول بودن نقاط درون حوزه‌ها بود^۱ (مشروح مذاکرات چهارمین مجلس شورای ملی، جلسه ۴۲، ۲۵ عقرب ۱۳۰۰ شمسی). اما به دلیل تفاوت‌های عمیق فکری که میان جناح‌های مختلف در مجلس چهارم وجود داشت تصمیم‌گیری در مورد چگونگی اصلاح قانون انتخابات امری دشوار بود و به نتیجه نرسید. حتی میان خود اعضای کمیسیون تعیین شده برای اصلاح قانون انتخابات نیز توافق‌نظری در مورد برخی مسائل وجود نداشت (همان، جلسه ۹۱، ۳۰ حمل ۱۳۰۱). با وجود اینکه بازنگری در حوزه‌بندی انتخاباتی از جمله مسائلی بود که کمیسیون تعیین شده برای تجدیدنظر در قانون انتخابات بر آن تأکید داشت؛ بحث‌های شدید و طولانی و عدم سازش بر سر مسائلی مانند شرایط انتخاب‌کنندگان و طول دوره تقنینه مجالی برای تصمیم‌گیری درباره حوزه‌بندی انتخاباتی باقی نگذاشت (همان، جلسه ۹۳ و ۹۴، ۷ و ۱۰ ثور ۱۳۰۱ شمسی).

در جلسات ابتدایی مجلس پنجم ۲۴ نفر از نمایندگان پیش‌نویس همان قانونی را که در دوره چهارم مجلس، شور دوم آن قریب به اتمام بود را به‌عنوان طرح قانونی به مجلس ارائه کردند و طبق رأی نمایندگان «کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات» از شعب تشکیل شد (مشروح مذاکرات پنجمین مجلس شورای ملی، جلسه ۲۰، ۲۶ ثور ۱۳۰۳). با وجود اینکه دلیل تجدیدنظر در قانون انتخابات، اعتراض‌هایی بود که نسبت به حوزه‌بندی انتخاباتی وجود داشت و کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات اذعان داشت که تعداد نمایندگان برخی نقاط مانند کرمان و اصفهان نسبت به جمعیت آنها کم است اما به دلیل عدم اطلاعات دقیق درباره جمعیت مناطق کشور، کمیسیون تجدیدنظر موفق به اصلاح جدول حوزه‌بندی انتخابات نشد. لازم به ذکر است که وزارت داخله طبق درخواست مجلس تحقیقاتی را در زمینه جمعیت مناطق مختلف کشور انجام داد که این تحقیقات به‌موقع به اتمام نرسید^۲ (همان، جلسه

۱. آصف‌الممالک استدلال می‌کرد «یکی از نواقص این قانون جدولی است که منضم به آن شده است ... موقعی که این جدول نوشته شده کاملاً رعایت بعد و قرب نقاط حوزه‌های انتخابیه نشده در بعضی از حوزه‌های انتخابیه مابین حوزه‌های مرکزی و حوزه‌های جزء آن چهل یا پنجاه فرسخ و حوزه جزو دیگری که از آن حوزه مرکزی خارج است پنج فرسخ مسافت دارد ... شاید در آن موقع بعضی از نمایندگان ولایات اطلاع کافی از اوضاع جغرافیایی و ولایت خود نداشته‌اند ... این مسئله تولید اشکال بزرگی برای سرعت و پیشرفت جریان انتخابات نموده است ... مثلاً در موقعی که مدت قانونی انتخاب یک حوزه را معین می‌کنند به‌واسطه همین بعد مسافت چون نمی‌توانند نتیجه انتخابات خود را به‌موقع برسانند انجمن نظارت مرکزی حق انتخاب آن حوزه را ساقط می‌نماید...».

۲. مخبر کمیسیون بیان کرد «کمیسیون در این یک سال و نیم بیشتر زحماتش برای تهیه یک نقشه صحیح جامع‌الاطراف بود که جدول را اصلاح کند وزارت داخله هم در این باب خیلی متحمل زحمت شد و یک احصائیه کاملی از تمام مملکت ما نتوانستیم تحصیل کنیم یک صورت‌های تقریبی ناقصی از بعضی نقاط رسید ... جدول را با این اطلاعات ناقصی که وزارت داخله به ما داده است نمی‌توانیم آن شکلی که ... باید عرض مجلس برسانیم و به‌علاوه چون پنجاه روزاً بیشتر به آخر دوره نمانده ممکن نیست که یک جدول صحیحی که با آن انتخابات دوره ششم شروع شود ترتیب داد. علی‌هذا کمیسیون کمال موافقت را دارد که جدولی ترتیب دهند که برای انتخابات دوره هفتم تا عایق و مانع انتخابات دوره ششم هم که مدت کمی بیشتر نمانده است نباشد و اگر این را برای دوره ششم به‌خواهید اجرا کنید کمیسیون غیرعملی می‌داند».



۱۹۴، ۱۰ شهریور ۱۳۰۴). با وجود اینکه برخی نمایندگان اعتقاد داشتند بررسی قانون انتخابات تا زمانی که ترتیب حوزه‌بندی‌ها انجام نشود از دستور کار خارج شود و درحالی‌که به‌ویژه نمایندگان کرمان و اصفهان^۱ خواستار افزایش تعداد نمایندگان مناطقی که کمتر از جمعیت خود نماینده داشتند، در قالب یک الحاقیه به قانون انتخابات بودند (همان، جلسه ۱۸۱، ۳۱ خرداد ۱۳۰۴)؛ درنهایت قانون انتخابات که مشتمل بر ۱۳ ماده بود در ۱۲ شهریور ۱۳۰۴ تصویب شد. طبق ماده (۱) قانون انتخابات مجلس شورای ملی (که با رعایت اصلاحات قانونی قسمتی از مواد قانون انتخابات مصوبه ۱۲ شهریور و اصلاحات مصوبه ۵ و ۱۲ مهر ۱۳۰۴ و اختیاری که در جلسه ۵ مهرماه به کمیسیون پارلمانی تجدیدنظر در قانون انتخابات داده شده و در کمیسیون مزبور تنظیم شده بود)، «عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر» باقی ماند و جدول حوزه‌های انتخاباتی منضم به این قانون شامل هیچ تغییری در تعداد نمایندگان و حوزه‌بندی نسبت به جدول مصوب ۱۲۹۰ نبود.^۲

در دوره ششم تغییری در حوزه‌بندی به‌وجود نیامد. در دوره هفتم این دیدگاه وجود داشت که ۱۴ نفر بر عده نمایندگان افزوده شود اما در این زمینه توافقی به‌عمل نیامد. دوره هشتم نیز تغییری در حوزه‌بندی انتخاباتی شاهد نبود.

در دوره نهم مجلس شورای ملی، دولت در قالب لایحه خواستار ملغی شدن ماده (۴۵) قانون انتخابات (ماده (۱۷) قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۲۹۰ شمسی) شد که حق داشتن نماینده مستقل برای ایلات را از آنان سلب می‌کرد. ماده (۲) این لایحه بیان می‌کرد «کسانی که سابقاً به حالت عشایری زندگانی می‌کردند از این به بعد مثل سایر افراد ملت در جزء سکنه محلی که آنجا اقامت دارند در انتخاب نماینده خود شرکت خواهند نمود». درنهایت با پیشنهادهایی که طی شور اول و دوم این لایحه نمایندگان ارائه کردند (ازجمله تبدیل حوزه واحد اردبیل، مشکین و خلخال که در آن زمان دارای دو نماینده بود به سه حوزه مجزا (هر حوزه یک نماینده) قانونی که در ۱۰ مهر ۱۳۱۳ تصویب شد ضمن سلب نماینده مستقل از ایلات، دربرگیرنده تغییراتی جزئی در حوزه‌بندی برخی نقاط بود (پیوست ۴).

۱. در این زمان طبق تخمین وزارت داخله اصفهان و توابع آن ۹۵۰ هزار نفر جمعیت داشت، درحالی‌که پنج نماینده داشت.
۲. از دیگر مصوبات قانونی این دوره که مربوط به قانون انتخابات بود تصویب ماده قانونی نسخ مواد (۲۵) و (۳۹) و اصلاح مواد (۲۳) و (۲۶) قانون انتخابات ۱۳۲۹ و اصلاح ماده (۲۱) قانون انتخابات مورخ ۱۲ شهریور ۱۳۰۴ در ۵ مهر ۱۳۰۴ بود. در ماده‌واحد این قانون ذکر شده بود که کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات مکلف است مواد ۵۳گانه قانون انتخابات را که قسمتی از آن طبق قانون دوازدهم شهریور ۱۳۰۴ تصویب شده و بقیه از مواد قانون انتخابات ۲۸ شوال ۱۳۲۹ است را تحت نمره ترتیبی درآورد. ازجمله دیگر اصلاحات قانونی که در این دوره صورت گرفت اصلاح قانونی ماده (۱۶) قانون انتخابات و اضافه تبصره به ماده مذکور در ۱۲ مهر ۱۳۰۴ بود که مربوط به انجمن‌های فرعی بود (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری؛ مشروح مذاکرات پنجمین مجلس شورای ملی، جلسه ۲۰۳، ۱۲ مهر ۱۳۰۴).

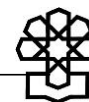
در دوره دهم تغییری در حوزه‌بندی انتخاباتی به وجود نیامد. در دوره یازدهم مجلس شورای ملی، با تصویب قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران در ۱۶ آبان ۱۳۱۶، کشور به ۶ استان و ۵۰ شهرستان تقسیم شد. متعاقباً در ۱۹ دی ۱۳۱۶، قانون اصلاح تقسیمات کشور به تصویب رسید که طبق آن کشور به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم می‌شد. با وجود تغییر در مرزهای سیاسی، حوزه‌بندی انتخاباتی بدون تغییر باقی ماند که به معنای عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای اداری بود. دوره دوازدهم نیز شاهد تغییری در حوزه‌بندی انتخاباتی نبود.

در ابتدای مجلس سیزدهم شورای ملی، نمایندگان فراکسیون اتحاد طرحی را به مجلس ارائه کردند که براساس آن به مجموع ۱۰ استان کشور، ۲۶ نماینده اضافه می‌شد که این طرح به نتیجه نرسید. استدلال پیشنهاددهندگان طرح این بود که طبق اصل چهارم قانون اساسی «عده انتخاب‌شوندگان به موجب انتخاب‌نامه علی‌حده از برای تهران و ایالات فعلاً ۱۶۲ نفر معین شده است و برحسب ضرورت عده مزبوره تزايد تواند یافت الی ۲۰۰ نفر»، و اینکه برخی شهرهای کشور از جمله اهواز، آبادان، کازرون و زاهدان در مجلس نماینده‌ای ندارند (مشروح مذاکرات سیزدهمین مجلس ملی، جلسه ۴، ۴ آذر ۱۳۲۰). در چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی، براساس طرح پیشنهاد شده از سوی کمیسیون مبتکرات مجلس شورای ملی، کمیسیونی خاص برای اصلاح قانون انتخابات تشکیل شد اما کمیسیون مذکور با وجود تلاش‌هایی که انجام داد، به اصلاح قانون انتخابات در این دوره موفق نشد.

در دوره پانزدهم نیز تغییری در حوزه‌بندی انتخاباتی به وجود نیامد. با اینکه در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۸، لایحه‌ای درباره اصلاح قانون انتخابات از طرف وزارت کشور به مجلس ارائه شد، اما بحثی از بازنگری در حوزه‌بندی انتخاباتی در آن وجود نداشت (مشروح مذاکرات پانزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۱۷۰، ۱۷ خرداد ۱۳۲۸). در مذاکرات مربوط به این لایحه برخی نمایندگان معتقد بودند که کل قانون انتخابات و به‌ویژه جدول حوزه‌های انتخابیه باید اصلاح شود.^۱ بحث و جدل‌های بسیاری که طی شور اول و دوم بررسی مواد این قانون در صحن مجلس صورت گرفت، حاکی از وضعیت نامناسب حوزه‌بندی انتخاباتی موجود بود.^۲ در نهایت با وجود اینکه ۶ ماده اول این لایحه بررسی و تصویب شد، ماده ۷ مورد تصویب قرار نگرفت و عمر مجلس به پایان رسید و اصل لایحه تصویب نشد.

۱. امیر تیمور بیان کرد: «اگر وزارت کشور واقعاً در مقام اصلاح قانون انتخابات است اساسی‌ترین اصلاح برای قانون انتخابات اصلاح جدول قانون انتخابات است زیرا این جدول بندی که شده بی‌اندازه بی‌اساس و بی‌منطق و غلط است» (مشروح مذاکرات پانزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۱۷۲، ۲۲ خرداد ۱۳۲۸).

۲. برای مثال سلطانی، بهبهانی، موسوی طی پیشنهادی بیان کردند: «در سنوات قبل از ۱۳۰۳ مرکز استان خوزستان شوشتر بود ولی از ۱۳۰۳ مرکز استان به اهواز منتقل و شوشتر بخش کوچک تابع اهواز گردید لکن هنوز اهواز یکصد هزار جمعیتی و مرکز استان در انتخابات مجلس شورای ملی تابع شوشتر می‌باشد» لذا پیشنهاد کردند که از این تاریخ مرکز حوزه انتخابیه، شهر اهواز قرار گیرد. در همین نشست شهاب خسروانی پیشنهاد کرد که «دهات و قصباتی که از نظر سازمان قضایی و اداری تابع یک شهرستان هستند، از نظر اخذ آرا هم تابع آن شهرستان باشند». وی استدلال می‌کرد که «قسمتی از دهات و قصباتی که جزو شهرستانی است و حال آراء



از دوره شانزدهم نقش دولت در اصلاح حوزه‌بندی انتخاباتی موجود نسبت به مجلس شورای ملی پررنگ‌تر شد. در جلسات ابتدایی مجلس شانزدهم، نخست‌وزیر وقت (محمد ساعد) زمانی که برنامه دولت خود را به مجلس ارائه کرد، تجدیدنظر در قانون تقسیمات کشور و نیز تنظیم لایحه اصلاح قانون انتخابات را از جمله برنامه‌های وزارت کشور اعلام کرد (مشروح مذاکرات شانزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۵، ۹ اسفند ۱۳۲۸). با کناره‌گیری ساعد از نخست‌وزیری، دولت علی منصور در ۵ اردیبهشت ۱۳۲۹ لایحه اصلاح قانون انتخابات را به مجلس ارائه کرد (همان، جلسه ۱۶، ۵ اردیبهشت ۱۳۲۹). پس از برکناری منصور از نخست‌وزیری، برخی نمایندگان خواستار این بودند که لایحه مربوط به اصلاح قانون انتخابات در دوره پانزدهم که ۶ ماده آن تصویب شده بود را به سرانجام رسانند و برخی نمایندگان معتقد بودند که دولت رزم‌آرا یا لایحه دولت منصور را قبول کند و یا یک لایحه دیگر به مجلس ارائه دهد.^۱ در نهایت وزیر کشور وقت با حضور در مجلس، لایحه اصلاح قانون انتخابات تقدیمی دولت منصور را مورد تأیید قرار داد (همان، جلسه ۹۳، ۲۶ آذر ۱۳۲۹). با کشته شدن رزم‌آرا در اسفند ۱۳۲۹، در بند «۶» برنامه دولت علاء که در ۱۸ فروردین ۱۳۳۰ به مجلس ارائه شد، قید شده بود «اهتمام خواهیم کرد لوائح مفیدی از قبیل اصلاح قانون انتخابات و استقلال شهرداری‌ها که سابقاً تقدیم شد به تصویب مجلس برسد» (همان، جلسه ۹۳، ۲۶ آذر ۱۳۲۹).

با استعفای علاء در اردیبهشت ۱۳۳۰، دولت مصدق برنامه خود را به مجلس ارائه داد که شامل دو بند بود: اول، اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و دوم اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها. مصدق خواستار این بود که جهت تسریع در امر تصویب لایحه اصلاح قانون انتخابات، لایحه اصلاحی توسط دولت با مشورت و صلاح‌اندیشی نمایندگان تنظیم شود، از این رو تقاضا کرد که هیئتی از شعب یا فراکسیون‌ها برای انجام این کار تعیین شود. مجلس افرادی از شعب برای مشاوره تعیین کرد. اما زمانی که دولت لایحه اصلاح قانون انتخابات را به مجلس ارائه کرد (به‌رغم خواست دولت و مجلس برای تجدیدنظر در قانون انتخابات و افزایش تعداد نمایندگان) به دلیل بحران و آشفتگی ناشی از ماجرای

خودشان را به شهرستان دیگر می‌دهند همیشه در موقع انتخابات یک عدم انتظامی این وضعیت ایجاد می‌کند که ناچار وزارت کشور هم دخالت می‌کند و اسباب زحمت آنها را هم فراهم می‌نماید. اگر به دوره‌های گذشته جناب آقای وزیر کشور ... مراجعه کنند حتی قتل‌های زیادی در این مورد اتفاق افتاده» است (مشروح مذاکرات پانزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۱۷۲، ۲۲ خرداد ۱۳۲۸). مهدی ارباب بیان کرد که «فهرج سابق که ایرانشهر فعلی باشد یکی از بخش‌های بلوچستان است. آن زمان زاهدان اصلاً وجود خارجی نداشت امروز زاهدان مرکز کل فرماندهی بلوچستان است ... بنابراین بنده تقاضا دارم که انجمن مرکزی از ایرانشهر به زاهدان منتقل شود زیرا حسن جریان انتخابات بلوچستان هم مستلزم این است که مرکز انتخابات بلوچستان در زاهدان باشد» (مشروح مذاکرات پانزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۱۹۴، ۳۰ تیر ۱۳۲۸).

۱. محمدعلی مسعودی از اعضای کمیسیون کشور بیان کرد: «دولت سابق، دولت آقای منصور لایحه‌ای آورد ما در یک‌سو کمیسیونی نشستیم و تا مواد آخرش را رسیدگی کردیم و ... و روی تقسیمات جدید کشور تعداد وکلا را هم زیاد کردیم آقایان نمایندگان بایستی به دولت فشار بیاورند که یا همان لایحه را قبول بکند یا یک لایحه دیگر نظیر آن بیاورد به مجلس که ما وظیفه‌ای را که تمام کرده و انجام داده‌ایم به‌صورت قانون دربیاید» (مشروح مذاکرات شانزدهمین مجلس شورای ملی، ۲۳ آبان ۱۳۲۹).

ملی شدن صنعت نفت، اختلاف‌های موجود در مورد چگونگی تجدیدنظر در قانون انتخابات بین دولت و مجلس و میان نمایندگان (از جمله تفکیک بلوکات از شهرها به‌عنوان حوزه‌های مجزا)^۱ و ... تغییر محتوایی در قانون انتخابات به‌وجود نیامد.^۲

مجلس هفدهم یکی از دوره‌های پرفراز و نشیب قانونگذاری در تاریخ مجلس شورای ملی به‌شمار می‌رود. انتخابات مجلس هفدهم در شرایطی انجام گرفت که مجری قانون انتخابات به حوزه‌بندی موجود معتقد نبود. به‌دلیل مسائل موجود و از جمله نواقص قانون انتخابات، انتخابات ناتمام ماند و مجلسی ناقص با حضور ۷۹ نماینده به‌کار خود ادامه می‌داد. مصدق که به‌دلیل تمرکز بر مسئله نفت و دیگر چالش‌ها موفق به اصلاح قانون انتخابات در دوره شانزدهم نشده بود، در دوره دوم نخست‌وزیری اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها را بند اول برنامه دولت خود قرار داد (مشروح مذاکرات هفدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۲۰، ۵ مرداد ۱۳۳۱). در ۱۲ مرداد ۱۳۳۱، مجلس شورای ملی لایحه اختیارات دولت را تصویب کرد که براساس ماده‌واحد آن به نخست‌وزیر اختیار داده می‌شد از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ۶ ماه لوایحی که برای اجرای برنامه دولت ضروری است و در مجلس شورای ملی تصویب شده است را تهیه کرده و پس از آزمایش آنها را تقدیم مجلسین کنند و تا موقعی که تکلیف آنها در مجلسین معین نشده لازم‌الاجرا باشند (همان، جلسه ۲۳، ۱۲ مرداد ۱۳۳۱). اختیارات نخست‌وزیر در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۳۱ برای مدت یک سال تمدید شد.

دولت مصدق با این اختیارات در دی ۱۳۳۱، لایحه قانونی انتخابات را تدوین و منتشر کرد.^۳ وی از یک‌سو تلاش داشت نظرات نمایندگان را در لایحه تأمین کند و از سوی دیگر جدول حوزه‌بندی را با لایحه قانونی تقسیمات کشور تطبیق دهد^۴ (همان، جلسه ۶۲، ۲۹ دی ۱۳۳۱). اما روند حوادث پس از تصویب اختیارات نخست‌وزیر، عملاً موجب بروز بحران در کشور، شکاف، چنددستگی در مجلس و میان دولت و مجلس شد. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و عزل مصدق، مجلس شورای ملی و مجلس سنا در ۲۸ آبان ۱۳۳۲ به فرمان

۱. مصدق معتقد بود برای تحت تأثیر قرار نرفتن آرا شهرها توسط روستاهای تابع آنها باید شهرها از بلوکات مجزا شود، به‌گونه‌ای که ۶۴ نماینده از ۲۰۰ نماینده به شهرها اختصاص یابد و با ۱۰ نفر وکیل شهر تهران در مجموع ۷۴ نفر اشخاص باسواد از شهرها انتخاب شوند اما تغییراتی که کمیسیون در این لایحه به‌وجود آورد مورد پذیرش مصدق نبود.

۲. لوایح ارائه شده در این دوره، قصد داشتند تعداد نمایندگان مجلس را به ۲۰۰ نفر افزایش دهند.

۳. به موجب یکی از بندهای لایحه قانون انتخابات، تعداد نمایندگان مجلس از ۱۳۶ نفر به ۱۷۲ نفر افزایش می‌یافت.

۴. صدیقی (وزیر کشور) در مجلس بیان کرد: «مصدق در دولت دوم خود از ابتدای شروع به‌کار مشغول به این امر مهم بودند و یک کمیسیونی از اشخاص صالح و عالم و واقف انتخاب فرمودند و آن کمیسیون هم طرح لایحه قانونی انتخابات را تهیه کرده است و قریب چهار ماه در این راه و کار صرف وقت کرده است ... لایحه قانونی حاضر شده است و این لایحه قانونی جدولی دارد و پس از اینکه دعوت شد از آقایان نمایندگان محترم که در منزل جناب آقای نخست‌وزیر تشریف بیاورند در آنجا بحث کنند و نظر خود را اظهار کنند عملاً معلوم شد که بهتر آن است که این جدول منظم به لایحه قانونی منطبق شود با جدولی که برای لایحه قانونی تقسیمات کشور تهیه می‌شود. آقایان نمایندگان به چهار دسته برحسب موقع جغرافیایی تقسیم شدند و از محضر آقایان استفاده شد دو جلسه با حضور جناب آقای نخست‌وزیر مذاکراتی به‌عمل آمد و نتایج آراء صائب و مطالب و ارشاداتی که فرمودند وزارت کشور همه را یادداشت کرد و به آقایان قول داد که نظر آقایان در لایحه جدید را تأمین کند و منطبق کند جدول منظم به این لایحه را با جدول لایحه قانونی تقسیمات کشور ...» (مشروح مذاکرات هفدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۶۲، ۲۹ دی ۱۳۳۱).



شاه منحل شدند و به موجب قانون مصوب ۱۸ آبان ۱۳۳۳ همه قوانین ناشی از اختیارات شش ماهه و یک ساله دولت مصدق لغو شد.

۲-۴-۱. قانون راجع به جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۳۹) در دوره هجدهم، به رغم تأکید برخی نمایندگان بر تعیین تکلیف شدن قانون انتخابات، تغییری به وجود نیامد. در دوره نوزدهم مجلس شورای ملی متعاقب تشکیل مجلس واحد کنگره (مرکب از مجلس شورای ملی و مجلس سنا)، در اردیبهشت ۱۳۳۶، اصلاحات و تغییراتی در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن و از جمله اصل چهارم انجام شد. اصلاحیه ماده چهارم بیان می‌داشت «عده‌ی نمایندگان مجلس شورای ملی برای پایتخت و شهرستان‌ها ۲۰۰ نفر خواهد بود و پس از هر ۱۰ سال در صورت ازدیاد جمعیت کشور در هر حوزه انتخابیه، طبق آمار رسمی به نسبت هر یکصد هزار نفر، یک نفر اضافه خواهد شد. حوزه‌بندی به موجب قانون علی‌حده به عمل خواهد آمد»^۱.

پس از فرازونشیب‌های فراوان، در نهایت مجلس نوزدهم، موفق شد گام بلندی در راه اصلاح حوزه‌بندی انتخاباتی برداشته و لایحه مربوط به حوزه‌بندی جدید را تصویب کند. قبل از مطرح شدن لایحه، تلگراف‌هایی از نقاط مختلف به مجلس می‌رسید که خواستار افزایش نماینده خود بودند (مشروح مذاکرات نوزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۳۰۲، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۸). در مورد جمعیت مناطق مختلف کشور بین ثبات‌حوال و اداره آمار عمومی اختلاف‌نظرهایی وجود داشت که در نهایت دولت برای امر حوزه‌بندی نظر آمار عمومی را نزدیک‌تر به واقعیت تشخیص داد (همان، جلسه ۳۶۵، ۹ دی ۱۳۳۸). در این باره برخی نمایندگان معتقد بودند که آمارهای سرشماری سال ۱۳۳۵ قابل اعتماد نیست و حوزه‌بندی صورت گرفته از ایرادهای اساسی مانند عدم رعایت مقیاس تعیین شده در اصل چهارم قانون اساسی و عدم پیوستگی جغرافیایی حوزه‌ها برخوردار است.^۲

پس از ارائه لایحه دولت، کمیسیون کشور لایحه مذکور را که شامل ماده‌واحد و جدول منظم به آن که درباره افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی بود و با توجه به اصلاح اصل چهارم قانون اساسی مصوب

۱. اصل چهارم سابق: «عده‌ی انتخاب‌شوندگان به موجب انتخاب نام‌هی علی‌حده از برای تهران و ایلات فعلاً ۱۶۲ نفر معین شده است و بر حسب ضرورت عده‌ی مزبور تزايد تواند یافت الی ۲۰۰ نفر».

۲. برای مثال در جلسه ۳۷۳ نورالدین امامی در بیانات قبل از دستور خود بیان کرد «جناب آقای نخست‌وزیر قبلاً فرمودند مکرر هم فرمودند شاهد زنده این است که منزل ایشان برای سرشماری کسی نرفته است در حوزه انتخابیه شخص خود بنده به خدا قسم چهارصد پانصد هزار نفر را اصلاً سراغشان نرفته‌اند و سرشماری نکرده‌اند اصلاً به دهات و به تمام حوزه عشایر مرزنشین نرفته‌اند ... آذربایجان شش میلیون بیشتر نفوس دارد ما راجع به این جدول انتخابات عرضی نداریم ما نمی‌گوییم حق زید را شما بگیرید به ما بدهید من عرض می‌کنم سرشماری کامل بکنید دویست هزار نفر را یک وکیل بدهید. موضوع دیگر اینکه ... تقسیم‌بندی غلط شده مثلاً ... باید از گردنه نیر رد شوند بروند اردبیل آستارا کجا واقع شده ملاحظه بفرمایید گردنه چند فرسخی اردبیل است آن وقت نیر را گذاشته‌اند روی آستارا. بایستی از آستارا بیایند به اردبیل و از اردبیل رد شوید از حوزه اردبیل رد شوید بروید به نیر که جزء آستارا شده انتخابات بکنید. ... به یک جایی که جمعیتش پنجاه هزار نفر است یک نفر می‌دهید جایی هم که جمعیتش دویست هزار نفر است یک نفر. اینها را یک جا بکنید و دو نفر بدهید ... باید یک کاری بکنید که حوزه‌ها به هم متصل باشند باید هر حوزه هر بخش و شهرستانی توی هم باشند ... باید در این قسمت توجه کامل بشود و الا باز همان آش است و همان کاسه» (مشروح مذاکرات نوزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۳۷۳، ۳۰ دی ۱۳۳۸).

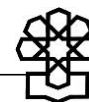
کنگره اردیبهشت ۱۳۳۶ تدوین شده بود را در جلسات متعدد با حضور وزیر کشور و نمایندگان آن وزارتخانه و با دعوت از نمایندگان مجلس شورای ملی برای ابراز نظر نسبت به حوزه‌های مربوطه مورد رسیدگی قرار داد و با اعمال اصلاحاتی تصویب و گزارش آن را به مجلس شورای ملی ارائه کرد. طبق ماده واحده لایحه جدول حوزه‌های انتخابیه منضم به ماده (۲) قانون انتخابات مصوب ۲۸ شوال ۱۳۲۹ [۱۲۹۰ شمسی] از تاریخ تصویب این قانون ملغی و جدول ۲۰۰ نفری منضم به این قانون جایگزین آن شد. گفتنی است در این قانون بدون در نظر گرفتن مبنای صدهزار نفری، یک نفر بر تعداد نمایندگان اقلیت مذهبی آشوری‌ها اضافه شد.

در شور اول و دوم این لایحه از بحث و جدل‌های طولانی مدت، مانند آنچه زمان تدوین قانون انتخابات در سال ۱۲۹۰ رخ داد، خبری نبود و عمده پیشنهاد‌های نمایندگان به ایرادهای شکلی برمی‌گشت. با این حال همچنان ایراد عدم تخصیص مناسب نماینده نسبت به جمعیت وجود داشت که مورد اعتراض نمایندگان بود^۱ (همان، جلسه ۳۹۸، ۳۰ فروردین ۱۳۳۹؛ جلسه ۳۹۹، اول اردیبهشت ۱۳۳۹).

گفتنی است در این لایحه ۶۴ نفر بر عده نمایندگان مجلس اضافه شد. در حالی که در قانون انتخابات قبلی ۸۲ حوزه انتخابیه برای ۱۳۶ وکیل وجود داشت. در این جدول ۱۶۰ حوزه انتخابیه برای ۲۰۰ نماینده در نظر گرفته شد. به عبارت دیگر در مقابل اینکه ۴۷ درصد بر عده نمایندگان افزوده شد، بر حوزه‌های انتخابیه تقریباً صد درصد اضافه شد. همچنین در حالی که در جدول قبلی ۴۳۰ حوزه فرعی وجود داشت، در جدول جدید تعداد حوزه‌های فرعی به ۱۰۷۰ رسید یعنی در حقیقت عده حوزه‌های فرعی دو برابر و نیم شد. نکته دیگر اینکه در این قانون تلاش بر ترسیم حوزه‌های تک‌نماینده بود. از ۱۶۰ حوزه جدید فقط چهار حوزه (تهران، تبریز، مشهد و شیراز) جمعیت بیش از دو نفر داشت^۲ و ۹ حوزه

۱. برای مثال، در جلسه ۳۹۹، پردلی در بیانات قبل از دستور خود بیان کرد: «در این جدول جدید یک نماینده از استان سیستان و بلوچستان کم کرده‌اند در آمار سرشماری که خودشان دادند و در جدول اولیه جمعیت سیستان و بلوچستان را ۴۲۸۰۰۰ هزار نفر تعیین کرده‌اند، در صورتی که از تمام نقاط بلوچستان سرشماری نشده و آنچه هم که شده دقیق نیست ولی طبق همان ... که خودشان در دست داشتند چهار نفر نماینده برای بلوچستان و سیستان در نظر گرفتند. البته بعد از ماه‌ها مطالعه اما در ظرف چند روز تغییر عقیده دادند و یک نفر از نمایندگان این استان را کم کردند. در صورتی که جمعیت بلوچستان به تنهایی شاید بیشتر از ۴۰۰۰۰۰ نفر باشد اما بدون هیچ علت و دلیل به عقیده خودشان ۱۲۸۰۰۰ و روی نظر من که اطمینان دارم بیشتر از ۲۰۰۰۰۰ نفر هستند از یک حق مسلم مردم آنجا را محروم کردند. معلوم است این تصمیم برای چیست برای اینکه بیچاره‌تر و توسری خورتر از مردم آنجا پیدا نکردند ... اگر جمعیت و حساب مبنای عمل است که ۴۲۸۰۰۰ نفر جمعیت دارد ... حالا برای اینکه یک نماینده کم کنند چکار کرده‌اند ۱۲۸۰۰۰ نفر اضافه را تقسیم کرده‌اند به این سه حوزه سیستان و ایرانشهر و زاهدان هر ۱۰ هزار و ۲۰ هزاری را به یک حوزه داده‌اند می‌گوییم نماینده چاه‌بهار چه شد می‌گویند به سیستان اضافه شده می‌گوییم به سیستان دو نماینده بدهید می‌گویند چون به حد نصاب نرسیده نمی‌شود. مثل اینکه از تهران بخواهند یک نفر نماینده کم کنند قسمت امیرآباد را بدهند به کرج و شاید جمعیت کرج ۱۶۰۰۰۰ نفر بشود اگر بگویند دو نفر نماینده به کرج بدهید بگویند نمی‌شود اگر بگویند یک نماینده ما را بدهید به تهران بگویند نمی‌شود ...» (مشروح مذاکرات نوزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۳۹۹، اول اردیبهشت ۱۳۳۹). صدرزاده نیز در بیانات قبل از دستور خود در جلسه ۴۰۱ در مورد تعداد نمایندگان اختصاص یافته به سیستان و بلوچستان بیان کرد «آقایان می‌گویند و جوهرش هنوز خشک نشده است که هر صد هزار نفر باید یک نماینده داشته باشد و در مرکز به این علنی دویست هزار نفر یا به اقرار خودشان ۱۲۸ هزار نفر را از این حق محروم کرده‌اند و می‌گویند شما نباید وکیل داشته باشید موقعی که یک همچو حق مسلمی را به چنین واضحی پایمال می‌کنند مسلماً به حق سیستانی توجه نمی‌شود» (مشروح مذاکرات نوزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۴۰۱، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۹). در نهایت در قانون تصویب شده سه نفر نماینده به سیستان اختصاص یافت.

۲. معاون وزیر کشور در این زمینه بیان کرد: «...و چرا این جاها را فردی نکردیم علتش این است که سالیان سال است که مردم این



دارای دو نماینده و ۱۴۷ حوزه باقی مانده تک نماینده بودند (پیوست ۵). در نهایت با وجود اینکه هم نمایندگان و هم دولت اذعان داشتند که این لایحه جامع نبوده و از ایرادهایی برخوردار است و محتاج آزمایش در عمل و سپس رفع نواقص در دوره بعد است، با رأی اکثریت نمایندگان تصویب شد (همان، جلسه ۴۰۴، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۹) و این قانون در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۳۹ به تصویب مجلس سنا رسید.

۳-۴-۱. قانون افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی (مصوب ۱۰ تیر ۱۳۴۶)

در دوره بیستم مجلس شورای ملی هرچند محمدرضا شاه پهلوی، در هنگام گشایش مجلس در بیانات خود خبر از تنظیم قانون جدیدی برای انتخابات داد اما در این دوره تغییری به وجود نیامد. در مجلس بیست و یکم، دولت با این استدلال که براساس سرشماری ۱۳۴۵ جمعیت برخی حوزه‌های انتخابیه افزایش یافته است، در قالب یک لایحه خواستار افزایش تعداد نمایندگان شد. این لایحه در کمیسیون کشور مورد بررسی و با اصلاحاتی تصویب شد. طبق ماده واحد، ۱۹ نفر به تعداد نمایندگان اضافه شد (پیوست ۶). تبصره ذیل ماده واحد بیان می‌داشت «دولت مکلف است تا پایان سال ۱۳۴۶ لایحه حوزه‌بندی کامل کشور را با توجه به ازدیاد جمعیت براساس آمارگیری رسمی سال ۱۳۴۵ به مجلس تقدیم نماید».

با وجود اختلاف نظرهایی که در مورد تفسیر اصل چهارم قانون اساسی وجود داشت مبنی بر اینکه آیا افزایش جمعیت کشور باید مبنا قرار گیرد (که در این صورت چون ۶ میلیون به جمعیت کشور اضافه شده بود باید ۶۰ نماینده اضافه می‌شد) یا افزایش جمعیت حوزه‌های انتخابیه که دولت بر این اساس لایحه را تنظیم کرده بود و همچنین ایرادهای وارده برخی نمایندگان نسبت به حوزه‌بندی موجود از جمله عدم رعایت قرب و بعد جغرافیایی نقاط درون حوزه‌ها و عدم تناسب میان تعداد نمایندگان و جمعیت برخی حوزه‌ها^۱ (مشروح مذاکرات بیست و یکمین مجلس شورای ملی، جلسه ۳۶۱، ۲۱ خرداد ۱۳۴۶)، این لایحه در ۲۵ خرداد ۱۳۴۶ مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت و این قانون در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۴۶ به تصویب مجلس سنا رسید.

شهرستان‌ها به انتخابات جمعی عادت کرده‌اند حالا این عادت اجتماعی و سیاسی شان شده و ما نمی‌توانستیم و شاید حق نداشتیم که بیاییم این عادت اجتماعی و سیاسی را به هم بزنییم و شهرها را محله به محله بکنیم و برای هر محله بنویسیم یک وکیل» (مشروح مذاکرات نوزدهمین مجلس شورای ملی، جلسه ۴۰۴، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۹).

۱. برای مثال خواجه نوری بیان کرد: «متأسفانه هنوز ما دچار مشکلات تقسیمات کشور و تقسیم‌بندی‌های غلط حوزه‌های انتخابیه گذشته هستیم ... به‌طور مثال راجع به حوزه انتخابیه خودم عرض می‌کنم حوزه انتخابیه شمیران حد شرقی آن شرق جاده تهران به آبدلی است تا حدود رودهن، حد غربی حوزه انتخابیه بنده حد غربی جاده کرج به گچسر است تا حدود ارتفاعات گچسر. و به این ترتیب یک بخش که بخش کن می‌باشد که از لحاظ تقسیمات کشوری جزء بخش حومه تهران است به اضافه دو بخش رودبار و قصران که جزء شهرستان شمیران است از لحاظ حوزه انتخابیه، جزء حوزه انتخابیه بنده است و پاره‌ای اوقات برای اینکه من بتوانم به یکی از دهاتی که در ارتفاعات گچسر واقع است سرکشی کنم از تهران که حرکت می‌کنم تا غروب باید پیاده راه بروم تا برسم به یک دهی که ۶ هزار نفر جمعیت دارد و احتیاج دارد که وکیل خودش را ببیند در صورتی که اگر این منطقه جزء حوزه انتخابیه کرج باشد وکیل کرج ضمن اینکه سرکشی می‌کند به کرج می‌تواند به همان مناطق هم سرکشی بکند ... نهایت ضرورت را دارد که در آتیه دولت وقتی می‌خواهد حوزه‌بندی انتخاباتی بکند ... یک تقسیم‌بندی صحیحی بکند که مردم در راه باشند ... مصطفوی نائینی بیان کرد «ظلمی که در گذشته به بعضی شهرستان‌ها من جمله به اصفهان شده این ظلم را جبران نکرده‌اند و تا الآن گرفتار این موضوع هستیم ... در آن موقع اصفهان شاید ۳۸۰ هزار نفر جمعیت داشته یعنی آن وقت اصفهان می‌بایست سه نفر نماینده داشته باشد و حالا هم که در ظرف این ۱۰ سال در حدود صد هزار نفر اضافه شده یک نماینده باید اضافه بشود که بشوند چهار نفر. آن موقع اصفهان در حدود ۴۰۰ هزار نفر جمعیت داشته ولی دو نفر نماینده برایش معین کرده‌اند ...» (مشروح مذاکرات بیست و یکمین مجلس شورای ملی، جلسه ۳۶۱، ۲۱ خرداد ۱۳۴۶).

۴-۱-۴. قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)

به موجب تکلیفی که تبصره ذیل قانون افزایش تعداد نمایندگان مصوب تیر ۱۳۴۶ برای دولت تعیین کرده بود، کمیسیون‌هایی از مأموران صلاحیت‌دار و کارشناسان وزارت کشور برای اجرای این تبصره تشکیل و مطالعاتی انجام گرفت. معاون وزیر کشور (ادیب محمدی)، جهت اینکه لایحه‌ای که تدوین می‌شود نظر همه نمایندگان را تأمین کند با حضور در مجلس درخواست تفسیر تبصره ذیل قانون افزایش تعداد نمایندگان مصوب تیر ۱۳۴۶ را پیشنهاد کرد (مشروح مذاکرات بیست‌ودومین مجلس شورای ملی، ۲۹ اسفند ۱۳۴۶). در ماده‌واحدی که ذیل عنوان قانون تفسیر تبصره قانون افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی مصوب تیر ۱۳۴۶ کمیسیون کشور به مجلس ارائه و تصویب کرد ذکر شده بود «منظور از تبصره قانون افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی مصوب تیر ۱۳۴۶ این بوده است که دولت لایحه حوزه‌بندی کامل را براساس آمارگیری سال ۱۳۴۵ به نسبت یک نفر نماینده برای هر یکصد هزار نفر که به مأخذ آمار سال ۱۳۳۵ بر جمعیت کشور اضافه شده است تهیه و به مجلسین تقدیم نماید» (همان، جلسه ۲۴۵، ۵ اردیبهشت ۱۳۵۰).

در نهایت، درحالی که همچنان برخی نمایندگان به ایرادهای موجود در حوزه‌بندی اشاره می‌کردند،^۱ دولت لایحه جدول حوزه‌بندی انتخاباتی را بدون دخالت نمایندگان تنظیم و به مجلس ارائه کرد. کمیسیون کشور با حضور معاون پارلمانی وزارت کشور لایحه را مورد رسیدگی قرار داد و تصویب کرد. وزارت کشور در این لایحه تلاش کرده بود تا حد مقدور ثبات حوزه‌ها را حفظ کند اما تعدادی حوزه جدید به وجود آمد، تعدادی حوزه مستقل شده و تعدادی حوزه جمعی نیز شکل گرفت. هرچند وزارت کشور معتقد بود تقسیمات کشوری نیازمند اصلاح است اما تلاش کرد تقسیمات کشوری را رعایت کند و هر حوزه انتخابیه را تابع استان خود قرار دهد.^۲ باین حال در این لایحه نیز مسئله حوزه‌هایی که در

۱. برای مثال مؤید امینی بیان کرد: «در ۱۳۳۹ آمدند در آیین‌نامه انتخابات مجلس یک ظلم فاحشی نسبت به اردبیل کردند قیچی را برداشتند و آن طرف اردبیل را بردند و گذاشتند کنار آستارا البته بنده قصد معارضه با آستارا ندارم چون آن موقع بندر آستارا جزو آذربایجان شرقی بوده و حق این بود که حدنصاب انتخاباتی این شهر را تأمین کنند منتها آمدند به جای ۷۰ هزار نفر ۹۲ هزار نفر از رأی‌دهندگان حوزه اردبیل را دادند به آستارا در نتیجه اردبیل که می‌توانست ۲۲۹ هزار نفر جمعیت داشته باشد و دو وکیل انتخاب کند به حدی جمعیتش کم شده است که از ۲۰۰ هزار نفر هم کمتر شده و حدنصاب از بین رفته است. ... اگر می‌خواهند تعداد رأی‌دهندگان آستارا را تأمین کنند ما حاضریم این فداکاری را بکنیم ولی ... مسئله این است که رأی مردم را نمی‌شود از بین برد. آمده‌اند قسمت مشرق اردبیل را که تمام دامنه‌های کوه سبلان باشد با قیچی بریده‌اند و گذاشته‌اند تحت اختیار آستارا مسئله سرعین که آن طرف اردبیل است و در ۲۵ کیلومتری کوه سبلان است این مردم باید بروند آستارا رأی بدهند که با آستارا ۱۸ فرسخ فاصله دارد ولی فاصله‌اش تا اردبیل ۲۵ کیلومتر است نظرم این بود که سابقاً که این کار را کرده‌اند لابد آن موقع می‌خواستند آستارا دو وکیل داشته باشد درحالی‌که اردبیل باید دو نماینده داشته باشد و من استدعایم این است که دولت ... این مسئله را در نظر بگیرند» (مشروح مذاکرات بیست‌ودومین مجلس شورای ملی، جلسه ۱۰۰، ۱۵ دی ۱۳۴۷).

۲. دکتر دادفر رئیس کمیسیون کشور در صحن علنی مجلس بیان کرد: «در این تقسیمات رعایت‌جهاتی که شده یکی رعایت تقسیمات کشوری است سابق بر این در دو استان مثلاً آباد از فارس و سمیرم از استان دیگر به یک بخش رأی می‌دادند و سعی کرده‌اند در داخل استان‌ها این مسئله رعایت بشود که هر حوزه انتخابیه تابع استان خودش باشد ... مسئله دیگری که رعایت کرده‌اند نحوه ارتباط این بخش‌ها و راه آنها است امکان حرکت این صندوق‌ها است جمع‌وجور بودن حوزه انتخابیه اینهاست» (مشروح مذاکرات بیست‌ودومین



محدوده دو استان قرار داشتند همچنان وجود داشت. در شور نسبت به کلیات و مواد این لایحه، برخی نمایندگان معترض شیوه حوزه‌بندی بودند. این ایرادها متوجه مسائلی مانند عدم لزوم ایجاد حوزه‌های جمعی^۱، شیوه الحاق مناطق به یکدیگر جهت رسیدن به حدنصاب، بی‌توجهی به عامل جغرافیا و از جمله پیوستگی جغرافیایی همه نقاط درون یک حوزه و عدم توجه به مرزهای اداری بود.^۲ در شور نسبت به

مجلس شورای ملی، ۵ اردیبهشت ۱۳۵۰).

۱. فرهادپور بیان کرد: «شهر تهران سه میلیون نفر جمعیت دارد یک میلیون رأی‌دهنده ... ولی مردم کن و سولقان که باید در تهران رأی بدهند فرض کنید حساب می‌کنند که رأی بدهند یا ندهند تحت تأثیر رأی تهران قرار خواهد گرفت ... یا بابل و بابلسر منطقاً چه دلیلی دارد که یک حوزه سه نفری جمعی باشد در صورتی که به بهترین صورت ... قابل تجزیه هستند و مردم بابلسر می‌توانند یک وکیل مستقل داشته باشند ... هر چه به سمت تجزیه حوزه‌ها به صورت مستقل پیش می‌رویم به تأمین حقوق سیاسی افراد ... نزدیک‌تر می‌شویم و هر قدر حوزه‌ها را جمعی و دسته‌ای بکنیم به حقوق عده‌ای کم‌توجهی کرده‌ایم». دکتر اسفندیاری بیان کرد «هر چه انتخابات فردی باشد و ... به صورتی باشد که ارباب رجوع بدانند که نماینده‌اش کیست آن حوزه انتخابیه بهتر می‌تواند به کار موکلینش برسد ... استعدا می‌کنم یک مطالعه عمیق‌تری از طرف دولت و وزارت کشور بکنند که اگر امکان داشته باشد حوزه‌ها را به حوزه‌های فردی تفکیک کنند». (مشروح مذاکرات بیست‌ودومین مجلس شورای ملی، جلسه ۲۴۷، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۰).

۲. ملک‌زاده بیان کرد: «شهرستان نور تنها شهرستانی است در ایران که نماینده در مجلس شورای ملی ندارد و وزارت کشور در این حوزه‌بندی جدید برای این شهرستان یک نماینده منظور کرده ... ولی دلیلی ندارد که اگر شهری به حق قانونی خودش رسید شهرستان دیگری از حق قانونی خودش محروم بشود ... شهرستان نور بین آمل و نوشهر قرار گرفته و تاکنون در مجلس این شهرستان که نماینده‌ای نداشت آراء خودش را به شهرستان نوشهر می‌داد ولی حالا وزارت کشور ... سه قسمت بزرگ در حدود سی‌هزار نفر از جمعیت شهرستان آمل را ضمیمه شهرستان نور کرده‌اند که جمعیت شهرستان نور را اضافه کنند ... شهرستان نور که نماینده نداشت نود هزار نفر جمعیت دارد و شهرستان نوشهر ... ۱۱۰ هزار نفر جمعیت دارد به عقیده بنده اگر قرار باشد شهرستان نور نماینده مستقلی داشته باشد که باید هم داشته باشد همان ۱۰ هزار نفر اضافه شهرستان نوشهر را اگر به جمعیت شهرستان نور اضافه بشود می‌شود صد هزار نفر و این کافی است و دیگر دلیلی ندارد سه دهستان را از شهرستان آمل جدا بکنند و بخواهند جمعیت شهرستان نور را به ۲۰۰ هزار نفر برسانند و جمعیت شهرستان آمل را زیر ۱۵۰ هزار نفر و همان یک وکیل را بگذارند».

مؤید امینی بیان کرد: «شما حتماً به شهرستان اردبیل تشریف برده‌اید ... تمرکز جمعیت در آنجا طوری است که این نحوه تقسیم‌بندی اصلاً با آن تطبیق نمی‌کند یعنی آمده‌اند یک بخش مهمی از اردبیل را که نمین باشد با قریب هشتاد هزار جمعیت مجزا کرده‌اند با یک منطقه‌ای که بیست‌وشش فرسخ با آستارا فاصله دارد هیچ توجهی نشده که موقعیت جاده با این وضع تطبیق بکند ... برای اینکه از پایین دامنه‌های سبلان باید مردم بلند بشوند بروند و صندوق‌شان در ۱۸ فرسخی است در صورتی که نمین تا اردبیل دو فرسخ است باید از گردنه حیران بگذرند و رأی‌شان را ببرند بدهند آنجا بنده مخالف نیستم آستارا باید وکیل داشته باشد ... ولی از گردنه حیران گذراندن و بردن به آستارا این کاری نیست که مطابق عقل و منطق باشد این سابقاً هم شده است هنوز هم بهش دست زده‌اند و تقصیر وزارت کشور هم نیست سابق بر این اردبیل یک وکیل داشت و می‌خواست خودش را از شر این قسمت رها بکند و رأی را داده بود درست به آستارا و این تعدی واقعاً به حقوق و رأی مردم است ما در اینجا هشتاد و هشتادوپنج هزار نفر جمعیت داریم که خودشان می‌توانند یک وکیل مستقل انتخاب بکنند ما ۳۲۰ هزار نفر جمعیت داریم یکی خود شهر یکی هم حوزه نمین باید باشد».

دکتر اسفندیاری بیان کرد: «حوزه نمین به هیچ عنوان به آستارا ربطی ندارد ... با آن گردنه حیران که یک جنبه خاصی دارد یک نفر اگر بخواهد رأی بدهد باید این طرف رأی بدهد و در سایر فعالیت‌ها دخالت و شرکت کند خود جنابعالی می‌دانید که مقدور نیست بنابراین این جدول‌هایی که تهیه شده براساس غلطی پایه‌گذاری شده که این اساس غلط فعلاً از طرف مجلس گذشته حالا قبل از اینکه سال ۵۵ بیاید و قبل از اینکه به اصطلاح سال رسیدن سرشماری جدید ما برسد ما بیاییم یک بررسی جدیدی بکنیم و هم‌چنین حوزه‌بندی را روی اساسی قرار بدهیم که حتی‌الامکان آن اشتباهات کمتر باشد خیلی بهتر خواهد بود». وی بیان کرد «این جدول تقسیمات کشوری شاید مورد قبول اکثر نمایندگان و اکثر مأموران و افسران وزارت کشور نیست و این تقسیمات کشوری سال‌هاست که از طرف مجلس از دولت تقاضا شده بیاورند بررسی کنند و تقسیمات کشوری را عوض کنند ... در حوزه جیرفت یا در حوزه کرمان بعضی بخش‌ها وجود دارد که یک قسمت این بخش در یک طرف کوه و یک قسمت دیگر بخش در طرف دیگر کوه قرار گرفته فقط به خاطر اینکه روی نقشه به هم نزدیک‌تر بودند یک خط روی اینها کشیدند و گفتند این یک بخش به حساب می‌آید ... بنابراین ... من قبول می‌کنم تقسیمات کشوری در نظر گرفته شده و این تقسیمات گذشته با آن عرایضی که عرض کردم نمی‌تواند ملاک عمل صحیح تقسیمات بعدی حوزه‌بندی جدید قرار بگیرد» (مشروح مذاکرات بیست‌ودومین مجلس شورای ملی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۰).

ماده‌واحد به‌از حوزه‌ها با اهدافی مانند قرار گرفتن تمام نقاط یک حوزه درون یک شهرستان واحد،^۱ رعایت بعد مسافت و تسهیلات ارتباطی نقاط درون حوزه‌ها و رسیدن به حدنصاب برای تخصیص نماینده بود (همان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۰). درنهایت این لایحه مشتمل بر یک ماده و جدول ضمیمه در تاریخ ۱۳۵۰/۳/۲، به تصویب مجلس شورای ملی و در تاریخ ۱۳۵۰/۳/۱۵ به تصویب مجلس سنا رسید و طبق ماده‌واحد جدول ۲۶۸ نفری منضم به این قانون جایگزین جدول حوزه‌های انتخابیه مصوب خردادماه ۱۳۳۹ و جدول اصلاحی منضم به قانون تیر ۱۳۴۶ شد (پیوست ۷).

در دوره بیست‌وسوم، تغییراتی در قانون انتخابات به‌وجود نیامد. در مجلس بیست‌وچهارم هرچند لایحه انتخابات مجلس سنا و مجلس شورای ملی، به مجلس ارائه شد و شور در مورد کلیات آن و شور اول مربوط به مواد لایحه انجام شد اما به‌دلیل وقوع انقلاب اسلامی به مرحله تصویب نرسید.

۲. تحلیل

۲-۱. نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه

در کشورهای مختلف وظیفه تهیه طرح اولیه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه یا برعهده کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، یا نهاد مسئول برگزاری انتخابات، یا مجلس قانونگذاری است. امروزه در بیشتر کشورها، فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده کمیسیون‌های انتخابات یا کمیسیون‌های ویژه‌ای است که با هدف ترسیم مرزهای انتخاباتی ایجاد شده‌اند. اعضای کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه معمولاً از میان افراد غیرحزبی و بی‌طرف انتخاب می‌شوند که در رشته‌های مدیریت انتخابات، جغرافیا و آمار تخصص دارند. برای مثال در استرالیا، نیوزلند و انگلیس اعضای کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه عبارتند از تعدادی از مقامات مسئول برگزاری انتخابات، رؤسای ادارات ثبت احوال و رئیس اداره نقشه‌برداری ارتش (در انگلیس) یا رئیس اداره نقشه‌برداری کشوری (در استرالیا و نیوزلند). کارشناسان آمار نقش مهمی در کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه استرالیا دارند؛ زیرا در این کشور فرایند اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه براساس آمارهای جمعیتی صورت می‌گیرد. در کانادا از متخصصان و استادانی که در زمینه انتخابات یا جغرافیا تخصص دارند تقاضا می‌شود تا با کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه همکاری کنند. در بسیاری از کشورها همچنین چندین قاضی در کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه عضویت و در اغلب موارد ریاست کمیسیون را برعهده دارند.

۱. برای مثال زرآور، مهندس سهم‌الدینی و پوربابائی پیشنهاد کردند که در لایحه قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی «بخش بیضای شهرستان شیراز که از شیراز جدا و به حوزه‌بندی فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمدی اضافه گردیده مجزا و به حوزه انتخابیه شیراز برگردد» (مشروح مذاکرات بیست‌ودومین مجلس شورای ملی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۰).



در قرن نوزدهم تقریباً همه کشورهای که در آنها فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود داشت، حتماً قبل از آنکه طرح‌های مربوط به ترسیم یا اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه به مرحله اجرا درآید، به تصویب مجالس قانونگذاری آن کشورها می‌رسید. اما در نتیجه اصلاحات اخیر و پس از تلاش‌هایی که برای جلوگیری از نفوذ سیاستمداران در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه صورت گرفت، در تعدادی از کشورها حق تصویب نهایی طرح اولیه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه از مجالس قانونگذاری سلب شد. در حال حاضر در بیشتر کشورهایی که تدوین طرح اولیه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده کمیسیون‌های ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه است، وظیفه تدوین نهایی طرح جهت قابل اجرا شدن آن برعهده مجالس قانونگذاری کشور (یا تأیید و امضای قوه مجریه) است. باین حال، در برخی از کشورها (مانند نیوزلند) نیز کمیسیون ویژه ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وظیفه تأیید نهایی طرح اولیه تدوین شده خود را نیز برعهده دارد (هندلی و گورفمن، ۱۳۹۵: ۵۰۵-۴۹۹).

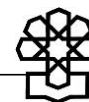
در دوره مشروطه نهاد مسئول ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌های انتخاباتی از دوره اول تا چهاردهم مجلس شورای ملی (به‌استثنای نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای و دوره نهم مجلس شورای ملی)، کمیسیون‌هایی از نمایندگان مجلس بوده است. از مجلس شانزدهم ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌بندی انتخاباتی را دولت برعهده گرفت و اصلاح قانون انتخابات و از جمله حوزه‌بندی‌های موجود به‌عنوان یکی از رؤس برنامه‌های برخی دولت‌ها اعلام شد (دولت محمد ساعد، دولت حسین علاء، دولت مصدق در مجلس شانزدهم؛ دولت مصدق در مجلس هفدهم) (جدول ۱). همچنین در عصر مشروطه وظیفه تصویب نهایی جدول حوزه‌بندی انتخاباتی همواره برعهده مجلس شورای ملی بوده است (به‌استثنای نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای که قبل از انتخابات مجلس دوم و در نبود مجلس تهیه و تصویب شد). محل اعتراض به شیوه حوزه‌بندی موجود اغلب در مجلس شورای ملی بوده است و امکان طرح شکایت در هیچ‌کجا حتی برای مثال در دادگاه‌ها وجود نداشته است.

در ادواری که ترسیم طرح اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه برعهده مجلس شورای ملی بوده است، در کنار نبود آمارهای رسمی از جمعیت نقاط مختلف کشور، در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی، اعمال نفوذ و قدرت نمایندگان برخی ایالات و ولایات، سبب شد حوزه‌بندی انجام شده از ایرادهای اساسی برخوردار باشد. در ادواری که ترسیم طرح اولیه حوزه‌بندی انتخاباتی را دولت در قالب لایحه انجام داد نیز اغلب (به‌استثنای دوره بیست‌ویکم و بیست‌ودوم مجلس شورای ملی) به شیوه‌های مختلف تلاش شد نظرات نمایندگان مجلس شورای ملی در چگونگی ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه اخذ و اعمال شود. با توجه به بی‌طرف نبودن نمایندگان مجلس شورای ملی و مسئله تعارض منافع، نتیجه این رویه تأثیرگذاری جغرافیای بسیار ناآشنای «قدرت» در امر حوزه‌بندی انتخاباتی بوده است. با وجود آنکه داده‌های چنین جغرافیایی کمتر در دسترس قرار دارد اما بررسی حوزه‌بندی‌های انجام شده، و اعتراض‌های برخی نمایندگان در مجلس حاکی از تخلف آشکار از معیار تعیین شده برای حوزه‌بندی است. همچنین عدم اصلاح چنین ایرادهایی با وجود اطلاع دولت و مجلس، حاکی از اعمال نفوذ در حوزه‌بندی انتخاباتی برخی مناطق بوده است که پیامد آن نواقصی مانند

عدم پیوستگی جغرافیایی نقاط درون برخی حوزه‌ها، عدم تأمین برابری قدرت رأی‌دهی و عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای اداری بوده است.

جدول ۱. نهاد مسئول ترسیم حوزه‌های انتخابیه در عصر مشروطه

دوره	نهاد مسئول ترسیم و تصویب مرزهای حوزه‌های انتخابیه	دوره	نهاد مسئول ترسیم و تصویب مرزهای حوزه‌های انتخابیه
مجلس اول	کمیته تدوین نظام‌نامه انتخابات (متشکل از اعضای مجلس موقت)	مجلس سیزدهم	-
تدوین نظام‌نامه جهت برگزاری انتخابات مجلس دوم: «کمیسیون ویژه تدوین نظام‌نامه» (ترکیبی از دولتی‌ها و ملیون، با اعمال نظرات انجمن آذربایجان)			
مجلس دوم	کمیسیون اصلاح نظام‌نامه انتخابات (متشکل از نمایندگان مجلس شورای ملی)	مجلس چهاردهم	کمیسیون اصلاح قانون انتخابات (متشکل از نمایندگان مجلس شورای ملی)
مجلس سوم	-	مجلس پانزدهم	-
مجلس چهارم	کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات (متشکل از نمایندگان مجلس شورای ملی)	مجلس شانزدهم	- ترسیم توسط دولت علی منصور (در قالب لایحه اصلاح قانون انتخابات) - ترسیم توسط دولت مصدق با مشارکت هیئتی از شعب مجلس جهت مشاوره (در قالب لایحه اصلاح قانون انتخابات).
مجلس پنجم	کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات (متشکل از نمایندگان مجلس شورای ملی)	مجلس هفدهم	ترسیم دولت (در قالب لایحه قانونی انتخابات) با اعمال نظرات نمایندگان مجلس شورای ملی
مجلس ششم	-	مجلس هجدهم	-
مجلس هفتم	-	مجلس نوزدهم	ترسیم توسط دولت (در قالب لایحه ارائه شده به مجلس)، بررسی و اصلاح در کمیسیون کشور، با حضور وزیر کشور و نمایندگان آن وزارتخانه و با دعوت از نمایندگان مجلس شورای ملی برای ابراز نظر نسبت به حوزه‌های مربوطه و در نهایت تصویب در مجلس
مجلس هشتم	-	مجلس بیستم	-
مجلس نهم	ترسیم توسط دولت (در قالب لایحه) و تصویب در مجلس	مجلس بیست‌ویکم	دولت (در قالب ارائه لایحه) و بررسی در کمیسیون کشور و تصویب در مجلس
مجلس دهم	-	مجلس بیست‌ودوم	ترسیم توسط دولت (در قالب ارائه لایحه) و بررسی در کمیسیون کشور با حضور معاون پارلمانی وزارت کشور و در نهایت تصویب در مجلس
مجلس یازدهم	-	مجلس بیست‌وسوم	-
مجلس دوازدهم	-	مجلس بیست‌وچهارم	-



۲-۲. علت (یا علل) اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه

به‌طور معمول در کشورهایی که فرایند حوزه‌بندی انتخاباتی وجود دارد، قانون زمان مشخصی برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه تعیین می‌کند. هرچند زمان استاندارد برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود ندارد، اما معمولاً این زمان خیلی طولانی نیست. برای مثال در کشور سیشل براساس قانون در صورت ضرورت، مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید هر سه سال یکبار اصلاح شوند. در ترکیه، نیوزلند، زیمبابوه، آلبانی، باهاماس و فیجی مرزهای حوزه‌های انتخابیه هر پنج سال یکبار اصلاح می‌شوند. استرالیا حداقل هر هفت سال یکبار مرزهای حوزه‌های انتخابیه خود را اصلاح می‌کند. در مقابل در فرانسه مرزهای حوزه‌های انتخابیه هر ۱۲ یا ۱۴ سال اصلاح می‌شود. رایج‌ترین زمانی که برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه در کشورهای مختلف وجود دارد، ۱۰ سال است. براساس قانون انتخابات یا قانون اساسی کشورهای بوتسوانا، کانادا، هند، ژاپن، کنیا، لسوتو، مالزی، جزیره موریتوس، مکزیک، نپال، نیجریه، پاکستان، گینه جدید، پاپوآ، تانزانیا، ایالات متحده آمریکا و یمن مرزهای حوزه‌های انتخابیه هر ۱۰ سال یکبار باید مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند.

در برخی کشورها نیز به‌جای تعیین زمان معین برای اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه معیارهای دیگری برای شروع این فرایند در نظر گرفته شده است. از جمله این معیارها می‌توان به اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخاباتی پس از هر سرشماری جمعیتی، پس از تغییر تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به هر حوزه انتخابیه، پس از تغییر در مرزهای اداری، پس از آنکه بین تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به حوزه‌های انتخابیه و تعداد جمعیت آنها سطح معینی از عدم تناسب ایجاد شود، اشاره کرد (هندلی و گروفرمن، ۱۳۹۵: ۵۰۸-۵۰۷).

می‌توان گفت تقریباً در همه ادوار مجلس شورای ملی اعتراض‌هایی نسبت به حوزه‌بندی موجود و بحث‌هایی برای تجدیدنظر در آن وجود داشت. تا سال ۱۳۳۶ زمان معینی برای تجدیدنظر در حوزه‌بندی انتخاباتی وجود نداشت، و در هر دوره‌ای که شرایط برای طرح این موضوع فراهم بود، با پیشنهاد نمایندگان فرایند بازنگری جریان می‌یافت. مهم‌ترین علت برای تلاش جهت تغییر حوزه‌بندی انتخاباتی در عصر مشروطه، ایرادهای مطرح نسبت به حوزه‌بندی موجود (به‌ویژه از جانب نمایندگان مجلس) و نیز افزایش جمعیت بود. از سال ۱۳۳۶ و با اصلاح ماده (۴) قانون اساسی مشروطه، یک دوره زمانی ۱۰ ساله (در صورت ازدیاد جمعیت کشور در هر حوزه انتخابیه) برای تجدیدنظر در تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی تعیین شد که لزوماً به‌معنای تجدیدنظر در مرزهای حوزه‌های انتخابیه نبود.

۲-۳. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه

رایج‌ترین معیار و در بسیاری از کشورها مهم‌ترین معیار برای ترسیم و اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه، معیار «برابری جمعیت» است. در کشورهای مختلف در اینکه برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه چقدر

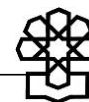
باید باشد و تخطی از اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا چه حد مجاز است، تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال ایالات متحده آمریکا کمترین حدنصاب را دارد زیرا در این کشور کوچک‌ترین تخطی از اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه ممنوع است. در کشور مقدونیه میزان عدم تناسب بین تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به حوزه‌های انتخابیه و تعداد جمعیت آنها نباید بیش از ۳ درصد باشد، اگر چنین اتفاقی بیفتد مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید اصلاح شوند. در نیوزلند و آلبانی امکان تخطی از اصل برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا ۵ درصد مجاز است. در استرالیا، ایتالیا، بلاروس، و اوکراین این رقم به ۱۰ درصد می‌رسد. در جمهوری چک، ارمنستان و آلمان این رقم ۱۵ درصد است.^۱ در کانادا کمیسیون‌های مستقلی که مسئول ترسیم و اصلاح مرزهای حوزه‌های هستند می‌توانند فقط در شرایط استثنایی و فوق‌العاده تا ۲۵ درصد از اصل برابری جمعیتی حوزه‌های انتخابیه تخطی کنند. سنگاپور جزء کشورهایی است که بیشترین حد مجاز انحراف را دارد. در این کشور نابرابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه تا ۳۰ درصد مجاز است.

از جمله معیارهای دیگری که نهادهای مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه باید توجه کنند عامل «جغرافیا» است. در این زمینه رایج‌ترین معیار جغرافیایی توجه به «مرزهای سیاسی محلی» است که از قبل وجود داشته‌اند. توجه به «مرزهای طبیعی» که در نتیجه عواملی همچون کوه‌ها، رودخانه‌ها، جزایر و غیره ایجاد شده‌اند؛ سهل‌الوصول بودن به لحاظ جغرافیایی، به هم متصل بودن نواحی مختلف یک حوزه انتخابیه و نیز جمع‌وجور بودن از دیگر معیارهای مورد توجه در حوزه‌بندی انتخاباتی است. همچنین در بسیاری از کشورهایی که در آنها فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه وجود دارد تلاش می‌شود این مرزها به گونه‌ای ترسیم شوند که منافع گروه‌های محلی حفظ شود. در واقع حوزه‌های انتخابیه باید تا حد ممکن واحدهایی یک‌دست، منسجم و متشکل از گروه‌هایی باشند که منافع مشترک دارند. همچنین ضروری است به هنگام ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه به شیوه‌های ارتباط مناطق مختلف و سهولت رفت و آمد بین آنها و نیز به گروه‌های مختلف زبانی، دینی و قومی توجه شود (هندلی و گورفمن، ۱۳۹۵: ۵۱۳-۵۰۸). در ادامه به بررسی معیار حوزه‌بندی در عصر مشروطه پرداخته می‌شود:

الف) جمعیت

در دوره مشروطه (به استثنای نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای) «جمعیت» معیار اصلی برای حوزه‌بندی بود (جدول ۲). با این وجود، هیچ‌گاه حوزه‌بندی‌های انجام شده نتوانست به صورت کامل، معیار برابری جمعیت را رعایت و منجر به برابری حق رأی‌دهی در کشور شود. در نظام‌نامه انتخابات صنفی عامل «جمعیت» به عنوان معیاری برای تعیین تعداد نمایندگان هر حوزه تعیین شد. اما این نظام‌نامه حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و میزان انحراف از حد مجاز را تعیین نکرد. از سوی دیگر، نبود آمارهای رسمی از جمعیت ایالات و ولایات و تکیه بر حدس و گمان و تخمین در این باره، اختصاص ۱۲ یا ۶ نماینده به ایالات و ولایات فارغ از تفاوت‌های آنها از نظر

۱. طبق قانون انتخابات آلمان، حوزه‌هایی که میزان انحراف آنها بیش از ۲۵ درصد باشد، باید اصلاح شده و از نو ترسیم شوند (هندلی و گورفمن، ۱۳۹۵: ۵۲۴).



تعداد جمعیت، در کنار دلایل سیاسی و مصلحت‌گرا نه موجب شد که حوزه‌بندی از معیار جمعیت تبعیت نکند. در نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای، در نظر گرفتن عامل «اهمیت محلی» به‌عنوان معیاری برای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در کنار «جمعیت تخمینی ولایات»، راه را برای اعمال نفوذ و قدرت و تخطی بیشتر از اصل برابری جمعیت باز کرد. در نظام‌نامه انتخابات یک‌درجه‌ای، «جمعیت تخمینی ولایات» معیاری برای تقسیم نمایندگان ملت تعیین شد. با وجود اینکه در زمان تدوین این نظام‌نامه برخی نمایندگان مجلس تأکید داشتند که برای امر حوزه‌بندی ابتدا باید حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده توسط قانون مشخص شود، اما مقیاس دقیقی برای حداقل جمعیت و میزان انحراف از حد مجاز در قانون تعیین نشد. علاوه بر مسئله نبود اطلاعات آماری دقیق و رسمی از تعداد جمعیت مناطق مختلف که سبب اختلاف نظرهای متعدد و بحث‌های طولانی در فرایند تصویب نظام‌نامه شد، برخی نمایندگان با استناد به اهمیت سیاسی، تجاری و ... حوزه‌های خود و اعمال نفوذ، خواستار افزایش تعداد نمایندگان بودند و اغلب در این راستا موفق می‌شدند.

جدول ۲. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در عصر مشروطه

نظام‌نامه انتخابات صنفی	جمعیت سکنه بلاد: عدم تعیین مقیاس دقیق حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و عدم تعیین میزان انحراف مجاز از مقیاس مذکور
نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای	جمعیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی: عدم تعیین مقیاس دقیق حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و عدم تعیین میزان انحراف مجاز از مقیاس مذکور
قانون انتخابات عمومی یک‌درجه‌ای (۱۲۹۰ ه.ش.)	جمعیت تخمینی ولایات: عدم تعیین مقیاس دقیق حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و عدم تعیین میزان انحراف مجاز از مقیاس مذکور
تغییرات قانون انتخابات عمومی یک‌درجه‌ای (۱۲۹۰ ه.ش.)	جمعیت: تا سال ۱۳۳۶: عدم تعیین مقیاس دقیق حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و عدم تعیین میزان انحراف مجاز از مقیاس مذکور از سال ۱۳۳۶ به بعد: تعیین مقیاس حداقل «صد هزار نفر» برای داشتن یک نماینده و عدم تعیین میزان انحراف مجاز از مقیاس مذکور

هرچند با اصلاح ماده (۴) قانون اساسی مشروطه در سال ۱۳۳۶، مقیاس عددی «یکصد هزار نفر» برای داشتن یک نماینده تعیین شد اما مسئله میزان انحراف مجاز از مقیاس صد هزار نفر همچنان مسکوت ماند و در جدول منضم به «قانون راجع به جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی» (مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۳۹)^۱ و قانون مصوب سال ۱۳۵۰ به معیار «یکصد هزار نفر» به‌صورت کامل عمل نشد. در واقع در حالی که تا مجلس نوزدهم، یکی از دلایل اصلی عدم برابری جمعیت حوزه‌های انتخابیه و عدم تأمین برابری حق رأی‌دهی، نبود آمارهای رسمی از جمعیت کشور و نبود مقیاسی دقیق برای حداقل

۱. دکتر الموتی لیدر فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین در مجلس بیست‌ودوم درباره جدول حوزه‌بندی مصوب سال ۱۳۳۹ اذعان کرد که «جدول انتخابات ... که طبق قانون اساسی ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شده بود بعضی از حوزه‌ها تعداد جمعیتش بسیار کم بود بین ۲۵ تا ۲۸ هزار نفر و بعضی دیگر از ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند (مشروح مذاکرات بیست‌ودومین مجلس شورای ملی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۰).

جمعیت جهت داشتن یک نماینده بود، پس از این دوره نیز به دلیل عدم تعیین میزان مجاز انحراف از مقیاس صد هزار نفر، برابری حقوق رأی‌دهی در حوزه‌بندی تأمین نشد.

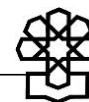
بررسی میزان و درصد انحراف جمعیت استان‌ها و حوزه‌های انتخابیه کشور در عصر مشروطه می‌تواند مسئله عدم تأمین برابری حق رأی‌دهی در حوزه‌بندی انجام شده را آشکارتر نشان دهد. از آنجاکه تا سال ۱۳۳۵ سرشماری رسمی در کشور انجام نشد، فقط می‌توان دو جدول حوزه‌بندی مصوب ۱۳۳۹ و ۱۳۵۰ را از این لحاظ بررسی کرد. گفتنی است در سرشماری ۱۳۳۵، کل کشور به ۱۱۹ حوزه سرشماری تقسیم شد که لزوماً این حوزه‌ها مطابق با مرزهای تقسیماتی در سطح شهرستان نبود. از سوی دیگر تفکیک اطلاعات مربوط به جمعیت درون هر حوزه سرشماری برحسب نقاط بالای پنج هزار نفر و نقاط زیر پنج هزار نفر بوده است و نه برحسب جمعیت بخش و دهستان. همچنین هر استان از چند حوزه سرشماری مجاور یکدیگر تشکیل می‌شد که به استثنای استان آذربایجان شرقی و سیستان و بلوچستان مرزهای حوزه‌های سرشماری اختلاف‌های جزئی با حدود استان‌های کشور در سال ۱۳۳۵ داشته است. به همین دلیل از آنجاکه مرزهای حوزه‌های سرشماری، حوزه‌های انتخابیه و نیز مرزهای تقسیمات کشوری لزوماً با هم تطابقی نداشته‌اند، استخراج اطلاعات مربوط به جمعیت حوزه‌های انتخابیه امری دشوار و احتمال خطا بسیار بالاست. در ادامه میزان و درصد انحراف حوزه‌های استان آذربایجان شرقی و سیستان و بلوچستان بررسی می‌شود که مرزهای حوزه‌های سرشماری درون آنها با مرزهای سیاسی در سطح استان تطابق داشته است.^۱ باید گفت با توجه به نبود اطلاعات در مورد جمعیت بخش‌ها و دهستان‌ها، تنها می‌توان میزان و درصد انحراف را در حوزه‌هایی محاسبه کرد که مرزهای حوزه سرشماری و مرزهای حوزه انتخابیه منطبق بر مرزهای شهرستان است.

جدول ۳. میزان و درصد انحراف تعداد نمایندگان استان‌های سیستان و بلوچستان و آذربایجان شرقی نسبت به میانگین صد هزار نفر در جدول منضم به قانون راجع به جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۳۹)

نام استان	جمعیت استان	تعداد نماینده	مجموع انحراف استانی از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر	درصد انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر
سیستان و بلوچستان	۴۲۸,۳۶۳	۳	۱۲۸,۳۶۳	۱۴۲,۷۸۷	۴۲,۷۸۷	۴۲/۷
آذربایجان شرقی	۲,۱۴۲,۲۷۰	۲۱	۴۲,۲۷۰	۱۰۲,۰۱۲	۲,۰۱۲	+ ۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۳۹ به تدریج تغییراتی در حدود شهرستان‌های کشور به وجود آمد. در این گزارش جمعیت شهرستان‌ها برگرفته از داده‌های مرکز آمار ایران است که با در نظر گرفتن حدود و تقسیمات شهرستان‌ها در سال ۱۳۳۹ جمعیت شهرستان‌ها را برآورد کرده است. در واقع تعداد جمعیت هر شهرستان عبارت است از تعداد افرادی که در سال ۱۳۳۵ در داخل حدود شهرستان در سال ۱۳۳۹ زندگی می‌کردند.



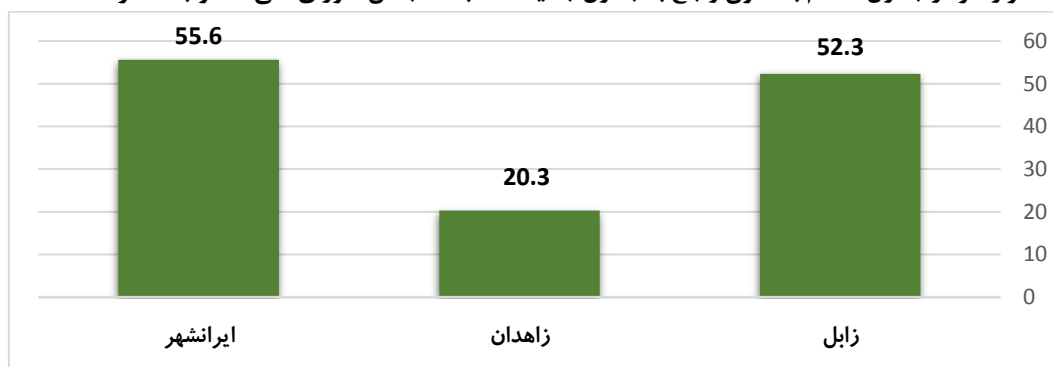
همان گونه که جدول فوق نشان می‌دهد حوزه‌بندی مصوب سال ۱۳۳۹، نسبت نماینده به جمعیت استان سیستان و بلوچستان انحراف $۴۲/۷+$ از میانگین صد هزار نفر داشته و در مجموع این استان نسبت به تعداد کل نمایندگان خود انحراف $۱۲۸,۳۶۳$ نفری داشته، بدین معنا که این استان می‌بایست چهار نماینده داشته باشد. از آنجاکه مرزهای حوزه‌های انتخابیه و حوزه‌های سرشماری در این استان با هم تطبیق دارند، می‌توان انحراف حوزه‌های انتخابیه درون این استان را محاسبه کرد (جدول ۴) که نشانگر طیف انحرافی از ۲۰ تا $۵۵/۶$ درصد است که انحراف استاندارد نیست. گفتنی است طی فرایند تصویب قانون جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۳۹) با وجود اینکه نمایندگان این استان به حوزه‌بندی اعتراض داشتند و با استناد به جمعیت استان و مقیاس قانونی هر صد هزار نفر یک نماینده استدلال می‌کردند که باید چهار نماینده به این استان اختصاص یابد (رجوع شود به پاورقی صفحه ۲۲)، اما در قانون تصویب شده سه نماینده برای استان در نظر گرفته شد.

جدول ۴. میزان و درصد انحراف تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابیه استان سیستان و بلوچستان^۱ نسبت به میانگین صد هزار نفر در جدول منضم به قانون راجع به جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۳۹)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر	درصد انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر
زابل	شهر زابل دهستان‌های: حومه، میان‌کنگی، ناروئی، شهرک پشت‌آب، شیپ‌آب.	زابل	۱۵۲,۳۷۳	۱ نفر	۱۵۲,۳۷۳	۵۲,۳۷۳	$۵۲/۳+$
زاهدان	شهر زاهدان و حومه، میرجاوه، خاش، شهر سراوان، زابلی سیب و سوران، جالق و کوهک، نصرت‌آباد.	زاهدان	۱۲۰,۳۷۸	۱ نفر	۱۲۰,۳۷۸	۲۰,۳۷۸	$۲۰/۳+$
ایرانشهر	ایرانشهر و حومه، بزمان، دلکان، بمپور، سرباز فنوج، بنت، لاشار، چامپ، چاه‌بهار و حومه، نیک‌شهر، دشت‌یاری، راسک، پیشین هیچان.	ایرانشهر	۱۵۵,۶۱۲	۱ نفر	۱۵۵,۶۱۲	۵۵,۶۱۲	$۵۵/۶+$

۱. در قانون مصوب ۱۳۳۹، دو شهرستان ایرانشهر و چابهار تشکیل یک حوزه، و دو شهرستان زاهدان و سراوان تشکیل یک حوزه را می‌دهند.

نمودار ۱. درصد انحراف تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابیه استان سیستان و بلوچستان نسبت به میانگین صدهزار نفر در جدول منضم به قانون راجع به جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۳۹)

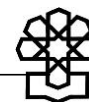


استان آذربایجان شرقی در کل انحراف ۲+ درصدی را برای نسبت نماینده به جمعیت خود نشان می‌دهد اما به معنای پایین بودن انحراف همه حوزه‌های انتخابیه درون این استان نیست. در مجموع این استان نسبت به تعداد کل نمایندگان خود انحراف ۴۲,۲۷۰ نفری داشته است. با توجه به اینکه تنها مرزهای چهار حوزه سرشماری اردبیل، خلخال، مشگین‌شهر و میانه در سرشماری سال ۱۳۳۵ با مرزهای سطح شهرستان تطابق داشته‌اند و از آنجاکه مرزهای حوزه‌های انتخابیه اردبیل و مشگین‌شهر با مرزهای سطح شهرستان تطابق نداشته‌اند، تنها می‌توان میزان و درصد انحراف دو حوزه انتخابیه خلخال و میانه را محاسبه کرد (جدول ۵) که درصد انحراف آنها به ترتیب عبارت است از ۰/۰۲+ و ۳۸/۹+ درصد که در مورد حوزه انتخابیه میانه انحراف بالایی است.

جدول ۵. میزان و درصد انحراف تعداد نمایندگان حوزه‌های خلخال و میانه در استان آذربایجان شرقی نسبت به میانگین صدهزار نفر در جدول منضم به قانون راجع به جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۳۹)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده به جمعیت	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس (۱۰۰ هزار نفر)	درصد انحراف از مقیاس (۱۰۰ هزار نفر)
خلخال	شهر هروآباد با بخش‌های کاغذکنان، سنجد، شاهرود، خورش‌رستم.	هروآباد	۱۰۰,۰۲۲	۱	۱۰۰,۰۲۲	۲۲	۰/۰۲+
میانه	شهر میانه و دهستان‌های اوج‌تپه، کله‌پوز، کندوان، گرم، ترکمان، پروانان.	میانه	۱۳۸,۹۶۷	۱	۱۳۸,۹۶۷	۳۸,۹۶۷	۳۸/۹+

قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵) طبق نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۴۵ کشور تدوین و تصویب شد. با توجه به اینکه حوزه‌های سرشماری در سال ۱۳۴۵ با مرزهای استانی تطابق داشته است، می‌توان میزان و درصد انحراف استان‌های کشور از میانگین صدهزار نفر را محاسبه کرد (جدول ۶).



جدول ۶. میزان و درصد انحراف تعداد نمایندگان استان‌ها نسبت به میانگین صد هزار نفر در قانون
جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)

نام استان	جمعیت	تعداد نماینده در قانون ۱۳۵۰	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس (۱۰۰ هزار نفر)	درصد انحراف از مقیاس (۱۰۰ هزار نفر)	مجموع انحراف استانی از مقیاس (۱۰۰ هزار نفر)	انحراف تعداد نماینده نسبت به جمعیت کل استان
استان آذربایجان شرقی ^۱	۲,۵۱۶,۴۳۹	۲۶ نفر	۹۶,۷۸۶	-۳,۲۱۴	- ۳/۲	-۸۳,۵۶۱	۱ نفر مازاد
استان آذربایجان غربی	۱,۰۸۷,۱۸۲	۱۲ نفر	۹۰,۵۹۸	-۹,۴۰۱	- ۹/۴	-۱۱۲,۸۱۸	۲ نفر مازاد
استان اصفهان ^۲	۱,۴۲۲,۵۴۳	۱۷ نفر	۸۳,۶۷۹	-۱۶,۳۲۱	- ۱۶/۳	-۲۷۷,۴۵۷	۳ نفر مازاد
استان بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان	۵۹۸,۳۳۱	۷ نفر	۸۵,۴۷۶	-۱۴,۵۲۴	- ۱۴/۵	-۱۰۱,۶۶۹	۲ نفر مازاد
خراسان	۲,۴۹۸,۳۸۱	۲۶ نفر	۹۶,۰۹۱	-۳,۹۰۸	- ۳/۹	-۱۰۱,۶۱۹	۲ نفر مازاد
استان خوزستان	۱,۵۷۸,۰۷۹	۱۶ نفر	۹۸,۶۳۰	-۱,۳۷۰	- ۱/۳	-۲۱,۹۲۱	۱ نفر مازاد
استان سیستان و بلوچستان	۴۵۴,۹۹۶	۶ نفر	۷۵,۸۳۳	-۲۴,۱۶۷	- ۲۴/۱	-۱۴۵,۰۰۴	۲ نفر مازاد
استان فارس ^۳	۱,۳۹۴,۸۰۴	۱۶ نفر	۸۷,۱۷۵	-۱۲,۸۲۵	- ۱۲/۸	-۲۰۵,۱۹۶	۳ نفر مازاد
استان کرمان	۷۶۱,۸۵۱	۸ نفر	۹۵,۲۳۱	-۴,۷۶۹	- ۴/۷	-۳۸,۱۴۹	۱ نفر مازاد
استان کردستان	۶۱۹,۵۷۳	۶ نفر	۱۰۳,۲۶۲	+۳,۲۶۲	+ ۳/۲	+۱۹,۵۷۳	فاقد انحراف
استان کرمانشاهان	۷۷۶,۴۰۹	۸ نفر	۹۷,۰۵۱	-۲,۹۴۹	- ۲/۹	-۲۳,۵۹۱	۱ نفر مازاد
استان گیلان ^۴	۱,۳۷۱,۱۵۹	۱۳ نفر	۱۰۵,۴۷۴	+۵,۴۷۴	+ ۵/۴	+۷۱,۱۵۹	فاقد انحراف
استان مازندران	۱,۸۴۱,۶۳۷	۱۸ نفر	۱۰۲,۳۱۳	+۲,۳۱۳	+ ۲/۳	+۴۱,۶۳۷	فاقد انحراف
استان مرکزی	۴,۹۷۹,۰۸۱	۵۰ نفر	۹۹,۵۸۲	-۴۱۸	- ۰/۴	-۲۰,۹۱۹	۱ نفر مازاد
فرمانداری کل ایلام	۱۴۸,۳۰۷	۲ نفر	۷۴,۱۵۳	-۲۵,۸۴۶	- ۲۵/۸	-۵۱,۶۹۳	۱ نفر مازاد
فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری	۲۹۸,۴۴۸	۳ نفر	۹۹,۴۸۳	-۵۱۷	- ۰/۵	-۱,۵۵۲	۱ نفر مازاد
فرمانداری کل زنجان	۴۶۱,۳۴۵	۵ نفر	۹۲,۲۶۹	-۷,۷۳۱	- ۷/۷	-۳۸,۶۵۵	۱ نفر مازاد
فرمانداری کل سمنان	۲۰۷,۷۸۶	۳ نفر	۶۹,۲۶۲	-۳۰,۷۳۸	- ۳۰/۷	-۹۲,۲۱۴	۱ نفر مازاد
فرمانداری کل کهگیلویه ^۵	۲۰۶,۲۱۹	۲ نفر	۱۰۳,۱۰۹	+۳,۱۰۹	+ ۳/۱	+۶,۲۱۹	فاقد انحراف
فرمانداری کل لرستان	۶۸۶,۳۰۷	۷ نفر	۹۸,۰۴۴	-۱,۹۵۶	- ۱/۹	-۱۳,۶۹۳	۱ نفر مازاد
فرمانداری کل همدان	۸۸۹,۸۸۸	۹ نفر	۹۸,۸۷۶	-۱,۱۲۳	- ۱/۱	۱۰,۱۱۲	۱ نفر مازاد
فرمانداری کل یزد	۲۸۱,۱۵۸	۳ نفر	۹۳,۷۱۹	-۶,۲۸۱	- ۶/۲	-۱۸,۸۴۲	۱ نفر مازاد

۱. جمعیت آذربایجان شرقی ۲,۵۹۶,۴۳۹ نفر است. از آنجا که بخش نمین جزء حوزه انتخاباتی آستارا در استان گیلان است، جمعیت آن از جمعیت آذربایجان شرقی کسر شده است. از آنجا که داده‌های جمعیت در سطح بخش در سرشماری ۱۳۴۵ وجود ندارد، با استناد به مشروح مذاکرات این دوره، ۸۰ هزار نفر در نظر گرفته شده است.

۲. جمعیت استان اصفهان در سال ۱۳۴۵، ۱,۷۰۳,۷۰۱ نفر است که جمعیت شهرستان یزد (۲۸۱۱۵۸) از آن کسر شده است.

۳. جمعیت استان فارس ۱,۴۳۹,۸۰۴ نفر است که جمعیت بخش بیضاء که در حوزه بویراحمد فرمانداری کل کهگیلویه قرار دارد از جمعیت استان فارس کسر شده است. جمعیت این بخش طبق اطلاعات آمارنامه استان فارس ۴۵ هزار نفر بوده است.

۴. جمعیت استان گیلان در سال ۱۳۴۵، ۱,۷۵۲,۵۰۴ نفر است که جمعیت فرمانداری کل زنجان (۴۶۱,۳۴۵) از آن کسر شده است. همچنین جمعیت بخشی نمین به جمعیت استان گیلان اضافه شده است.

۵. جمعیت فرمانداری کل کهگیلویه ۱۶۱,۲۱۹ نفر است که جمعیت بخش بیضاء استان فارس نیز به آن اضافه شده است.

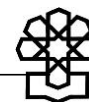
نمودار ۲. درصد انحراف استان‌های کشور از میانگین ۱۰۰ هزار نفر در قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)



توضیح: درصد مثبت به این معناست که یک استان کمتر از جمعیت خود نماینده دارد. درصد منفی به این معناست که یک استان بیشتر از جمعیت خود نماینده دارد.

بررسی میزان و درصد انحراف استان‌های کشور از میانگین صد هزار نفر در جدول حوزه‌بندی مصوب ۱۳۵۰، نشان می‌دهد که اغلب استان‌های کشور نسبت به جمعیت خود از نماینده بیشتری برخوردار بوده‌اند (جدول ۶، نمودار ۲). استان آذربایجان شرقی در کل از انحراف ۸۳,۵۶۱- نفری و از نظر نسبت تعداد نماینده به جمعیت در کل از انحراف ۳/۲- درصدی برخوردار است. اما انحراف حوزه انتخابیه مرند درون این استان ۵۰/۱+ درصد است. دو حوزه انتخابیه خلخال و میانه که در قانون سال ۱۳۳۹، درصد انحراف آنها به ترتیب ۰/۲+ و ۳۸/۹+ درصد بود در قانون سال ۱۳۵۰ به ترتیب از درصد انحراف ۳۴/۲+ و ۱۳- برخوردارند که به‌ویژه در مورد حوزه خلخال درصد استاندارد نیست. در استان سیستان و بلوچستان، حوزه‌های زابل، زاهدان و ایرانشهر که در قانون سال ۱۳۳۹ انحراف ۵۲/۳+، ۲۰/۳+ و ۵۵/۶+ درصد داشتند در قانون سال ۱۳۵۰ از انحراف به ترتیب ۱۹/۷-، ۳۱/۹- و ۱/۶+ برخوردارند که در مورد دو حوزه زابل و زاهدان انحراف بالایی را نشان می‌دهد. در ادامه درصد انحراف جمعیت حوزه‌های درون دو استان آذربایجان غربی و کردستان و دو فرمانداری کل ایلام و سمنان در جدول حوزه‌بندی مصوب ۱۳۵۰ بررسی می‌شود.

درصد انحراف نسبت تعداد نماینده به جمعیت استان آذربایجان غربی ۹/۴- درصد است اما در کل این استان از انحراف ۱۱۲,۸۱۸- نفری برخوردار است. از ۹ حوزه درون این استان، تنها سه حوزه انحراف



زیر ۱۰ درصد دارند و درصد انحراف جمعیت یکی از حوزه‌های انتخابیه این استان (خوی) از میانگین صد هزار نفر به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد (جدول ۷).

جدول ۷. میزان و درصد انحراف حوزه‌های انتخابیه استان آذربایجان غربی از میانگین ۱۰۰ هزار نفر در قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر	درصد انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر
رضائیه	شهر رضائیه و بخش‌های حومه، سیلوانه و صومای برادوست.	رضائیه	۲۹۱,۸۳۶	۳ نفر	۹۷,۲۷۹	- ۲,۷۲۱	- ۲/۷
مهاباد	شهر مهاباد و بخش حومه. ^۱	مهاباد	۹۱,۹۰۲	۱ نفر	۹۱,۹۰۲	- ۸,۰۹۸	- ۸
بوکان	بخش بوکان و دهستان ایل تیمور. ^۲	بوکان	۵۹,۵۰۵	۱ نفر	۵۹,۵۰۵	- ۴۰,۴۹۵	- ۴۰/۴
خوی	شهر خوی و بخش‌های حومه و چاپپاره.	خوی	۱۵۰,۱۳۱	۱ نفر	۱۵۰,۱۳۱	+ ۵۰,۱۳۱	+ ۵۰/۱
ماکو	شهر ماکو و بخش‌های حومه، سیه‌چشمه، پلدشت	ماکو	۱۰۰,۸۵۴	۱ نفر	۱۰۰,۸۵۴	+ ۸۵۴	+ ۰/۸
میاندوآب	شهر میاندوآب و بخش‌های حومه، شاهین‌دژ، تکاب.	میاندوآب	۱۷۶,۳۶۹	۲ نفر	۸۸,۱۸۴	- ۱۱,۸۱۵	- ۱۱/۸
شاهپور	شهر شاهپور و بخش حومه.	شاهپور	۶۷,۴۰۰	۱ نفر	۶۷,۴۰۰	- ۳۲,۶۰۰	- ۳۲/۶
نقده	شهر نقده و بخش‌های حومه و اشنویه.	نقده	۶۸,۷۶۳	۱ نفر	۶۸,۷۶۳	- ۳۱,۲۳۷	- ۳۱/۲
سردشت	شهر سردشت و بخش حومه، شهر پیرانشهر و بخش حومه.	پیرانشهر	۸۰,۴۲۲	۱ نفر	۸۰,۴۲۲	- ۱۹,۵۷۸	- ۱۹/۵

استان کردستان نسبت به جمعیت خود از انحراف ۱۹,۵۷۳+ برخوردار است و درصد انحراف نسبت تعداد نماینده به جمعیت این استان ۳/۲+ درصد است. اما بررسی انحراف حوزه‌های درون این استان حاکی از این است که حوزه سقز و بانه از درصد انحراف استناداردی (۲۸/۶+) برخوردار است که انحراف بالایی است (جدول ۸).

۱. جمعیت شهرستان مهاباد ۱۵۱,۴۰۷ نفر است. از آنجا که بخش بوکان جزئی از این شهرستان بوده و خود حوزه‌ای مستقل را تشکیل می‌داده است. بنابراین جمعیت بخش بوکان و همچنین دهستان ایل تیمور از آن کسر شده است.
 ۲. جمعیت شهر بوکان در سال ۱۳۴۵، ۹۳۵۷ نفر و جمعیت روستایی این بخش ۳۲۴۱۵ نفر بوده است. جمعیت دهستان ایل تیمور ۱۷۷۳۳ نفر بوده است.

جدول ۸. میزان و درصد انحراف حوزه‌های انتخابیه استان کردستان از میانگین ۱۰۰ هزار نفر در

قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر	درصد انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر
سنندج	شهر سنندج و بخش‌های حومه میرانشاه - کامیاران	سنندج	۲۰۵,۲۴۲	۲ نفر	۱۰۲,۶۲۱	۲,۶۲۱	+ ۲/۶
مریوان	شهر مریوان و بخش‌های حومه، خامیرآباد، کلاترزان، سرشیو، سروآباد.	مریوان	۸۸,۵۱۰	۱ نفر	۸۸,۵۱۰	- ۱۱,۴۹۰	- ۱۱/۴
سقز و بانه ^۱	شهر سقز و بخش حومه، شهر بانه و بخش حومه بخش‌های پهلویدژ، الوت و نمشیر.	سقز	۱۲۸,۶۴۳	۱ نفر	۱۲۸,۶۴۳	۲۸,۶۴۳	+ ۲۸/۶
قروه	شهر قروه و بخش‌های حومه، ئیلاق.	قروه	۱۰۱,۳۷۶	۱ نفر	۱۰۱,۳۷۶	۱,۳۷۶	+ ۱/۳
بیجار	شهر بیجار و بخش حومه.	بیجار	۹۵,۸۰۲	۱ نفر	۹۵,۸۰۲	- ۴,۱۹۸	- ۴/۱

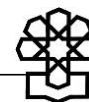
فرمانداری کل ایلام در کل نسبت به جمعیت خود از انحراف ۵۱,۶۹۳- نفری برخوردار است و نسبت تعداد نماینده به جمعیت آن نشانگر انحراف ۲۵/۸- درصدی است. بررسی انحراف جمعیت حوزه‌های انتخابیه درون فرمانداری کل ایلام درصد مشابهی را نشان می‌دهد (جدول ۹).

جدول ۹. میزان و درصد انحراف حوزه‌های انتخابیه فرمانداری کل ایلام از میانگین ۱۰۰ هزار نفر

در قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر	درصد انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر
ایلام	شهر ایلام و بخش‌های حومه، چوار شیروان، چرداول و ایوان.	ایلام	۷۵,۴۵۷	۱ نفر	۷۵,۴۵۷	- ۲۴,۵۴۳	- ۲۴/۵
دهلران و مهران	شهر دهلران و بخش‌های حومه، موسیان، زرین‌آباد ابدانان، شهر مهران و بخش‌های حومه، صالح‌آباد و ارگوازی، شهر بدره و بخش حومه و دره‌شهر،	دهلران	۷۲,۸۵۰	۱ نفر	۷۲,۸۵۰	- ۲۷,۱۵۰	- ۲۷/۱

۱. جمعیت شهرستان سقز ۹۱۹۴۶ نفر و جمعیت شهرستان بانه ۳۶۶۹۷ نفر بوده است.



فرمانداری کل سمنان در کل از انحراف ۹۲,۲۱۴- نفری برخوردار است و درصد انحراف نسبت تعداد نماینده به جمعیت این استان ۳۰/۷- است. بررسی حوزه‌های درون این استان نشانگر انحرافی از ۵/۶+ تا ۵۷- درصد است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. میزان و درصد انحراف حوزه‌های انتخابیه فرمانداری کل سمنان از میانگین ۱۰۰ هزار نفر در قانون جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)

نام حوزه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	جمعیت حوزه انتخابیه	تعداد نماینده	نسبت تعداد نماینده به جمعیت	میزان انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر	درصد انحراف از مقیاس ۱۰۰ هزار نفر
شاهرود	شهر شاهرود و بخش‌های بسطام میامی، بیارجمند و بخش حومه شاهرود.	شاهرود	۱۰۵,۶۵۶	۱ نفر	۱۰۵,۶۵۶	۵,۶۵۶	+ ۵/۶
سمنان	شهر سمنان و بخش‌های حومه، سنگسر.	سمنان	۵۹,۱۷۴	۱ نفر	۵۹,۱۷۴	۴۰,۸۲۶-	- ۴۰/۸
دامغان	دامغان و بخش‌های حومه، صیدآباد.	دامغان	۴۲,۹۵۹	۱ نفر	۴۲,۹۵۹	۵۷,۰۴۱-	- ۵۷

ب) جغرافیا

در دوره مشروطه با وجود اینکه نمایندگان مجلس شورای ملی همواره معترض ایرادهایی مانند عدم رعایت مرزهای سیاسی محلی، عدم پیوستگی جغرافیایی حوزه‌ها و سهل‌الوصول نبودن نقاط مختلف حوزه‌ها بودند (رجوع شود به پاورقی صفحه ۱۶، ۱۹، ۲۱-۲۶)؛ اما تدبیری برای مکلف کردن نهاد مسئول ترسیم حوزه‌های انتخابیه جهت رعایت عوامل جغرافیایی به‌عنوان معیاری برای حوزه‌بندی انتخاباتی، در قالب یک ماده قانونی اندیشیده نشد. در نتیجه حوزه‌بندی‌ها، به‌ویژه در ادوار ابتدایی مجلس شورای ملی اغلب با مقتضیات جغرافیایی تناسبی نداشت.

به‌خصوص عدم تطابق با مرزهای سیاسی محلی، مسئله‌ای بغرنج بود. بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۳۹، تغییرات عمیقی در سیستم تقسیمات کشوری به‌وجود آمد که دربرگیرنده الحاقات و انتزاعات متعدد و ایجاد استان‌های جدید بود اما تغییری در جدول حوزه‌های انتخابیه به‌وجود نیامد. مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای اداری همچنان در قانون جدول حوزه‌بندی انتخاباتی مصوب سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۰ تطابق نداشت. برای مثال به ذکر تنها چند نمونه از عدم تطابق مرزهای حوزه‌های انتخابیه با مرزهای سیاسی محلی آذربایجان شرقی در دوره مورد بررسی پرداخته می‌شود:

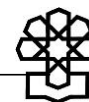
در جدول منضم به قانون سال ۱۲۹۰ و ۱۳۰۴، در ایالت آذربایجان از «خوی، ماکو، سلماس، مرند و کرکر یکانات» به‌عنوان یک حوزه انتخابیه نام برده شده است. درحالی‌که طبق منابع موجود در سال

۱۳۰۱، خوی و مرند دو ولایت مجزا بوده‌اند.^۱ در سال ۱۳۱۱، آذربایجان به دو ایالت شرقی و غربی تقسیم شد. در این تقسیم‌بندی مرند و کرکر یکانات در ایالت شرقی، خوی، ماکو و سلماس در ایالت غربی قرار گرفتند. در اولین قانون تقسیمات کشوری، مصوب آبان ۱۳۱۶ دو ایالت در هم ادغام و تشکیل استان شمال غرب را دادند. در استان شمال غرب، مرند بخشی از شهرستان تبریز را تشکیل می‌داد و خوی شهرستانی مجزا بود. در قانون تقسیمات کشوری مصوب دی ۱۳۱۶، شهرستان‌های اردبیل، اهر، تبریز، خلخال، خیاو، سراب، ماکو، مرند و میانه استان سوم، و قسمت غربی آن یعنی شهرستان‌های خوی، رضائیه، مهاباد و مراغه استان چهارم را تشکیل می‌دادند که با هم استان سوم و چهارم خوانده می‌شد. در سال ۱۳۲۵، استان‌های سوم و چهارم به یک استان واحد به نام آذربایجان تبدیل شد. در سال ۱۳۳۷، استان آذربایجان تقسیم و به دو استان آذربایجان شرقی و غربی تقسیم شد. طی این مقطع زمانی خوی، ماکو، سلماس، مرند و کرکر یکانات، همچنان یک حوزه انتخابیه را شکل می‌دادند. در واقع نقاط جزء این حوزه طی سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۳۹ در ولایت‌ها، ایالت‌ها، شهرستان‌ها و استان‌های مجزا قرار داشتند. هرچند در جدول حوزه‌های انتخابیه مصوب سال ۱۳۳۹، مرند و خوی به دو حوزه مجزا تبدیل شدند اما مسئله عدم رعایت مرزهای سیاسی محلی در این استان در جدول حوزه‌بندی مصوب سال ۱۳۳۹ و ۱۳۵۰ به قوت خود باقی ماند. برای مثال در جدول حوزه‌بندی استان آذربایجان شرقی مصوب سال ۱۳۳۹ دهستان مواضعخان که به لحاظ تقسیمات کشوری به بخش ورزقان شهرستان ارسباران متعلق بود، از لحاظ حوزه انتخابیه در حوزه تبریز قرار داشت. حوزه آستارا از شهرستان آستارا و برخی دهستان‌های شهرستان اردبیل تشکیل شده بود. شهرستان هشترود، به همراه شهر تبریز (مرکز شهرستان تبریز) یک حوزه انتخابیه واحد را تشکیل می‌داد. در حالی که از دوره دوم مجلس شورای ملی برخی نمایندگان تأکید داشتند که هشترود با توجه به جمعیت آن باید به یک حوزه مجزا تبدیل شود (رجوع شود به پاورقی صفحه ۱۱)، این مسئله تا مجلس بیست‌ودوم حل نشده باقی ماند و در نهایت در قانون مصوب سال ۱۳۵۰ هشترود به‌عنوان یک حوزه مستقل تعیین شد. در قانون مصوب سال ۱۳۵۰ در حالی که چهار شهرستان استان آذربایجان شرقی هرکدام به دو حوزه مجزا و شهرستان ارسباران (اهر) به سه حوزه مجزا تقسیم شد^۲ و به‌رغم تأکید وزارت کشور بر اینکه تقسیمات سطح استانی در حوزه‌بندی انتخاباتی رعایت شده است بخش حومه نمین از شهرستان اردبیل متعلق به استان آذربایجان شرقی با شهر آستارا (مرکز شهرستان آستارا) متعلق به استان گیلان، یک حوزه انتخابیه واحد را تشکیل داد.^۳ با وجود اعتراض‌های پیاپی برخی نمایندگان در شور نسبت به این قانون درباره عدم پیوستگی نقاط

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد روند تغییرات تقسیمات کشوری آذربایجان رجوع شود به مجیدی فرید، فاطمه، دفتر، فاطمه، ملک‌پور، جمعه (۱۳۸۸). سرگذشت تقسیمات کشوری، جلد اول، تهران، بنیاد ایران‌شناسی.

۲. شهرستان هشترود به دو حوزه هشترود و چهاراویماق؛ شهرستان مراغه به دو حوزه مراغه و بناب؛ شهرستان ارسباران (اهر) به سه حوزه اهر، ورزقان و کلیبر؛ شهرستان اردبیل به دو حوزه اردبیل و نیر؛ شهرستان مشگین‌شهر به دو حوزه مشگین‌شهر و مغان تقسیم شد.

۳. بخش آستارا در سال ۱۳۳۷ از شهرستان اردبیل منتزع و به شهرستان تبدیل شد. این شهرستان در تاریخ ۱۳۳۹/۳/۲۱ به‌موجب مصوبه دولت، شهرستان آستارا و بخش تابع آن از استان سوم منتزع و به استان یکم (گیلان) پیوست.



جغرافیایی این حوزه و عدم تطابق مرزهای حوزه با مرزهای سیاسی (رجوع شود به پاورقی صفحه ۲۴-۲۶)، - اعتراض‌هایی که در زمان تصویب قانون سال ۱۳۳۹ درباره این حوزه وجود داشت (رجوع شود به پاورقی صفحه ۲۱-۲۲) - این حوزه بین‌استانی طبق قانون شکل گرفت.

درباره مسئله سهل‌الوصول بودن حوزه‌ها باید توجه داشت که در دوره دوم مجلس شورای ملی رعایت قرب و بعد نقاط حوزه‌های انتخابیه و موانع طبیعی تحت تأثیر ملاحظاتی مانند شرایط جامعه، عدم به تعویق افتادن انتخابات و سهولت تشکیل مجلس قرار گرفت و به آن عمل نشد. با این وجود اصلاحاتی که طی دوره‌های بعدی در حوزه‌بندی انتخاباتی به وجود آمد نتوانست این معضل را به طور کامل حل کند. در قانون سال ۱۳۳۹ و ۱۳۵۰ با گرایش بیشتر به سمت حوزه‌های تک‌نماینده، حوزه‌های انتخابیه کوچک‌تر شدند و این مسئله تا حدودی رفع شد اما همچنان معضل در نظر نگرفتن عوارض طبیعی در حوزه‌بندی، انفصال جغرافیایی حوزه‌ها و فواصل زیاد میان نقاط یک حوزه وجود داشت و مورد اعتراض نمایندگان بود. از جمله می‌توان به حوزه آستارا در قوانین مصوب سال ۱۳۳۹ و ۱۳۵۰ اشاره کرد (رجوع شود به پاورقی صفحه ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶).

ج) منافع گروه‌های محلی

در حوزه‌بندی‌های انجام شده در دوره مشروطه (به‌استثنای نظام‌نامه صنفی) تلاش بر این بود که منافع گروه‌های محلی تأمین شود. اختصاص نماینده به پنج ایل عمده کشور، در نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای، به‌عنوان جوامع محلی که در آن زمان سبک زندگی عشایری و منافع خاص خود را داشتند و اختصاص یک نماینده به اقلیت آشوری‌ها در جدول حوزه‌بندی سال ۱۳۳۹، بدون در نظر گرفتن مبنای صدهزار نفر جمعیت از جمله نمادهای توجه به حقوق اقلیت‌های مذهبی در امر حوزه‌بندی بوده است.

۴-۲. مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه

در دوره مشروطه سازوکاری برای دخالت مستقیم مردم در فرایند ترسیم حوزه‌های انتخابیه شکل نگرفت. با این حال، اعتراض‌های مردم نسبت به حوزه‌بندی موجود و درخواست‌های مردم اغلب در شکل طومار، شکوائیه و تلگراف از طریق نمایندگان مردم در مجلس شورای ملی، ارائه می‌شد.

نتیجه‌گیری

نظام انتخاباتی، به‌عنوان شیوه و سازوکاری که از طریق آن آرا به کرسی‌های نمایندگی تبدیل می‌شوند، تأثیرات عمیقی بر بخش‌های گوناگون حیات سیاسی هر کشور و مسائلی مانند چگونگی انتخاب نمایندگان مردم، مبارزات انتخاباتی، رفتارهای نخبگان سیاسی و آرایش نیروهای سیاسی در کشور دارد. یکی از ابعاد مهم هر نظام انتخاباتی، حوزه‌بندی انتخاباتی (ترسیم محدوده حوزه‌های انتخاباتی و تغییر و اصلاح این محدوده‌ها طی زمان) است که فرایندی بسیار مهم و درعین حال پیچیده و حساس است.

بررسی نظام حوزه‌بندی انتخاباتی در عصر مشروطه از منظر الزامات ساختار رسمی و مجموعه قوانین مرتبط با ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، علت/علل اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه، معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه و چگونگی مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه) نشانگر نقایصی جدی است:

- نهاد مسئول طراحی اولیه مرزهای حوزه‌های انتخاباتی در دوره مشروطه هیچ‌گاه توسط قانون مشخص نشد (به‌استثنای تبصره ذیل ماده‌واحد قانون افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی، مصوب ۱۰ تیر ۱۳۴۶ و قانون تفسیر این تبصره که دولت را مکلف می‌کرد لایحه حوزه‌بندی کامل کشور را براساس نتایج سرشماری ۱۳۴۵ به مجلس ارائه کند). در ادوار ابتدایی مجلس شورای ملی عمدتاً نمایندگان مجلس شورای ملی ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه را به انجام رساندند و از مجلس شانزدهم ترسیم طرح اولیه جدول حوزه‌بندی انتخاباتی را دولت برعهده گرفت. در واقع نهاد مسئول این امر در عصر مشروطه هیچ‌گاه مستقل، بی‌طرف و غیرحزبی نبود.

- با وجود اینکه معیار ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه در دوره مشروطه (به‌استثنای نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای) عامل «جمعیت» بود، اما به دلایل مختلف حوزه‌بندی انجام شده به تأمین برابری حق رأی‌دهی در کشور منجر نشد. در ادوار ابتدایی، مجلس مهم‌ترین دلیل این مسئله نبود اطلاعات رسمی از جمعیت مناطق مختلف کشور، عدم تعیین حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده و عدم تعیین میزان انحراف مجاز جمعیت یک حوزه از یک مقیاس مشخص بود. هرچند با اصلاح ماده (۴) قانون اساسی مشروطه در سال ۱۳۳۶، مقیاس عددی «یکصد هزار نفر» برای داشتن یک نماینده تعیین شد و با برگزاری اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵، اطلاعات مربوط به جمعیت مناطق مختلف کشور جهت امر حوزه‌بندی در دسترس قرار گرفت، اما مسئله میزان انحراف مجاز از مقیاس یکصد هزار نفر همچنان مسکوت ماند. در نتیجه در دو جدول حوزه‌بندی که پس از این مقطع زمانی تدوین و تصویب شد (۱۳۳۹ و ۱۳۵۰) نیز به معیار هر یکصد هزار نفر یک نماینده نیز به‌صورت کامل عمل نشد.

- در دوره مشروطه مردم دخالت مستقیمی در فرایند ترسیم حوزه‌های انتخابیه نداشتند. با وجود اینکه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه در دوره‌های مختلف از دغدغه‌های اصلی مجلس شورای ملی بود؛ اما این نقایص سبب شد هیچ‌گاه حوزه‌بندی‌های انجام شده مطابق معیار تعیین شده در قانون نباشد. مستقل، غیرحزبی و بی‌طرف نبودن نهاد مسئول طراحی اولیه مرزهای حوزه‌های انتخابیه؛ مشخص نبودن حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده توسط قانون؛ عدم تعیین میزان مجاز انحراف جمعیت حوزه‌های انتخابیه از حداقل جمعیت برای داشتن یک نماینده توسط قانون؛ و عدم تعیین سازوکاری برای مشارکت مردم در فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه چالش‌هایی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در نظام حوزه‌بندی انتخاباتی به قوت خود باقی مانده است.



پیوست ۱. حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان در نظام‌نامه انتخابات صنفی

تعداد نمایندگان	حوزه‌های انتخابیه
شاهزادگان و قاجار ۴ نفر	تهران
علما و طلاب ۴ نفر	
تجار ۱۰ نفر	
ملاکین و فلاحین ۱۰ نفر	
اصناف ۳۲ نفر (از هر صنفی ۱ نفر)	
جمع: ۶۰ نفر	
۱۲ نفر	آذربایجان
۱۲ نفر	خراسان، سیستان، تربت، ترشیز، قوچان، بجنورد، شاهرود و بسطام
۶ نفر	گیلان و طالش
۶ نفر	مازندران، تنکابن، استرآباد، فیروزکوه و دماوند
۶ نفر	خمسه، قزوین، سمنان و دامغان
۶ نفر	کرمان و بلوچستان
۱۲ نفر	فارس و بنادر
۶ نفر	عربستان، لرستان و بروجرد
۶ نفر	کرمانشاهان و گروس
۶ نفر	کردستان و همدان
۱۲ نفر	اصفهان، یزد، کاشان، قم و ساوه
۶ نفر	عراق، ملایر، تویسرکان، نهاوند، کمره، گلپایگان و خوانسار
۱۵۶ نفر	جمع

مأخذ: ماده (۶) نظام‌نامه انتخابات صنفی مصوب ۱۹ رجب ۱۳۲۴.

پیوست ۲. جدول منضم به نظام‌نامه انتخابات دودرجه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۴/۱۰

نام حوزه انتخابیه	عده منتخبان درجه اول	عده منتخبان درجه دوم
تهران	۴۵	۱۵
آذربایجان	۵۷	۱۹
خراسان	۳۳	۱۱
سیستان و قایبات	۳	۱
فارس	۲۴	۸
بنادر و جزایر	۶	۲
کرمان	۱۵	۵
بلوچستان، بم و نرماشیر	۳	۱
استرآباد	۳	۱
اصفهان	۹	۳
بروجرد	۶	۲
خمسه و طارم	۶	۲
ساوه و زرنند	۳	۱
سمنان و دامغان	۳	۱
شاهرود و بسطام	۳	۱
عراق ^۱	۶	۲
عربستان ^۲	۹	۳
فیروزکوه و دماوند	۳	۱
قزوین	۶	۲
قم	۳	۱
کاشان، نطنز، چوشقان	۶	۲
کردستان	۹	۳

۱. منظور از عراق، اراک فعلی است.

۲. منظور از عربستان، خوزستان است.

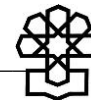


نام حوزه انتخابیه	عده منتخبان درجه اول	عده منتخبان درجه دوم
کرمانشاهان	۹	۳
گروس	۳	۱
گلیپایگان، خوانسار، کمره و محلات	۶	۲
گیلان و طوالش	۱۵	۵
لرستان	۶	۲
مازندران، تنکابن و سوادکوه	۱۲	۴
ملایر، نهاوند و تویسرکان	۶	۲
همدان، اسدآباد	۶	۲
یزد و توابع	۹	۳
شاهسون، آذربایجان	به تعیین وزارت داخله	۱
قشقای	به تعیین وزارت داخله	۱
ایلات خمسه	به تعیین وزارت داخله	۱
ترکمان	به تعیین وزارت داخله	۱
بختیاری	به تعیین وزارت داخله	۱
ملل متنوعه ارامنه، کلدانی، زردشتی، کلیمی		۱ ۱ ۱ ۱
تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی	۳۶۰	۱۲۰

(سائلی کرده ده، ۱۳۷۸ : ۱۵۷-۱۵۵)

پیوست ۳. جدول منضم به قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۱۳۹۰/۷/۲۹ (۲۹ میزان ۱۳۲۹ قمری)

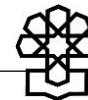
اسامی ولایات و ایالات	اسامی نقاط جزء هر حوزه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نمایندگان	
آذربایجان (۱۹ نفر)	تبریز، اوجان عباس، مهرانه‌رود، دهخوارقان، گوگان، عجب‌شیر، ارونق و انزاب، آلان براغوش، هشترود	تبریز	۹ نفر	
	اردبیل، مشکین و آستارا، نمین و لگج، خلخال، اجارود	اردبیل	۲ نفر	
	قراجه‌داغ و ایلات، خانم‌رود، بدوستان	اهر	۱ نفر	
	سراب، گرم‌رود	سراب	۱ نفر	
	مراغه، بناب، چهار اویماق و ایلات، میان‌دوآب، افشار، چهاردولی، صائن قلعه	مراغه	۲ نفر	
	ساوجبلاغ مکرری، سلدوز	ساوجبلاغ	۱ نفر	
	ارومیه و توابع	ارومیه	۱ نفر	
	خوی، ماکو، سلماس، مرند، کرکریکانات	خوی	۲ نفر	
	استرآباد (۱ نفر)	استرآباد و توابع و بندر جز	استرآباد	۱ نفر
اصفهان (۵ نفر)	اصفهان، برخوار، ماربین، بروحی رود، قهاب، کراچ، برآن، رودشتین، اردستان، مها‌آباد، قهپایه	اصفهان	۳ نفر	
	قمشہ، سمیرم، جرقویه، ابرقوه، لنجان، دهاقان، اسفرجان	قمشہ	۱ نفر	
	فریدن، چهارمحال، نجف‌آباد، کرون، دهق	نجف‌آباد	۱ نفر	
	بروجرد، سیلاخور، جاپلق، بختیاری، چهارلنگ	بروجرد	۲ نفر	
	خرم‌آباد، پیشکوه، پشتکوه	خرم‌آباد	۲ نفر	
خراسان و سیستان (۱۵ نفر)	مشهد، چناران، رادکان، بیوه‌ژن، گل‌مکان، شاندیز، درزاب، اردمه، میان‌ولایت، سرجام، تبادکان، چولانی‌خانه، اخلومه، جام، باخزر	مشهد	۴ نفر	
	کلات، درجز، سرخس	درجز	۱ نفر	
	ترشیز، کوه‌سرخ، بجستان	سلطان‌آباد	۱ نفر	
	سبزوار، مزینان، جوین، بام، صفی‌آباد، سروایت	سبزوار	۲ نفر	
	ترت حیدریه و بلوکات و مهولات خوافین	ترت	۱ نفر	
	نیشابور و توابع	نیشابور	۱ نفر	
	قوچان و شیروان	قوچان	۱ نفر	
	بجنورد، اسفراین و جاجرم	بجنورد	۱ نفر	
	طیس، تون، بشرویه، گناباد	تون	۱ نفر	
	قاینات، خوسف، نهبندان، طیس مسینا	بیرجند	۱ نفر	
	سیستان	سیستان	۱ نفر	
	خمسه (۳ نفر)	زنجان و توابع، حومه سلطانیه، ابهرود، طارمات، افشار، اریاد، انگوران، دویرن و سایر بلوکات	زنجان	۳ نفر
	سمنان و دامغان (۱ نفر)	سمنان، دامغان، جندق، بیابانک	سمنان	۱ نفر
ساوه و زرنده (۱ نفر)	ساوه، زرنده، خلجستان، مزلقانچای و توابع	ساوه	۱ نفر	



تعداد نمایندگان	مرکز حوزه انتخابیه	اسامی نقاط جزء هر حوزه	اسامی ولایات و ایالات
۱ نفر	شاهرود	شاهرود، بسطام، نردین و توابع	شاهرود و بسطام (۱ نفر)
۱۲ نفر	طهران	طهران، کن، سولقان، لواسانات، شمیرانات قصران، لورا، شهرستانک و سایر توابع	طهران (۱۵ نفر)
۱ نفر	حضرت عبدالعظیم	غار، فشافویه	
۱ نفر	ایوانکی	خوار، ورامین	
۱ نفر	کردان	شهریار، ساوجبلاغ، اشتهارد، برقان، فشد	
۱ نفر	دماوند	دماوند، فیروزکوه	
۳ نفر	سلطان آباد	سلطان آباد، کزاز، فراهان، خلجستان، تفرش، آشتیان، گرگان، شرا، بزچلو، سربند، وفس	عراق (۲ نفر)
۱ نفر	دزفول	دزفول و توابع	عربستان (۴ نفر)
۱ نفر	شوشتر	شوشتر، ناصری و توابع	
۱ نفر	محمره	محمره و فلاحیه و جراحی و سایر بنادر	
۱ نفر	بنی طرف	بنی طرف و حویزه و بساتین	
۵ نفر	شیراز	شیراز، سروستان، کویم، زرقان، دشتک، ارسنجان، مرودشت، نیریز، اصطهبانات، کازرون، خشت، بیضا، اردکان	
۱ نفر	فسا	فسا، داراب	فارس (۱۳ نفر)
۱ نفر	آباده	آباده، اقلید، بوانات	
۱ نفر	بهبهان	بهبهان، کوه کلویه	
۲ نفر	بوشهر	بوشهر، برازجان، خورموج، شبانکاره، تنگستان	
۱ نفر	لار	لار، لنگه، بستک	
۱ نفر	عباسی	عباسی، میناب، فورک، طارم	
۱ نفر	چهرم	چهرم، فیروزآباد، فراشبند	
۲ نفر	قزوین	قزوین، طالقان، خرقان، افشاریکشلو، الموت رودبار، بلوک زهرا، و ایلات و غیره	قزوین (۲ نفر)
۱ نفر	قم	قم و توابع	قم (۱ نفر)
۲ نفر	کاشان	کاشان و نطنز و جوشقان و توابع	کاشان (۲ نفر)
۳ نفر	سندج	سندج، نیلاق، اسفندآباد، چهاردولی، حسین آباد، قراتوره، ساران، هوماتو، کلاترزان، کوماسی، مریوان، اورامان، تخت زادم، کاورود، مور مور، بیلوار، امیرآباد، جوانرود، اورامان لیهون، روانسر، شادی آباد	کردستان (۴ نفر)
۱ نفر	سقز	سقز، بانه، خورخوره، تیلکوه	کرمانشاهان (۴ نفر)
۴ نفر	کرمانشاه	کرمانشاه و اطراف، ماهیدشت، دردفرمان، میاندریند، زیردریند، بلده، جلالوند، کلهر، ذهاب، کرد، قصرشیرین، سنجاپی، گوران، سنقر، کلیایی، چمچال، دینور، هرسین، بیستون، صحنه، کنکاور و سایر توابع	
۱ نفر	بیجار	بیجار و توابع	گروس (۱ نفر)
۲ نفر	کرمان	چترود، کرمان، ماهان، قناتقستان، لنگر، سراسیابین، هوتک، جوپار، باغین، کویرات، کوهپایه، خبیص، تکابات، کشیت، سیرج، کوک، راور	رفسنجان، انار، نوق، زرنده، کوهینان، خانامان
۱ نفر	رفسنجان	رفسنجان، انار، نوق، زرنده، کوهینان، خانامان	

تعداد نمایندگان	مرکز حوزه انتخابیه	اسامی نقاط جزء هر حوزه	اسامی ولایات و ایالات
۱ نفر	سیرجان	سیرجان و ایلات سته، پاریز، بردسیر، اقطار، ایل افشار، ایل لک، بزنجان، ارزویه، رابر، قریه‌العرب	کرمان و بلوچستان (۷ نفر)
۱ نفر	بم	راین، تهرود، بم، نرماشیر، ریگان	
۱ نفر	جیرفت	جیرفت اسفندقه، جبال بارز، رودبار، ساردویه، مهنی	
۱ نفر	فهرج	بلوچستان	
۱ نفر	گلپایگان	گلپایگان و خوانسار	گلپایگان و خوانسار و کمره و محلات (۲ نفر)
۱ نفر	محلات	کمره، سایرالبوک، محلات	
۲ نفر	رشت	رشت و توابع، رحمت‌آباد، رودبار	گیلان (۶ نفر)
۱ نفر	انزلی	انزلی، غازیان و توابع و تولم	
۱ نفر	گرگانرود	خمسه طوالش، ماسوله	
۱ نفر	فومن	فومن، شفت، کسکر	
۱ نفر	لاهیجان	لاهیجان، لنگرود، رودسر، دیلمان، عمارلو	
۲ نفر	ساری	ساری، اشرف، سوادکوه، بندپی، علی‌آباد، دودانگه، چهاردانگه	مازندران (۵ نفر)
۳ نفر	بارفروش	بارفروش، آمل، مشهدسر، لاریجان، نور، کجور، کلاردشت، کلارستاق	
۲ نفر	دولت‌آباد	ملایر و توپسرکان، نهاوند	ملایر و توپسرکان (۲ نفر)
۲ نفر	همدان	همدان، دردب، بلوک مهربان، بلوک سردرود، بلوک حاجیلو، بلوک عاشقلو، خدا بنده‌لو، محال اسدآباد	همدان (۲ نفر)
۳ نفر	یزد	یزد، حومه، اردکان، کزاب، رستاق، اشک‌زر، میبد، ندوشن، مهریز، هرات، مروست، بافق، بهاباد، شهر بابک، تفت، پیشکوه، پشت کوه، میان کوه	یزد (۴ نفر)
۱ نفر	نائین	نائین، بافران، محمدیه، عقدا، انارک	
۱ نفر	به تعیین وزارت داخله	بختیاری	ایلات (۵ نفر)
۱ نفر		شاهسون آذربایجان	
۱ نفر		ترکمان یموت و کوکلان	
۱ نفر		قشقایی	
۱ نفر		ایلات خمسه فارس	
۱ نفر	به تعیین وزارت داخله	ارامنه آذربایجان و کلدانیان	ملل متنوعه (۴ نفر)
۱ نفر		ارامنه نقاط جنوب	
۱ نفر		زردشتی	
۱ نفر		کلیمی	
۱۳۶		جمع	

مأخذ: مجموعه مصوبات دوره دوم قانونگذاری.



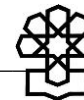
پیوست ۴. جدول منضم به قانون اصلاح مواد (۴۵-۴۲-۴۱) قانون انتخابات (مصوب ۱۰ مهرماه ۱۳۱۳)

ترتیب	شرح	عده نمایندگان	مرکز انتخابیه
۱	در ایالت آذربایجان حوزه واحده اردبیل و متکین مبدل به سه حوزه می شود به طریق ذیل: اسامی نقاط جزء: اردبیل، نمین، اجارود، ولکج، آستارا متکین، متان، پله سوار خلخال، کاغذ کنان، خورشید کنان و توابع آن	۱ ۱ ۱	اردبیل خیابو مرآباد
۲	در ایالت فارس اول- حوزه واحده جهرم و فراشیند و فیروزآباد مبدل به دو حوزه می شود به طریق ذیل: اسامی نقاط جزء: جهرم، بلوک جلگه، بلوک کردبان فیروزآباد، فراشیند، خنج، محال اربعه، افزر، قیر، کازرین دوم- به حوزه فسا و داراب که یک نفر از نماینده داده شده یک نفر نماینده افزوده می شود و دارای دو نماینده خواهد بود، تبریز و اصطهبانات از حوزه شیراز خارج و به حوزه فسا افزوده می شود به طریق ذیل: اسامی نقاط جزء: فسا، داراب، اصطهبانات، تبریز	۱ ۱ ۲	جهرم فیروزآباد فسا
۳	دو حوزه انتخابیه جدید تأسیس می شود به شرح ذیل: اول- دشت گرگان، گنبد قابوس، گمش تپه دوم- چهار محال از حوزه انتخابیه نجفآباد موضوع و حوزه مستقل خواهد شد اسامی نقاط جزء: چهارمحال، پشتکوه، میانکوه، حلو سعد، چغاخور، جانکی، سردسیر، شوراب، زرین، بازفت، خانه میرزا	۱ ۱	گنبد قابوس شهرکرد
۴	در جدول حوزه انتخابیه سیرجان لفظ ایلات سته و ایل افشار و لک حذف می شود.		

مأخذ: مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره نهم تقنینیه مجلس شورای ملی.

پیوست ۵. جدول منضم به قانون راجع به جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۳۹)

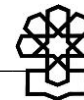
نام حوزه انتخابیه	نقاط جزء حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
آذربایجان			
تبریز	شهر تبریز با دهستان‌های: سردصحر، شورکات، رودق‌ات تبریز، باسمنج و مهرانرود، شبستر و اروئق و انزاب، هریس و خانرود و بدوستان مواضعخان، گاوکان، آذرشهر، بستان‌آباد و اوجان‌عباس، آلان برآغوش، اسکو، شهرستان هشترود با توابع و بخش چهاریماق	تبریز	۹ نفر
اردبیل	شهر اردبیل و حومه (اطراف شهر) با دهستان‌های دورسن خواجه‌لو (مرکز آن‌نیر) و دهستان یورتچی (جن قشلاقی و قره‌شیران) دهستان‌های فولادلو (مرکز هیر)	اردبیل	۱ نفر
آستارا	شهر آستارا با بخش ولگیج (مرکز آن‌نمین) و دهستان‌های شرقی و غربی مشتمل بر عنبران و امین‌جان و دهستان‌های شمالی اردبیل (مرکز ثمرین و کندشمین) و دهستان‌های تکل (مرکز سرعین)	آستارا	۱ نفر
ارسباران	شهر اهر با دهستان‌های: دودانگه، چهاردانگه، دیگله، یافت و ورگهان، ورزقان و ازمدل	اهر	۱ نفر
کلیدر	دهستان‌های کلیدر، میشه‌پاره، گرمادوز، حسن‌آباد، منجوان کیوان، دیزمار	کلیدر	۱ نفر
خلخال	شهر هروآباد با بخش‌های کاغذکنان، سنجد، شاهرود، خورش‌رستم	هروآباد	۱ نفر
سراب	شهر سراب با حومه و توابع	سراب	۱ نفر
مراغه	شهر مراغه با دهستان‌های دیزج‌رود، سراجو، قوری‌چای	مراغه	۱ نفر
بناب	بناب و دهستان‌های بناجو، گاودول	بناب	۱ نفر
مرند	شهر مرند با دهستان‌های: علمدار، گرگریکانات، جلفا، زنوز، هرزندات و رودق‌ات مرند	مرند	۱ نفر
مشگین‌شهر	شهر خیاو با دهستان‌های مشکین غربی و شرقی، طوایف	خیاو	۱ نفر
مغان	دهستان‌های مغان، گرمی، اجارود، انگوت، برزندارشق	گرمی	۱ نفر
میانه	شهر میانه و دهستان‌های اوج‌تپه، کله‌پوز، کندوان، گرم، ترکمان، یروانان	میانه	۱ نفر
رضائیه	شهر رضائیه با دهستان‌های حومه و اطراف شهر، بگشلوچای، روضه‌چای انزل، نازلوچای، باراندوزچای	رضائیه	۱ نفر
خوی	شهر خوی با دهستان‌های قره‌ضیاءالدین، چای‌پاره: ایواوغلی، سکمن‌آباد‌الند، فیرورق، ولدیان، رهال، قطور	خوی	۱ نفر
شاپور و قوچی	شهر شاپور با دهستان‌های: حومه لکسان، چه‌ریق، کره سنی، شنتال، کردیان، شیپران، سومای، برادوست	شاپور	۱ نفر
ماکو	شهر ماکو با دهستان‌های اواجیق، قره‌قیون، قلعه دره سی، پلدشت، چای‌باسار، گجلرات، به‌به‌جک، چالدران	ماکو	۱ نفر
مهاباد	شهر مهاباد با دهستان‌های شهرویران، منگور، اختاجی غربی	مهاباد	۱ نفر
بوکان	قصبه بوکان و دهستان‌های اختاجی شرقی، بهی، گورک‌مکری، ایل تیمور، بخش سردشت	بوکان	۱ نفر
میاندوآب	شهر میاندوآب با دهستان‌های مرحمت‌آباد تکاب، شاهین دژه‌گوی آغاج آجرلو، چهاراولی	میاندوآب	۱ نفر
نقده	دهستان‌های سلدوز، اشنویه، دشت‌پیل، دشت سیلوانا، ترگور، پیران کهنه‌لاهیجان، مامش، مرگور.	نقده	۱ نفر
خراسان			
مشهد	شهر مشهد با دهستان‌های درزاب، جولانی: رادکان، بیزدکی: شاندیز، گلمکان، طریقه، اردمه، فریمان، سرجام، پایین ولایت، بیوه‌زن، تبادکان، میان ولایت، چناران سرخس	مشهد	۵ نفر
تربت جام	شهر تربت‌جام با دهستان‌های حومه، میان‌جام، پایین‌جام، تایباد، پایین ولایت، بالا ولایت، میان‌ولایت، جنت‌آباد، زورآباد	تربت‌جام	۱ نفر
درگز	شهر درگز با دهستان‌های محمدآباد، حومه، چاپشلو، قره‌باشلو، میان‌کوه، بخش کلات، بخش لطف‌آباد، بخش نوخندان	درگز	۱ نفر



نام حوزه انتخابیه	نقاط جزء حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
کاشمر	شهر کاشمر با دهستان‌های حومه، باولایت، ریوش و کوه سرخ، بردسکن کنارشهر و کوهپایه خلیل‌آباد ورستاق، شطراز، برکال.	کاشمر	۱ نفر
سبزوار	شهر سبزوار با دهستان‌های: قصبه، تکاب، طبس، کراب، داورزن، مزینان، کاه‌باشتن، فروغن، خواشد، تکاب کوه‌میش، زمج، ربع شامات شامکان	سبزوار	۱ نفر
جویین	بخش جغتای (پایین جویین، بالا جویین، براکوه، نقاب) بام و صفی‌آباد، بخش اسفراین، بخش سروالایت	جغتای	۱ نفر
ترت حیدریه	شهر ترت حیدریه با دهستان‌های پایین‌ولایت، بالا‌ولایت، بایک، کدکن، بالارخ، پایین‌رخ	ترت حیدریه	۱ نفر
خواف	بخش فیض‌آباد و محولات، بخش رشت‌خوار، بخش خواف، دهستان زاوه	خواف	۱ نفر
نیشابور	شهر نیشابور و بخش‌های تخت جلگه و حومه و زیرخان	نیشابور	۱ نفر
قوچان	شهر قوچان بانضمام دهستان‌های حومه، جعفرآباد، فاروج	قوچان	۱ نفر
شیروان	دهستان‌های باغان، گلینان، زیارت، دوین، تکمران، اوغاز، پیچرانلو، قوشخانه، خرق، شیرغان	شیروان	۱ نفر
بجنورد	شهر بجنورد با حومه، چناران و گرمخان، کسبایر، سملقان، کیفان، رازوچر کلان، شغان، سنخواست، جاجرم، مانه و پیش‌قلعه امندواینچه، نردین	بجنورد	۱ نفر
گناباد	شهر گناباد با بخش و حومه (جلگه)، بخش بجنستان، بخش کاخک	جویمند	۱ نفر
فردوس	شهر فردوس و دهستان‌های حومه، سراپان، بشرویه، بخش طبس	فردوس	۱ نفر
بیرجند	شهر بیرجند با دهستان‌های مومن‌آباد، طبس، مسینا، خوسف، قیس‌آباد، براکوه، نهبندان، عرب‌خانه	بیرجند	۱ نفر
قاین	قصبه قاین با دهستان‌های القور، زیرکوه، شاخن، قاینات، پیشکوه، نیم‌بلوک، زهان مرکز حوزه انتخابیه:	قاین	۱ نفر
فارس و بندر			
شیراز	شهر شیراز با دهستان‌های: حومه کوهمره، سیاخ، زرقان، کربال، مشهدالنبی، کمین، ارسنجان و توابع، مرودشت، خفرک، سروستان، کواربخش بیضر (اردکان و توابع)، ممسنی، (سی‌سخت) سررود، دشت روم	شیراز	۵ نفر
کازرون	شهر کازرون با دهستان‌های: شاپور جزه و فامور، کوهمرنودان، ماهور کنارتخته، کمارج، خشت	کازرون	۱ نفر
فیروزآباد	شهر فیروزآباد دهستان‌های: قیر و کارزین، خنج	فیروزآباد	۱ نفر
آباده	شهر آباده با دهستان‌های اقلید، سمیرم علیا، ابرقو، بوانات	آباده	۱ نفر
فسا	شهر فسا با دهستان‌های: رونیر علیا ششده و جنگل، حومه، نوبندگان، زاهدان شیب کوه و قره‌بلاغ صحرا رود	فسا	۱ نفر
داراب	شهر داراب با دهستان‌های رودبال، هشیوار: شاه‌یجان، قره‌الخیر فسارود، سرکوه خسویه، حاجی‌آباد، رستاق، ایزدخواست، فرک، آب‌شور، تنگ رودبال	داراب	۱ نفر
اصطهبانات و نیریز	اصطهبانات با دهستان‌های خیر، سرچهان، ایج، هرگان، نیریز با دهستان‌های حومه پشت کوه رستاق، آباده‌طشک	اصطهبانات	۱ نفر
لار	شهر لار به انضمام بخش حومه، بخش جویم، بخش اوز، دهستان اشکنان،	لار	۱ نفر
بندر لنگه	شهر بندرلنگه و حومه بخش شیب‌کوه، بخش بستک، بخش گاویندی	بندرلنگه	۱ نفر
بوشهر	شهر بوشهر و حومه، چاه کوتاه، گله‌دار، کنگان، بندرک ۱، گناوه حیات داود، رودحله، دیلم، لیراوی، چغاوک، سبزآباد، هلیله، خارک، خارکو	بوشهر	۱ نفر
دشتستان	بrazجان، حومه، زیارت، دالکی، زیرراه، مزارعی، شبانکاره بوشکان، انکالی، کیگان، تنگستان، دشتی	بrazجان	۱ نفر
چهرم	شهر چهرم به انضمام بخش‌های: حومه، کردیان، صیمکان، خفر.	چهرم	۱ نفر

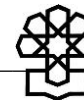
۱. به نظر می‌رسد منظور بندر ریگ است.

نام حوزه انتخابیه	نقاط جزء حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
	کرمان و بندرعباس		۹ نفر
کرمان	شهر کرمان، بخش شهداد، بخش راور، بخش ماهان، بخش زرنند	کرمان	۲ نفر
رفسنجان	شهر رفسنجان با دهستان‌های: حومه، نوق، کشکوتیه، انار خنامان	رفسنجان	۱ نفر
بم	شهر بم با دهستان‌های: حومه، رابن، ریگان، نماشیر (فهرج) دهکبری که مرغک و دامنه از توابع آن است	بم	۱ نفر
جیرفت	سبزواران و بخش‌های جبال بارز، رودبار، اسفندقه، ساردوتیه، کهنوج	سبزواران	۱ نفر
سیرجان	شهر سیرجان با دهستان‌های حومه، پاریز، قهستان، نصرت‌آباد زیدآباد ملک‌آباد، بلورد، چهارگنبد، تنگوتیه، کوه پیچ	سیرجان	۱ نفر
بافت	دهستان‌های بافت، جمیل‌آباد، فتح‌آباد، بزنجان، دهرسد، دشت‌آب کوشک، سیاه‌کوه، صوغان، ارزوئیه، گوغر، هشون، کیسکان، بردسیر (مشیز) رابر	بافت	۱ نفر
بندرعباس	شهر بندرعباس با دهستان‌های احمدی طارم، اسیان، فارغان درآگاه‌سیاهو، رضوان، فین، شمیل، تخت، سعادت‌آباد و حاجی‌آباد بندر خمیر، قشم	بندرعباس	۱ نفر
میناب	دهستان‌های تیاب، رودان، رودخانه در، بیابان، جاسک و شرقی، بشاگرد، جزایر بحرعمان	میناب	۱ نفر
	اراک		۳ نفر
اراک	شهر اراک، بخش حومه دهستان‌های مشک‌آباد و سده، دهستان‌های قره‌کهریز و قسمت اول فراهان که قصبه فرمهین جزء آن است	اراک	۱ نفر
شاهزند	شاهزند، دهستان کزاز، بخش سربند (هندرود دربند) دهستان شراعلیا و سفلی	شاهزند	۱ نفر
تفرش	قصبات قم و ترخوران، دهستان‌های رودبار، آشتیان، بزچلو قسمتی از بخش خلجستان، قسمت دوم فرمان، دهستان وفس	ترخوران	۱ نفر
	اصفهان و بختیاری		۱۴ نفر
اصفهان	شهر اصفهان و جرقویه	اصفهان	۲ نفر
برخوار	دهستان‌های برخوار، میمه، جی، براآن، قهاب، کرارج، رودشتین	دولت‌آباد	۱ نفر
ماربین	بخش ماربین (سده)	همایونشهر	۱ نفر
لنجان	دهستان‌های فلاورجان، مبارکه، لنجان، ریز، باغبادران	فلاورجان	۱ نفر
اردستان	شهر اردستان با دهستان‌های: حومه علیا و سفلی، ریگستان، گرمسیر نیسیان، برزاوند	اردستان	۱ نفر
فریدن	داران، دهستان‌های ورزق، کرچمپو، پشتکوه و پسکوه موگوئی گرجی، چناررود چهارلنگ و چادگان	داران	۱ نفر
شهرضا	شهرضا، دهستان‌های حومه علیا و سفلی، دهقان، سمیرم سفلی	شهرضا	۱ نفر
نجف‌آباد	شهر نجف‌آباد، دهستان‌های عربستان و کرونین	نجف‌آباد	۱ نفر
نائین	شهر نائین، دهستان‌های انارک، خور و بیابانک	نائین	۱ نفر
شهرکرد	شهرکرد، دهستان‌های میزدج، لار، کیار	شهرکرد	۱ نفر
بروجن	شهر بروجن - سه دهستان (جانکی، خانمیرزا، فلارد)، بخش گندمان	بروجن	۱ نفر
ایذه	شهر ایذه، دهستان باغ‌ملک، دهستان جانکی دهدزو، دنباله‌رود (و اندیکا)	ایذه	۱ نفر
اردل	اردل، پیشکوه و پسکوه، تنگ‌گزی، (شوراب) بافت، دیناران دوآب، چغاخور (بختیاری)	اردل	۱ نفر
	بروجرد و خرم‌آباد و الیگودرز و گلپایگان		۶ نفر
خرم‌آباد	شهر خرم‌آباد بخش‌های حومه، زاغه، چقلوندی، سلسله و الشتر چکنی و ویسیان	خرم‌آباد	۱ نفر



نام حوزه انتخابیه	نقاط جزء حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
طرهان	بخش دلفان، بخش طرهان، بخش دوره	کوهدشت	۱ نفر
ملاوی	بخش‌های الوار گرمسیری، ملاوی، پایی دره‌شهر (صیمره)	پل دختر	۱ نفر
بروجرد	شهر بروجرد و حومه، بخش درود، بخش اشترینان (سیلاخور علیا و سفلی)	بروجرد	۱ نفر
الیگودرز	شهر الیگودرز، بخش حومه، بخش جاپلق، بربرود، دلقی	الیگودرز	۱ نفر
گلپایگان	شهر گلپایگان، بخش و حومه و بخش خوانسار	گلپایگان	۱ نفر
تهران و شهرستان‌های اطراف آن			
تهران	شهر تهران، تهران‌نو، تهران‌پارس، نارمک یوسف‌آباد، جوادیه	تهران	۱۵ نفر
شهر ری	شهر ری، بخش حومه، بخش غار و فشافویه	شهر ری	۱ نفر
شمیرانات	تجربش و توابع، لواسانات، رودبار قصران، کن ارنگه، و کن تهران	تجربش	۱ نفر
دماوند	شهر دماوند و توابع، بخش فیروزکوه	دماوند	۱ نفر
کرج	شهر کرج، بخش ساوجبلاغ، بخش اشتهارد بخش شهریار	کرج	۱ نفر
ورامین و ایوانکی	گرمسار، بخش ایوانکی، بخش ورامین	گرمسار	۱ نفر
محلات	محلات با بخش‌های حومه، دلیمان، خمین و توابع	محلات	۱ نفر
ساوه	شهر ساوه با بخش‌های حومه، نوبران، زرد، خرقان، جعفرآباد	ساوه	۱ نفر
قم	شهر قم و دهستان‌های: قنوت، قمرود، کهک، نیزار، قهستان، راونج، قسمتی از خلیجستان	قم	۱ نفر
قزوین	شهر قزوین و دهستان‌های: اقبال، فشکلدره، دشت‌آبی، بشاریات بخش طالقان	قزوین	۱ نفر
رامند	دهستان‌های: تاکستان، رامند، افشاریه، زهرا، آوج، خرقان غربی و شرقی، دودانگه	ضیاء‌آباد	۱ نفر
رودبار و الموت	دهستان‌های: رودبار الموت، قاقازان غربی و شرقی، ایلات قاقازان طارم سفلی	معلم کلایه	۱ نفر
شاهرود	شهر شاهرود، بخش‌های حومه، بسطام، بیارجمند، میامی، طرود	شاهرود	۱ نفر
سمنان و دامغان	شهر سمنان با بخش حومه و بخش سنگسر، شهر دامغان با بخش‌های حومه، صیدآباد (امیرآباد)	سمنان	۱ نفر
جزایر متعلق به ایران در خلیج فارس			
جزایر متعلق به ایران در خلیج فارس	جزایر متعلق به ایران در خلیج فارس	به تشخیص وزارت کشور	۲ نفر
خوزستان			
اهواز	شهر اهواز با دهستان‌های: باوی، نهرهاشم، میان آب	اهواز	۲ نفر
آبادان	شهر آبادان و بخش قصبه	آبادان	۲ نفر
بندر معشور	بندر معشور، بندر شاهپور، بخش هندیجان	بندر معشور	۱ نفر
خرمشهر	شهر خرمشهر، فیاضی، حفار، قلیه، کوت شیخ، صلبوخ، شادکان	خرمشهر	۱ نفر
شوشتر	شهر شوشتر با دهستان‌های گندزلو، خران، میان‌آب، گتوند، عقیلی، دیمچه سردارآباد، شاه‌ولی	شوشتر	۱ نفر
مسجدسلیمان	شهر مسجدسلیمان، دهستان‌های لالی، ترکدز، جهانگیری، لبری، توپزان	مسجدسلیمان	۱ نفر
بهبهان	بهبهان و حومه منصوریه و دودانگه و توشان بلوک زیدون، سردشت و چم و درونک، آغاچاری و امیدیه	بهبهان	۱ نفر

نام حوزه انتخابیه	نقاط جزء حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
کپه‌کیویه	دهستان‌های باشت، چرام، طسوج، بویراحمد، طیبی، دشمن زیاری، بهمینی، ابوالفارس، گچساران	چرام (تلگرد)	۱ نفر
رامهرمز	شهر رامهرمز، بخش حومه بخش هفتگل، دهستان جراحی، دهستان جایزون	رامهرمز	۱ نفر
دزفول	دهستان‌های سوارناظر، شمعون، قیلی، شرقی، زاویه‌ها	دزفول	۱ نفر
شوش	شوش، حسین‌آباد، بن‌معل، اندیمشک، چنانه، بخش سردشت (دهستان‌های شهی، لبوس، سردشت، میانکوه)	اندیمشک	۱ نفر
دشت‌میشان	سوسنگرد و بخش‌های: حومه موسیان، هویزه، بستان	سوسنگرد	۱ نفر
زنجان			
زنجان	شهر زنجان، قصبه قیدار و دهستان‌های: حومه سجاس رود سلطانیه	زنجان	۱ نفر
ابه‌ر	قصبه ابهر. دهستان‌های ابهررود، خرم‌رود، خدابنده‌لو، سهررود	ابه‌ر	۱ نفر
طارم	دهستان‌های طارم علیا، زنجان‌رود، چای‌پاره، قره‌پشلو غنی بیک‌لو	ارمغانخانه	۱ نفر
ماه‌نشان	دهستان‌های: انگوران، اورباد، قزل‌گیچی‌لو، ایچرود، گرماب، بزینه‌رود	دندی	۱ نفر
سیستان و بلوچستان			
زابل	شهر زابل دهستان‌های: حومه. میان‌کنگی، ناروئی، شهرک پشت‌آب، شیب‌آب	زابل	۱ نفر
زاهدان	شهر زاهدان. حومه. میرجاوه، خاش، شهر سراوان، زابلی سبب و سوران، جالق و کوهک، نصرت‌آباد	زاهدان	۱ نفر
ایرانشهر	ایرانشهر. حومه. بزمان، دلکان، کمپور، سرباز فوج، بنت، لاشار، چامپ، چاه‌بهار، حومه نیک‌شهر، دشت‌باری، راسک، پیشین هیچان	ایرانشهر	۱ نفر
کاشان			
کاشان	شهر کاشان و حومه: بخش قمصر بخش آران (کوپرات)	کاشان	۱ نفر
نطنز	نطنز و حومه و توابع و جوشقان قالی	نطنز	۱ نفر
کردستان			
سنندج	شهر سنندج و حومه. قروه، چهاردولی، کرفتو، ایران‌شاه دیواندره، تیلکوه، کامیاران سورسور، ژاوه رود، بیلوار کردستان، گاور دوامیرآباد، حسن‌آباد حسین‌آباد نیلاق، اسفندآباد	سنندج	۲ نفر
مریوان	دژشاهپور. بخش‌های: اورامان تخت، سرشیو، مریوان، خاوه و امیرآباد، اوباتو، قراتوره، سارال، کلاترزان	دژشاهپور	۱ نفر
پاوه	اورامان لهنون، پاوه، روانسر، جوانرود، نوسود، شادی‌آباد، دزلی و سایر توابع پلنگان، شاهینی، میان‌دریند کردستان	پاوه	۱ نفر
سقز و بانه	شهر سقز و توابع و دهستان‌های تورجان به انضمام شهرستان بانه و توابع	سقز	۱ نفر
بیجار - گروس	شهر بیجار و بخش‌های حومه. کرانی، خسروآباد، پیرتاج گاوبازه سیاه منصور، سیلتان، نجف‌آباد	بیجار	۱ نفر
کرمانشاهان			
کرمانشاه	شهر کرمانشاه و دهستان‌های: پاپروند، سنجایی، ماهی‌دشت کرمانشاه، جلال‌وند، عثمانوند، زردلان، هلیلان	کرمانشاه	۲ نفر
سنقر	قصبه سنقر و دهستان‌های کلیائی. فله‌گری، رازیان، بیلوار کرمانشاه، دینور و کندوله	سنقر	۱ نفر
کنگاور	قصبه کنگاور، قصبه صحنه، قصبه هرستین، دهستان‌های خدابنده‌لو چمچمان، دروفرمان میان‌دریند بالادربند	کنگاور	۱ نفر
شاه‌آباد	شهر شاه‌آباد و حومه، شیان، هرسم، کمره، منصوری، حسن‌آباد ایوان، ماهی‌دشت، شاه‌آباد، بخش کرد، گیلانغرب	شاه‌آباد	۱ نفر
قصرشیرین	شهر قصرشیرین و بخش‌های حومه، پل ذهاب، سومار و نفت‌شاه	قصرشیرین	۱ نفر



نام حوزه انتخابیه	نقاط جزء حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
ایلام	شهر ایلام و بخش های حومه، آبدانان، دهلران، مهران، چوار صالح آباد، بدره، زرین آباد، شیروان، چرداول	ایلام	۱ نفر
گیلان			
رشت	شهر رشت و حومه غربی و شرقی، لشت نشاء، خام، خشکه بیجار، کوچصفهان، سنگر و کهدمات پسی خان، لاکان، پيله بازار	رشت	۲ نفر
رودبار	دهستان های رودبار، رستم آباد، رحمت آباد، عمارلو، فاراب، خرگام، جیرنده منجیل لوشان	رودبار	۱ نفر
بندر پهلوی	شهر بندر پهلوی و حومه، چهارفریضه، غازیان	بندر پهلوی	۱ نفر
لاهیجان	شهر لاهیجان. حومه و دهستان های لقمجان، بخش آستانه، بخش حسن کیاده، رودبنه، دهشال، بخش سیاهگل	لاهیجان	۱ نفر
لنگرود	شهر لنگرود و حومه و دهستان املش	لنگرود	۱ نفر
فومن	شهر فومن و حومه، دهستان های مرکزی شفت، ماسوله	فومن	۱ نفر
صومعه سرا	شهر صومعه سرا و حومه، تولمات و گسگر، کسما	صومعه سرا	۱ نفر
طوالش	دهستان های کرکانرود (هشتپر)، اسلم، طالش دولاب، گیل دولاب، ماسال، شاندارمن	هشتپر	۱ نفر
رودسر	شهر رودسر و دهستان های: پلورد سیارستاق، سیارستاق قشلاق، سیاهکل رود، اشکور، علیا و سفلی، کوشان سماس	رودسر	۱ نفر
مازندران و گرگان			
ساری	شهر ساری. بخش حومه، بخش دودانگه، دهستان های چهاردانگه، سورتچی، چهاردانگه هزار جریبی، کیاسر	ساری	۲ نفر
بابل	شهر بابل و دهستان های: بیشه، جلال ازک، لاله آباد، ساسی کلام مشهد گنج افروز، بابلسر و حومه، پاراواد، رودبست بانصر، مقری گلا، بندپی	بابل	۲ نفر
آمل	شهر آمل و بخش لاریجان و دهستان های دشت سر، چلاوقله کش، بالاخیابان، دایو، هرازی، محمودآباد (اهلمرستاق)	آمل	۱ نفر
بهشهر	بهشهر و حومه و دهستان های: قره طغان، گلباد، یخکش، گلوگاه، پنجهازار، چهاردانگه شهریاری، یانه سر	بهشهر	۱ نفر
شهرسوار	شهر شهرسوار و بخش حومه، بخش رامسر، دهستان خرم آباد شهرسوار	شهرسوار	۱ نفر
نوشهر	شهر نوشهر و بخش چالوس، بخش کلاردشت و شهرستان نور و بخش های آن، دهستان های: کجور، کران، خیرود کنار، چلیندر	نوشهر	۱ نفر
شاهی	شهر شاهی و دهستان های: علی آباد، بیشه سر، بالاتجن، طالارپی، نوکندکا، پل سفید، سوادکوه، شیرگاه، گیلخواران، بابل کنار، کیاکلا (جویبار)	شاهی	۱ نفر
گرگان	شهر گرگان و بخش های حومه، علی آباد کتول، گردکوی، بندرگز	گرگان	۱ نفر
دشت گرگان	(یموت) شهر گنبدکاووس، بخش پهلوی دژ، بندرشاه، داشبرون، گومیشان	گنبدکاووس	۱ نفر
مینودشت (کوکلان)	بخش مینودشت و کوه سارات، بخش رامیان، بخش مراوه تپه دهستان کلاله	مینودشت	۱ نفر
همدان و ملایر			
همدان	شهر همدان	همدان	۱ نفر
بهار	بخش سیمینه رود و چهاربلوک	بهار	۱ نفر
اسدآباد	بخش اسدآباد، دهستان های خدابنده لو و مهربان	اسدآباد	۱ نفر
رزن	بخش های رزن، شروا پیشخور، دهستان حاجیلو	رزن	۱ نفر
ملایر	شهر ملایر و دهستان های حومه: سامن، کماران، ترک آوزرمان شور	ملایر	۱ نفر
نهادند	شهر نهادند و دهستان های حومه و حزل.	نهادند	۱ نفر
تویسرکان	شهر تویسرکان و دهستان های حومه: سرکان، خرم رود، گرزان رود، قلقل رود	تویسرکان	۱ نفر

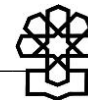
نام حوزه انتخابیه	نقاط جزء حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
	یزد		۳ نفر
یزد	شهر یزد و حومه.	یزد	۱ نفر
اردکان	دهستان‌های میبد، کذابات، ندوشن، رباطات و خرائق، رستاق و اشکذر، نیر (پشت‌کوه) اردکان عقدا	اردکان	۱ نفر
تفت	دهستان‌های تفت و پیشکوه، مهریز و بغدادآباد، میانکوه، بافق بهاباد، شهربابک، هرات، مروست	تفت	۱ نفر
	اقلیت‌های مذهبی		۵ نفر
ارامنه نقاط مرکزی و شمال	مرکز حوزه انتخابیه: به تعیین وزارت کشور		۱ نفر
ارامنه نقاط جنوب	مرکز حوزه انتخابیه: به تعیین وزارت کشور		۱ نفر
زردشتی	مرکز حوزه انتخابیه: به تعیین وزارت کشور		۱ نفر
کلیمی	مرکز حوزه انتخابیه: به تعیین وزارت کشور		۱ نفر
آشوری و کلدانی	مرکز حوزه انتخابیه: به تعیین وزارت کشور		۱ نفر
	جمع		۲۰۰ نفر

مأخذ: مجموعه قوانین سال ۱۳۳۹ (نشریه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران)، وزارت دادگستری.

پیوست ۶. حوزه‌های مشمول افزایش نماینده طبق قانون افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای ملی (مصوب ۱۰ تیر ۱۳۴۶)

نام حوزه انتخابیه	تعداد نمایندگان اضافه شده
تهران	۱۲ نفر
تبریز	۲ نفر
شیراز	۱ نفر
مشهد	۱ نفر
اصفهان	۱ نفر
اهواز	۱ نفر
جمع	۱۹ نفر

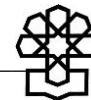
مأخذ: مجموعه قوانین سال ۱۳۴۶ (نشریه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران)، وزارت دادگستری.



پیوست ۷. جدول منضم به قانون جدول جدید انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۵)

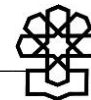
ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
استان آذربایجان شرقی				
۱	تبریز	شهر تبریز، بخش‌های حومه، اسکو، آذرشهر، بستان‌آباد، هریس، شبستر	تبریز	۹ نفر
۲	هشتروند	شهر هشتروند، بخش حومه	سراسکند	۱ نفر
۳	چارایماق	بخش چارایماق	قره آغاچ	۱ نفر
۴	مراغه	شهر مراغه، بخش‌های حومه و عجبشیر	مراغه	۲ نفر
۵	بناب	بخش‌های بناب و ملک‌کندی	بناب	۱ نفر
۶	اهر	شهر اهر و بخش‌های حومه و هوراند	اهر	۱ نفر
۷	ورزقان	دیزمار شرقی و غربی، ازومدل شمالی و جنوبی مواضعخان	ورزقان	۱ نفر
۸	کلیبر	بخش‌های کلیبر و خداآفرین	کلیبر	۱ نفر
۹	اردبیل	شهر اردبیل، بخش حومه	اردبیل	۱ نفر
۱۰	نیر	بخش نیر	نیر	۱ نفر
۱۱	میانه	شهر میانه و بخش‌های حومه و ترکمان	میانه	۲ نفر
۱۲	خلخال	شهر خلخال و بخش‌های حومه، شاهرود، کاغذکنان، سنجد، خورش رستم	خلخال	۱ نفر
۱۳	مشگین‌شهر	شهر مشگین‌شهر، بخش حومه	مشگین‌شهر	۱ نفر
۱۴	مغان	بخش‌های گرمی و مغان	گرمی	۱ نفر
۱۵	مروند	شهر مروند و بخش‌های حومه و جلفا	مروند	۱ نفر
۱۶	سراب	شهر سراب و بخش حومه	سراب	۱ نفر
استان آذربایجان غربی				
۱۷	رضائیه	شهر رضائیه و بخش‌های حومه، سیلوانه و صومای برادوست	رضائیه	۳ نفر
۱۸	مهاباد	شهر مهاباد و بخش حومه	مهاباد	۱ نفر
۱۹	بوکان	بخش بوکان و دهستان ایل تیمور	بوکان	۱ نفر
۲۰	خوی	شهر خوی، بخش‌های حومه و چاپپاره	خوی	۱ نفر
۲۱	ماکو	شهر ماکو و بخش‌های حومه، سیه چشمه، پلدشت	ماکو	۱ نفر
۲۲	میاندوآب	شهر میاندوآب و بخش‌های حومه، شاهین‌دژ، تکاب	میاندوآب	۲ نفر
۲۳	شاهپور	شهر شاهپور و بخش حومه	شاهپور	۱ نفر
۲۴	نقده	شهر نقده و بخش‌های حومه و اشنویه	نقده	۱ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۲۵	سردشت	شهر سردشت و بخش حومه، شهر پیرانشهر و بخش حومه	پیرانشهر	۱ نفر
استان اصفهان				
۲۶	اصفهان	شهر اصفهان و بخش حومه	اصفهان	۵ نفر
۲۷	برخوار و میمه	بخش برخوار و میمه	برخوار	۱ نفر
۲۸	ماربین	بخش ماربین	همايونشهر	۱ نفر
۲۹	لنجان	بخش لنجان	فلاورجان	۲ نفر
۳۰	نائین	شهر نائین و بخش‌های حومه، انارک و خور و بیابانک و دهستان‌های تودشک، ورزنه رودشتین مشگنان از بخش کوهپایه	نائین	۱ نفر
۳۱	شهرضا	شهر شهرضا و بخش‌های حومه و جرقویه	شهرضا	۱ نفر
۳۲	نجف‌آباد	شهر نجف‌آباد و بخش حومه	نجف‌آباد	۱ نفر
۳۳	گلپایگان	شهر گلپایگان و بخش‌های حومه و خوانسار	گلپایگان	۱ نفر
۳۴	فریدن	شهر داران و بخش‌های حومه، چادگان، فریدونشهر	داران	۱ نفر
۳۵	نطنز	شهر نطنز و بخش حومه و بخش قمصر	نطنز	۱ نفر
۳۶	اردستان	شهر اردستان و بخش حومه و دهستان‌های ذفره، سجزی، هرنه و کوهپایه از بخش کوهپایه	اردستان	۱ نفر
۳۷	سمیرم	شهر سمیرم و بخش حومه و بخش سمیرم سفلی	سمیرم	۱ نفر
استان بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان				
۳۸	بندرعباس	شهر بندرعباس و بخش‌های حومه، قشم، سعادت‌آباد، فین و بندرخمیر	بندرعباس	۲ نفر
۳۹	بوشهر	شهر بوشهر و بخش‌های حومه، گناوه، دیلم خورموج، کنگان، کاک، تنگستان	بوشهر	۲ نفر
۴۰	بندر لنگه	شهر بندر لنگه و بخش‌های حومه، بستک، جزیره کیش، گاویندی، شیب‌کوه	بندر لنگه	۱ نفر
۴۱	میناب	شهر میناب و بخش‌های حومه، بیابان و رودان	میناب	۱ نفر
۴۲	دشتستان	شهر برازجان و بخش‌های حومه، دشتستان، سعادت‌آباد	برازجان	۱ نفر
استان خراسان				
۴۳	مشهد	شهر مشهد و بخش‌های حومه، طرقله، فریمان، سرخس، چناران و احمدآباد	مشهد	۷ نفر
۴۴	بیرجند	شهر بیرجند و بخش‌های حومه، خوسف نهبندان	بیرجند	۱ نفر
۴۵	قائنات	بخش قائنات و بخش درمیان	قائنات	۱ نفر
۴۶	سبزوار	شهر سبزوار و بخش‌های حومه، جغتای، داورزن ششتمد	سبزوار	۲ نفر
۴۷	ترت حیدریه	شهر تربت حیدریه و بخش‌های حومه و کدکن	تربت حیدریه	۱ نفر



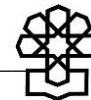
ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۴۸	خواف	بخش‌های خواف، رشتخوار، فیض‌آباد	خواف	۱ نفر
۴۹	نیشابور	شهر نیشابور و بخش‌های حومه، زبرخان، تحت جلگه، سرولایت	نیشابور	۲ نفر
۵۰	ترتیب‌جام	شهر ترتیب‌جام و بخش‌های حومه، باخزر (تایباد)، جنت‌آباد	ترتیب‌جام	۱ نفر
۵۱	گناباد	شهر گناباد، بخش‌های حومه، بجستان	گناباد	۱ نفر
۵۲	کاشمر	شهر کاشمر، بخش‌های حومه، خلیل‌آباد، کوه‌سرخ و برداسکن	کاشمر	۱ نفر
۵۳	درگز	شهر درگز و بخش‌های حومه - لطف‌آباد، چاپشلو، نوخندان و کلات‌نادری	درگز	۱ نفر
۵۴	قوچان	شهر قوچان و بخش‌های حومه و باجگیران	قوچان	۲ نفر
۵۵	فردوس	شهر فردوس و بخش‌های حومه، بشرویه، سرایان شهر طبس و حومه و دستگردان	فردوس	۱ نفر
۵۶	شیروان	شهر شیروان و بخش حومه	شیروان	۱ نفر
۵۷	اسفراین	شهر اسفراین و بخش‌های حومه، بام و صفی‌آباد	اسفراین	۱ نفر
۵۸	بجنورد	شهر بجنورد و بخش‌های حومه، جرکلان، مانه و سلمقان	بجنورد	۲ نفر
استان خوزستان				
۵۹	اهواز	شهر اهواز و بخش حومه	اهواز	۳ نفر
۶۰	آبادان	شهر آبادان و بخش‌های حومه و قصبه	آبادان	۳ نفر
۶۱	خرمشهر	شهر خرمشهر و بخش‌های حومه و مینو	خرمشهر	۱ نفر
۶۲	دزفول	شهر دزفول و بخش‌های حومه، سردشت	دزفول	۱ نفر
۶۳	شوش	بخش‌های شوش و اندیشمک	اندیشمک	۱ نفر
۶۴	مسجدسلیمان	شهر مسجدسلیمان و بخش‌های حومه و اندیکا	مسجدسلیمان	۱ نفر
۶۵	بهبهان	شهر بهبهان و بخش‌های حومه، آغاچاری و زیدون	بهبهان	۱ نفر
۶۶	بندرماه‌شهر	شهر ماه‌شهر و بخش‌های حومه، بندر شاهپور، هندیجان و شادکان و خارک	بندر ماه‌شهر	۱ نفر
۶۷	دشت‌میشان	شهر سوسنگرد و بخش‌های حومه، هویزه، بستان	سوسنگرد	۱ نفر
۶۸	شوشتر	شهر شوشتر و بخش‌های حومه و گتوند	شوشتر	۱ نفر
۶۹	ایذه	شهر ایذه و بخش‌های حومه، دهدژ، جانگی	ایذه	۱ نفر
۷۰	رامهرمز	شهر رامهرمز و بخش‌های حومه، رامشیر، هفتگل	رامهرمز	۱ نفر
استان سیستان و بلوچستان				
۷۱	زاهدان	شهر زاهدان و بخش‌های حومه، نصرت‌آباد میرجاوه، خاش و شهر سراوان و بخش و حومه و بخش‌های جالق زابلی و سیب و سوران.	زاهدان	۲ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۷۲	زابل	شهر زابل و بخش‌های حومه، میانکنگی، ناروئی شهرکی، شیب‌آب و پشت‌آب	زابل	۲ نفر
۷۳	ایرانشهر	شهر ایرانشهر و بخش‌های حومه، بمپور، سرپاز، راسک، فیروزآباد، بزمان	ایرانشهر	۱ نفر
۷۴	چاه‌بهار	شهر چاه‌بهار و بخش‌های حومه، نیک‌شهر، دشت یاری، جاسک و قصرقند	چاه‌بهار	۱ نفر
استان فارس				
۷۵	شیراز	شهر شیراز و بخش‌های حومه، زرکان، مرودشت سروستان	شیراز	۷ نفر
۷۶	ممسنی نورآباد	شهر ممسنی و بخش‌های حومه و ماهور، میلانی	ممسنی	۱ نفر
۷۷	آباده	شهر آباده و بخش‌های حومه، ابرقو، بوانات اقلید	آباده	۱ نفر
۷۸	لار	شهر لار و بخش‌های حومه، اوز، لامرد و جویم	لار	۱ نفر
۷۹	کازرون	شهر کازرون و بخش‌های حومه، خشت، کمارج، کوهمره	کازرون	۱ نفر
۸۰	جهرم	شهر جهرم و بخش‌های حومه، خفر، سیمگان، کردیان	جهرم	۱ نفر
۸۱	فیروزآباد	شهر فیروزآباد و بخش‌های حومه فراشبند قیر و کارزین و دهستان خنج	فیروزآباد	۱ نفر
۸۲	اصطهبانات و نی‌ریز	شهر اصطهبانات و دهستان‌های خیر سراجهان ایچ هرگان شهر نی‌ریز و دهستان‌های حومه، پشت‌کوه، رستاق، آباده طشک	اصطهبانات	۱ نفر
۸۳	فسا	شهر فسا و بخش حومه	فسا	۱ نفر
۸۴	داراب	شهر داراب و بخش حومه	داراب	۱ نفر
استان کرمان				
۸۵	کرمان	شهر کرمان و بخش‌های حومه، ماهان شهداد زرند، راور	کرمان	۳ نفر
۸۶	جیرفت	شهر جیرفت و بخش‌های حومه کهنوج، جبال بارز، ساردوئیه	جیرفت	۱ نفر
۸۷	رفسنجان	شهر رفسنجان و بخش حومه	رفسنجان	۱ نفر
۸۸	بم	شهر بم و بخش‌های حومه راین نماشیر	بم	۱ نفر
۸۹	سیرجان	شهر سیرجان و بخش‌های حومه و مشیز	سیرجان	۱ نفر
۹۰	بافت	شهر بافت و بخش حومه	بافت	۱ نفر
استان کردستان				
۹۱	سنندج	شهر سنندج و بخش‌های حومه میرانشاه، کامباران	سنندج	۲ نفر
۹۲	مریوان	شهر مریوان و بخش‌های حومه، خامیرآباد، کلاترزان، سرشیو سروآباد	مریوان	۱ نفر
۹۳	سقز و بانه	شهر سقز و بخش حومه، شهر بانه و بخش حومه بخش‌های پهلوی دژ، الوت و نمشیر	سقز	۱ نفر
۹۴	قروه	شهر قروه و بخش‌های حومه و ئیلاق	قروه	۱ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۹۵	بیجار	شهر بیجار و بخش حومه	بیجار	۱ نفر
استان کرمانشاهان				
۹۶	کرمانشاه	شهر کرمانشاه و بخش حومه	کرمانشاه	۳ نفر
۹۷	قصرشیرین	شهر قصرشیرین و بخش‌های حومه سرپل‌ذهاب، سورمار، گیلانغرب	قصرشیرین	۱ نفر
۹۸	پاوه	شهر پاوه و بخش‌های حومه، جوانرود، باباجانی، روانسر، بانیکان، نوسود	پاوه	۱ نفر
۹۹	شاه‌آباد غرب	شهر شاه‌آباد و بخش‌های حومه، کرد	شاه‌آباد	۱ نفر
۱۰۰	سنقر و کلیائی	شهر سنقر و بخش حومه	سنقر	۱ نفر
۱۰۱	کنگاور	بخش کنگاور، بخش صحنه و بخش هرسین	کنگاور	۱ نفر
استان گیلان				
۱۰۲	رشت	شهر رشت و بخش‌های حومه، لشت‌نشاء، کوچصفهان	رشت	۳ نفر
۱۰۳	بندر پهلوی	شهر بندر پهلوی و بخش‌های حومه و خمام	بندر پهلوی	۱ نفر
۱۰۴	لاهیجان	شهر لاهیجان و بخش‌های حومه سیاهکل، آستانه، بندر فرحناز	لاهیجان	۲ نفر
۱۰۵	رودسر	شهر رودسر و بخش حومه (بدون دهستان املش)	رودسر	۱ نفر
۱۰۶	طوالش	شهر طوالش و بخش‌های حومه لالش، دولاب، ماسال	هشتپر	۱ نفر
۱۰۷	فومن	شهر فومن و بخش‌های حومه، شفت	فومن	۱ نفر
۱۰۸	لنگرود	شهر لنگرود و بخش حومه دهستان املش	لنگرود	۱ نفر
۱۰۹	صومعه‌سرا	شهر صومعه‌سرا و بخش‌های حومه و تولم	صومعه‌سرا	۱ نفر
۱۱۰	رودبار	شهر رودبار و بخش‌های حومه عمارلو	رودبار	۱ نفر
۱۱۱	آستارا	شهر آستارا و بخش‌های حومه نمین	آستارا	۱ نفر
استان مازندران				
۱۱۲	ساری	شهر ساری و بخش‌های حومه، دودانگه، چهاردانگه	ساری	۲ نفر
۱۱۳	گرگان	شهر گرگان و بخش‌های حومه، علی‌آباد، پهلوی دژ، گمیشان	گرگان	۲ نفر
۱۱۴	کردکوی	بخش‌های بندرشاه، بندرگز، کردکوی	کردکوی	۱ نفر
۱۱۵	دشت گرگان	شهر گنبدکاووس و بخش‌های حومه مراوه‌تپه، کوکلان، داشلی‌برون	گنبدکاووس	۲ نفر
۱۱۶	مینودشت	بخش‌های مینودشت و رامیان	مینودشت	۱ نفر
۱۱۷	بابل	شهر بابل و بخش‌های حومه، بابلسر، بندپی	بابل	۳ نفر
۱۱۸	بهشهر	شهر بهشهر و بخش‌های حومه گلوگاه، پانه‌سر	بهشهر	۱ نفر

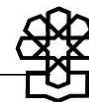
ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۱۱۹	شاهی	شهر شاهی و بخش‌های حومه سوادکوه	شاهی	۲ نفر
۱۲۰	شهسوار	شهر شهسوار و بخش‌های حومه و رامسر	شهسوار	۱ نفر
۱۲۱	نوشهر	شهر نوشهر و بخش‌های حومه چالوس، کلاردشت	نوشهر	۱ نفر
۱۲۲	آمل	شهر آمل و دهستان‌های چلاو، رابو، دشت‌سر هزارپی و بخش لاریجان	آمل	۱ نفر
۱۲۳	نور	شهر نور و بخش حومه، بخش‌های چمستان، بلده و دهستان‌های بالا خیابان لیتکوه و پایین خیابان لیتکوه و اهلمرستاق	نور	۱ نفر
استان مرکزی				
۱۲۴	تهران	شهر تهران	تهران	۲۷ نفر
۱۲۵	قزوین	شهر قزوین و بخش حومه، بلوک اقبال	قزوین	۱ نفر
۱۲۶	تاکستان	بخش ضیاءآباد، بخش اوج	ضیاءآباد	۱ نفر
۱۲۷	بوئین زهرا	بخش‌های بوئین‌زهرا و آبیک	بوئین‌زهرا	۱ نفر
۱۲۸	رودبار الموت	بخش رودبار الموت، بخش طارم سفلی و دهستان‌های قاقازان شرقی و غربی و ایلات قاقازان	معلم کلایه	۱ نفر
۱۲۹	اراک	شهر اراک و بخش‌های حومه و وفس	اراک	۲ نفر
۱۳۰	شاه‌زند	بخش شاه‌زند	شاه‌زند	۱ نفر
۱۳۱	کاشان	شهر کاشان و بخش‌های حومه و اران	کاشان	۱ نفر
۱۳۲	قم	شهر قم	قم	۱ نفر
۱۳۳	کهمک	بخش‌های کهمک و حومه قم	کهمک	۱ نفر
۱۳۴	کرج	شهر کرج و بخش‌های حومه، ساوجبلاغ، شهریار، طالقان، اشتهارد، کن و دهستان‌های ارنگه	کرج	۳ نفر
۱۳۵	ری	شهر ری و بخش‌های حومه و فشافویه	ری	۲ نفر
۱۳۶	شمیرانات	شهر تجریش و بخش‌های شمیرانات، لواسانات رودبار قصران	تجریش	۲ نفر
۱۳۷	ساوه	شهر ساوه و بخش‌های حومه، نوبران، زرنده، خرقان، جعفرآباد	ساوه	۱ نفر
۱۳۸	دماوند	شهر دماوند و بخش‌های حومه، فیروزکوه	دماوند	۱ نفر
۱۳۹	گرمسار	شهر گرمسار و بخش‌های حومه، ایوانکی، دهستان بهنام سوخته از ورامین	گرمسار	۱ نفر
۱۴۰	ورامین	بخش ورامین (بدون دهستان بهنام سوخته)	ورامین	۱ نفر
۱۴۱	محلات	شهر خمین و بخش حومه، شهر محلات و بخش‌های حومه و دلیجان	محلات	۱ نفر
۱۴۲	تفرش	شهر تفرش و بخش‌های حومه، آشتیان، فراهان، خلجستان	تفرش	۱ نفر
فرمانداری کل ایلام				
				۲ نفر



ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
۱۴۳	ایلام	شهر ایلام و بخش‌های حومه و چوار شیروان و چرداول و ایوان	ایلام	۱ نفر
۱۴۴	دهلران و مهران	شهر دهلران و بخش‌های حومه موسیان، زرین‌آباد ابدانان، شهر مهران و بخش‌های حومه، صالح‌آباد و ارگوازی، شهر بدره و بخش حومه و دره‌شهر	دهلران	۱ نفر
فرمانداری کل چهارمحال بختیاری				
۱۴۵	شهرکرد	شهرکرد و بخش حومه آن	شهرکرد	۱ نفر
۱۴۶	بروجن	شهر بروجن و بخش‌های حومه، لردگان و گندمان	بروجن	۱ نفر
۱۴۷	اردل	بخش‌های اردل، شوراب، میزدج، کیار	اردل	۱ نفر
فرمانداری کل زنجان				
۱۴۸	زنجان	شهر زنجان و بخش حومه	زنجان	۱ نفر
۱۴۹	طارم علیا	بخش طارم علیا، رودچای، پاره‌قره بشلوغی، بیکلو	ارمغان‌خانه	۱ نفر
۱۵۰	ماه‌نشان	بخش ماه‌نشان و دهستان‌های زنجان رودقره پشلو و ایجرود	ماه‌نشان	۱ نفر
۱۵۱	ابهر	شهر ابهر بخش‌های حومه و سلطانیه	ابهر	۱ نفر
۱۵۲	خدابنده	شهر خدابنده و بخش‌های حومه و افشار	قیدار	۱ نفر
فرمانداری کل سمنان				
۱۵۳	شاهرود	شهر شاهرود و بخش‌های بسطام میامی، بیارجمند و بخش حومه شاهرود	شاهرود	۱ نفر
۱۵۴	سمنان	شهر سمنان و بخش‌های حومه، سنگسر	سمنان	۱ نفر
۱۵۵	دامغان	دامغان و بخش‌های حومه، صیدآباد	دامغان	۱ نفر
فرمانداری کل کهگیلویه				
۱۵۶	کهگیلویه	شهر دهدشت و بخش حومه، کهگیلویه و بخش‌های گچساران، بهمئی، لنده، باشت	دهدشت	۱ نفر
۱۵۷	بویراحمند	شهر یاسوج و بخش‌های حومه، دروهان و بیضا	یاسوج	۱ نفر
فرمانداری کل لرستان				
۱۵۸	خرم‌آباد	شهر خرم‌آباد و بخش‌های حومه، زاغه، چغلوندی، الشتر، دوره چکنی	خرم‌آباد	۲ نفر
۱۵۹	کوهدشت	بخش‌های کوهدشت و دلفان	کوهدشت	۱ نفر
۱۶۰	ملاوی	بخش‌های ملاوی، الوار گرمسیری، ویسیان پاپی	پل‌دختر	۱ نفر
۱۶۱	بروجرد	شهر بروجرد و بخش‌های حومه، اشترینان	بروجرد	۱ نفر
۱۶۲	درود	بخش‌های درود و چاپلق	درود	۱ نفر
۱۶۳	الیگودرز	شهر الیگودرز و بخش‌های حومه، رزوماهرو	الیگودرز	۱ نفر

ردیف	نام حوزه انتخابیه	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابیه	تعداد نماینده
فرمانداری کل همدان				
۱۶۴	همدان	شهر همدان و بخش حومه	همدان	۲ نفر
۱۶۵	بهار	بخش سیمینه‌رود و بخش کبوترآهنگ	بهار	۱ نفر
۱۶۶	اسدآباد	بخش اسدآباد	اسدآباد	۱ نفر
۱۶۷	رزن	بخش‌های رزن و شراه و پیشخور	رزن	۱ نفر
۱۶۸	ملایر	شهر ملایر و بخش‌های حومه و سامن	ملایر	۲ نفر
۱۶۹	نهایوند	شهر نهایوند و بخش‌های حومه و خزل	نهایوند	۱ نفر
۱۷۰	تویسرکان	شهر تویسرکان و بخش حومه	تویسرکان	۱ نفر
فرمانداری کل یزد				
۱۷۱	یزد	شهر یزد و بخش حومه	یزد	۱ نفر
۱۷۲	اردکان	شهر اردکان و بخش‌های حومه، خرائق و اشکذر، خضرآباد	اردکان	۱ نفر
۱۷۳	تفت	شهر تفت و بخش‌های حومه، نیر، مهریز، بافق و حومه، بهاباد، شهر بابک	تفت	۱ نفر
اقلیت‌های مذهبی				
۱۷۴	تهران	ارامنه نقاط مرکزی و شمال	تهران	۱ نفر
۱۷۵	اصفهان	ارامنه نقاط جنوب	اصفهان	۱ نفر
۱۷۶	تهران	زردشتی	تهران	۱ نفر
۱۷۷	تهران	کلیمی	تهران	۱ نفر
۱۷۸	تهران	آشوری و کلدانی	تهران	۱ نفر
جمع				
				۲۶۸ نفر

مأخذ: مجموعه قوانین بیست و دومین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی، جلد دوازدهم.



کتاب‌ها و مقالات

۱. اطاعت، جواد (۱۳۸۵). قوانین و نظام انتخابات در دوران مشروطه، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۲۷-۲۳۰.
۲. سلطانی، سیدناصر (۱۳۹۵). موجهات انتخابات طبقاتی در مجلس اول مشروطه، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هشتم، شماره چهارم.
۳. سائلی کرده ده، مجید (۱۳۷۸). سیر تحول قوانین انتخاباتی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ۱۰۶۷۱
۴. کریمی‌فرد، حسن (۱۳۹۳). بررسی نسبت جمعیت حوزه‌های انتخابیه به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش‌های مجلس، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی. شماره مسلسل ۱۳۳۵۹۹.
۵. فرید، فاطمه، دفتری، فاطمه، ملک‌پور، نجمه (۱۳۸۸). سرگذشت تقسیمات کشوری، جلد اول، تهران، بنیاد ایران شناسی.
۶. ویژه، محمدرضا و حمید قهوه‌چیان (۱۳۹۱). تحلیلی بر نظام‌نامه انتخابات سال ۱۲۸۵ مجلس شورای ملی، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۵.
۷. هندلی، لیزا و برنارد گروفنمن (۱۳۹۵). فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه (مطالعه تطبیقی)، ترجمه ابوذر ربیعی قهساره، تهران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

۸. مشروح مذاکرات مجلس اول شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۹. مشروح مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۰. مشروح مذاکرات مجلس چهارم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۱. مشروح مذاکرات مجلس پنجم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۲. مشروح مذاکرات مجلس هفتم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۳. مشروح مذاکرات مجلس نهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۴. مشروح مذاکرات مجلس یازدهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۵. مشروح مذاکرات مجلس سیزدهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۶. مشروح مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۷. مشروح مذاکرات مجلس پانزدهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۸. مشروح مذاکرات مجلس شانزدهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۱۹. مشروح مذاکرات مجلس هفدهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۲۰. مشروح مذاکرات مجلس نوزدهم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۲۱. مشروح مذاکرات مجلس بیستم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۲۲. مشروح مذاکرات مجلس بیست‌ویکم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۲۳. مشروح مذاکرات مجلس بیست‌ودوم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.
۲۴. مشروح مذاکرات مجلس بیست‌وچهارم شورای ملی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس انقلاب اسلامی.

قوانین

۲۵. مجموعه قوانین سال ۱۳۴۶ (نشریه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران)، وزارت دادگستری.
۲۶. مجموعه قوانین سال ۱۳۳۹ (نشریه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران)، وزارت دادگستری.
۲۷. مجموعه قوانین بیست و دومین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی، جلد دوازدهم، اداره کل قوانین.
۲۸. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری، اداره کل قوانین.
۲۹. مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره نهم تقنینیه، اداره کل قوانین.
۳۰. نظام‌نامه انتخابات صنفی مصوب ۱۹ رجب ۱۳۲۴.

نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن

۳۱. نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۳۵.
۳۲. نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۴۵.
۳۳. آمارنامه استان آذربایجان غربی، ۱۳۵۱.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۷۱۳۰

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس در ایران ۱. دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران

نام دفتر: دفتر مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)
تهیه و تدوین: فاطمه‌سادات میراحمدی
ناظر علمی: محمدرضا شمس
ویراستار ادبی: شیوا امین‌اسکندری

واژه‌های کلیدی:

۱. نظام حوزه‌بندی انتخابات مجلس
۲. دوره مشروطه
۳. نهاد مسئول ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه
۴. علت اصلاح مرزهای حوزه‌های انتخابیه
۵. معیارهای ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۴/۱۷